

زمانی که قانون ننگین کاپیتالاسیون مطرح شد تا عزت و احترام ایرانی را بی حیثیت کند و سگ امریکایی را از یک ایرانی محترم تر بشمارد، جوانانی در یک حرکت انقلابی و با دستور مرجع تقلید خود، عامل این حرکت را به درک واصل کردند تا به دنیا ثابت کنند نمی شود کسی یا جریانی عزت و شرف ایران اسلامی را هتک کند. به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادای چهارگانه مؤتلفه اسلامی در ۲۶ خرداد سال ۱۳۴۴ نگاهی به روایت مبارزان انقلاب اسلامی از روزهای پایانی شهدا و بیدادگاه پهلوی داریم.



تیغها



صعود طلایی ورزش زنان بعد از انقلاب

۱۴



پارادوکسی به قواره رسانه ملی:

پروژه فاخر کجایی؟! دقیقا کجایی!؟

۱۸

سلیقه ایرانی ها در تولید محتوای اینترنتی چیست؟

۲۸

روایت شهید بهشتی از صدور مجوز حکم اعدام حسنعلی منصور

۲



گفت و گو با محسن رزاقی، پژوهشگر بازی های دیجیتال

والدین و ترس از بازی های دیجیتال

۱۰

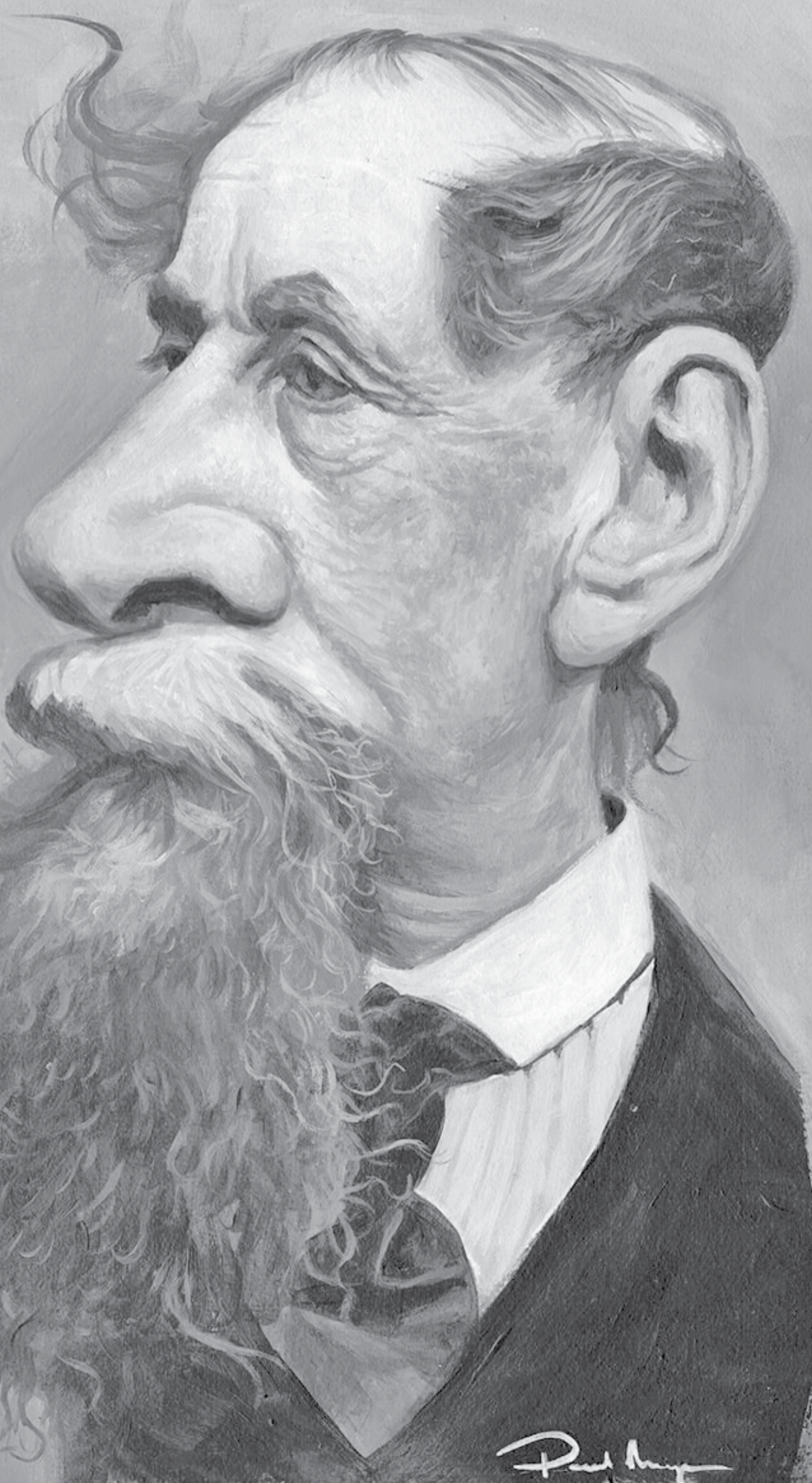
در گفت و گو با «ایران جمعه» مطرح شد

تحقق فراگیری مالی با دسترسی آسان به خدمات دیجیتالی بانکها

۱۱

# آقای قصه گو

به بهانه درگذشت چارلز دیکنز سراغ آثار و زندگی اش رفته ایم





# تاریخ

## شهدای حافظ عزت و شرف ایران

### روایت مرحوم عسکراولادی از لحظات وداع

به مناسبت ۲۶ خرداد، خاطره‌ای از شهید محمد بخارایی برای شما بگویم. ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ ما ۱۲ نفر بودیم که سه نفر سه ما را از هم جدا کردند تا نوبت به محمد بخارایی رسید ایشان جدا نشد.

رئیس زندان سرهنگ محرری آمد و صحبت کرد گفتیم چاره‌ای نداریم جز اینکه به ما اجازه بدهید یا یکدیگر وداع کنیم ایشان گفتند نمی‌شود، شما دیشب وداع داشتید، گفتیم این درست است ما امشب می‌خواهیم باز وداع کنیم ایشان رفتند و اجازه گرفتند و برگشتند. اینجا نکته‌ای است که باید عرض کنم ما این چهار نفر را مثل نگین در وسط خود قرار دادیم و تعدادی نیروهای مسلح با اسلحه هم پشت سر ما ایستادند.

آن چهار نفر محکوم به اعدام دست‌ها را روی شانه‌های یکدیگر قرار دادند و مریعی درست کردند وقتی ما رسیدیم نیروهای انتظامی در چهار دور دایره‌وار آنها را محاصره کرده بودند و آنها در وسط قرار داشتند کوچک‌ترین عضو ما حمید ایکچی بود که زیر ۱۶ سال داشت و محمد بخارایی بالای ۱۸ بود.

حمید گریه می‌کرد او بسیار تحت تأثیر بخارایی بود، بخارایی صدای گریه‌ها را که شنید با صدای بلند گفت: حمید گریه! برای ما گریه! پسر من در هر ماه مبارک رمضان دعا می‌کنم خدایا برای ما شهادت را روزی بگردان (و قتل فی سبیلک تحت رایه نبیک) یادت باشه، هر جا برای ما مراسمی برپا کردند شاد باشی.

شهید امانی گفت: خیال می‌کنند که خطر این حکم را در باره ما به اجرا گذاشته‌اند و درحالی که این ساده‌ترین حکم است چون ما در لحظاتی دیگر در جوار حق هستیم و شما که مانده‌اید، اسیرید.

وظیفه اسرا به نتیجه رساندن شهادت شهداست و از این به بعد کار شما مشکل است ما برای شما در این راه سخت دعا می‌کنیم.

مرحوم حبیب‌الله عسکراولادی

صادق رخ فرد  
نویسنده

عزت و شرف ایران اسلامی را هتک کند. به مناسبت فرارسیدن سالروز شهدای چهارگانه مؤتلفه اسلامی در ۲۶ خرداد سال ۱۳۴۴ نگاهی به روایت مبارزان انقلاب اسلامی از روزهای پایانی شهدا و بیدادگاه پهلوی داریم.

زمانی که قانون ننگین کابینا لاسیون مطرح شد تا عزت و احترام ایرانی را بی‌حیثیت کند و سگ امریکایی را از یک ایرانی محترم‌تر بشمارد، جوانانی در یک حرکت انقلابی و با دستور مرجع تقلید خود، عامل این حرکت را به درک واصل کردند تا به دنیا ثابت کنند نمی‌شود کسی یا جریانی

امام خامنه‌ای با اشاره به شهیدان بخارایی، امانی، صفار هرنندی و نیک‌نژاد

## شباهت شهادت آنها به شهادت اصحاب امام حسین (ع) بیشتر است

کشته شدن هم گاهی سخت و گاهی سخت‌تر است. وقتی انسان تن به مرگ می‌دهد، فرق می‌کند. مثلاً شهدای عزیز که ما در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی - در جبهه - داشتیم با شور، با حماسه، با افتخار و با حضور کسی مثل امام که در واقع بالای سر آنها بود، مرتب پیام‌ها و دلگرمی‌های امام به این رزمنده‌های عزیز ما می‌رسید و آنها را دلگرم و شاداب می‌کرد. ملت ایران هم پشت سرشان مثل کوهی ایستاده بودند. البته در همین شرایط هم آدم‌های از خود گذشته و شجاع هستند که به استقبال ایثار و مجاهدت فی سبیل‌الله می‌روند که باز هم کار هرکسی نیست.

**شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع)، بیشتر است**

شهدا شجاع‌ترین و برترین انسان‌ها هستند؛ اما این شهادت با آن شهادتی که در انزوا، در عزلت، در حالت رعب، در حالت تنهایی و فشار و هجوم و سوسه‌های دشمن و انواع و اقسام موانع و روادع راه خدا اتفاق می‌افتد، پیش‌خدا می‌تعالی فرق دارد. شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع)، بیشتر است.

به هر حال، اینها ستارگان و برجستگانی بودند که در راه خدا رفتند، راهی را انتخاب کردند و نتیجه، این شد که مشاهده می‌کنید؛ یعنی حاکمیت اسلام در دوران سیطره کفر و استکبار بر عالم، چیزی است که به افسانه شبیه است. واقعاً اگر چنین حادثه‌ای در زمان ما اتفاق افتاد - امام بزرگوار ما آمد این قضیه بزرگ و این مسأله باور نکردنی را مطرح و دنبال کرد، یک عده انسان‌های از خود گذشته هم با او همراهی و زحماتش را تحمل کردند و آن قدر ادامه دادند تا این شعله، همه‌گیر شد و ملتی مثل اقیانوسی که بر طوفان بیفتد، به طوفان افتاد و این حرکت عظیم را انجام داد - ندیده بودیم و برای ما نقل می‌کردند، حتی باورکردنش خیلی سخت بود! اما این چیز باورکردنی، به قدرت الهی و درست منطبق با سنت‌های آفرینش و همان چیزی که قرآن گفته - همان «ولینصرن الله من یشیر» - در زمان ما اتفاق افتاد.



متن پیش رو بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در سی و چهارمین سالروز شهادت طایفه داران آفتاب (۱۳۷۸/۳/۲۶) در جمع اعضای مؤتلفه اسلامی ایراد فرمودند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادران عزیز خیلی کار بجایی کردند که این مناسبت را (سالروز شهادت ۴ شهید مؤتلفه اسلامی (بخارایی، امانی، صفار هرنندی و نیک‌نژاد) مناسب گردهمایی و اجتماع و تجدید خاطرات و تصمیم‌های خودشان در زمینه اجتماع کاری و سیاسی و اسلامی قرار دادند. هر حرکتی که مبتنی بر چنین خاطره‌ها و حوادثی مثل شهادت این عزیزان باشد، مبارک است و برکات الهی پر آن نازل می‌شود.

**حقیقتاً در دوران ظلمات، نور خدا بودند**

این شهدای چهارگانه‌ای که جناب آقای عسکراولادی از این بزرگواران یاد کردند، شاید این تعبیر درباره آنان درست باشد که بگوییم «نورالله فی ظلمات الارض»! حقیقتاً در دوران ظلمات، نور خدا بودند که درخشیدند و فضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند.



شهدا  
شجاع‌ترین و  
برترین انسان‌ها  
هستند؛ اما این  
شهادت با آن  
شهادتی که در  
انزوا، در عزلت،  
در حالت رعب،  
در حالت تنهایی  
و فشار و هجوم  
و سوسه‌های  
دشمن و انواع  
و اقسام موانع  
و روادع راه خدا  
اتفاق می‌افتد،  
پیش‌خدا  
متعالی فرق  
دارد. شباهت  
آن شهادت  
به شهادت  
اصحاب امام  
حسین (ع)،  
بیشتر است

### موضع ما برتر و حق جویانه بود

نفر دیگر صدا می‌زد؛ به این عنوان که در دفتر کارتان دارند و در نهایت آن محکوم را نگه داشته و بقیه را بازمی‌گرداند و به همین ترتیب این کار را تکرار می‌کردند. ما منظورشان را از این کار فهمیده بودیم. بنابراین آقای عراقی با رئیس دایره زندان صحبت کرد که منظورتان را از این کار می‌دانیم شما هیچ ترس و واژه‌های نداشتی باشید برادرانمان خودشان را برای اعدام آماده کرده‌اند و از آنها تقاضا کرد که همه را به اتاق قرنطینه ببرند تا بتوانیم در آخرین لحظات با هم‌دیگر بوده و با هم خداحافظی کنیم و آنها هم قبول کردند بعد از خداحافظی مأمورانی که سیاه هم بودند، به آنها دستبند زده و برای اجرای حکم به لشکر ۲ زرهی بردند و تیربارانشان کردند.

**این چه نانی است که ما می‌خوریم**

فردای آن روز مأموری که شاهد اجرای تیرباران بود با حالت گریه می‌گفت که این چه نانی است که ما می‌خوریم و از اینکه افرادی پاک، جوان و مقدس را تیرباران کرده بودند احساس تأسف می‌کرد. بعد از تیرباران اجساد آنها را برای دفن به مسگرآباد که مکانی دور افتاده بود بردند، وقتی مردم از قضیه مطلع شدند جمعیت خیلی زیادی به آنجا رفته بود که با ممانعت مأموران مواجه شدند. بعد از آزادی زندان به همراه دیگر رفقا در بچوجه انقلاب آنها را نیش قبر کردیم و در مسجد ماشاالله که در این بابویه واقع است به خاک سپردیم. بعد از خداحافظی در اتاق قرنطینه حاج صادق در حضور مأموران درباره انگیزه این کار کمی صحبت کرد و اینکه انگیزه‌های ما الهی و خدایی بود و برای خدمت به اسلام و احیای احکام اسلامی و موقعیت مسلمانان اقدام به چنین کاری کرده‌ایم از کاری که کرده‌ایم نیستیم و هیچ‌گونه ترس و واژه‌های نداریم البته حاج صادق نه از طرف خودش بلکه از طرف این چند تا برادر و به نمایندگی از آنها صحبت کرد. هنگام رفتن هیچ‌گونه خشم یا تشویش و اضطرابی در قیافه این چهار نفر نبود و صلابت آرامش و اطمینان و نهایت رضایت در چهره‌های آنها خوانده می‌شد و احساس می‌کردند بی‌امانت و تکلیف الهی را به سلامت به سرمنزل مقصود رسانده‌اند. لحظات آخر با سکوت گذشت و نگاه‌هایی رد و بدل شد و آنچه گفتنی بود در این نگاه‌ها گفته و فهمیده شد که چه بار سنگینی از تکلیف بر دوش مابقی است.

برگرفته از خاطرات مرحوم حاج هاشم امانی

**مرحوم حاج هاشم امانی**

پس از پایان بازجویی و بازپرسی پرونده را برای ۱۳ نفر تکمیل کردند و بقیه آزاد شدند. اولین دادگاه در ۱۲ یا ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۴۴ برگزار شد. محل دادگاه که دادگاه نظامی بود، در چهارراه حسن‌آباد حدود بیمارستان سینا قرار داشت. روز اول دادگاه ما را صدا زدند و سوار اتوبوس کردند. مسیرش هم خیلی کم بود. هر نفر را دستبند زده در اتوبوس می‌نشانند و به دادگاه می‌برند.

**موضع ما برتر و حق جویانه بود**

وقتی در دادگاه از من سؤال شد که چه کار کردی، جواب دادم اسلحه‌ها را تهیه کردم. یا زمانی که از حاج صادق پرسیدند این اسلحه‌ها را برای چه به محمد بخارایی دادی، ایشان با صراحت جواب داد بفرما اینکه منصور را به قتل برساند یا در جای دیگر هنگامی که از علت قتل منصور سؤال شد پاسخ داد چون خائن، مفسد و سده راه اسلام و مسلمین و واجب‌القتل بر حسب حکم کلی شارع بود و بر همه مسلمانان فرض بود که او را از جلوی راه بردارند و خود شما هم می‌بایست اقدام به کشتنش می‌کردی. موضع ما موضع برتر و حق جویانه بود، نه موضع ضعف و ندامت.

**عوامل دادگاه از رفتار شهدا بسیار رنج می‌بردند**

هنگامی که دادستان در ادعای خود مطالبی را در محکومیت عمل جمع ما و مظلومیت منصور با نشان دادن دستکش‌های خونین او و عکس دو فرزندش مطرح کرد و قصد تحریک عواطف را داشت، در پایان جلسه رسمی دادگاه از ما عذرخواهی کرد و اینکه تمام این کارها بر حسب اعتقادش نبود، بلکه بر حسب وظیفه بود. همه بچه‌ها در دادگاه از روحیه بالایی برخوردار بودند و در موقع تنفس عوامل دادگاه، قضاوت رئیس دادگاه هنگامی که بچه‌ها را می‌دیدند که با هم‌دیگر می‌خندند و برخورد‌های صمیمانه‌ای دارند بسیار رنج می‌بردند.

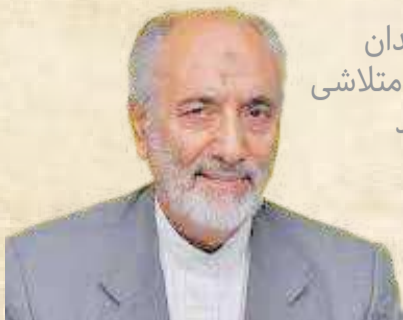
**شب قبل از اعدام**

شب قبل از اعدام هنگامی که مسئولان زندان قصد داشتند بچه‌ها را برای اجرای حکم ببرند بر حسب دیدگاهی که در نظرشان بود و اینکه تصور می‌کردند در این موقع ممکن است متهمان مقاومت بکنند و در زندان تشنجاتی پیش بیاید زندانبان کسی را که محکوم به اعدام بود همراه چند





امام با دو دست پول را برگرداندند و گفتند این جوانان در زندان هستند و ممکن است خانواده‌هایشان به خاطر فشار مالی متلاشی شوند. این پول را ببرید و به خانواده‌های این زندانیان بدهید



## پاسخ کوبنده شهید محمد بخارایی

ابوالفضل توکلی بی‌نا

عضو هیأت مؤسسه مؤتلفه اسلامی

فردای روزی که حضرت امام (ره) را به ترکیه تبعید کردند شاخه نظامی جمعیت‌های مؤتلفه جلسه‌ای را در منزل یکی از یاران مؤتلفه تشکیل داد. پس از ۱۷-۱۸ ساعت بحث و گفت‌وگو مشخص شد سه نفر مفسد فی الارض هستند، شاه، نصیری رئیس وقت ساواک و حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت. از بین این سه نفر حسنعلی منصور بیشتر از سایرین به حضرت امام (ره) بی‌ادبی و بددهانی می‌کرد و او بود که بی‌سر و صدا لایحه کاپیتولاسیون را به مجلس شورای ملی وقت برد و امام (ره) را به ترکیه تبعید کرد.

### پاسخ کوبنده شهید محمد بخارایی

شهید بخارایی جوان ۱۸ ساله فوق‌العاده‌ای بود که عضو شاخه نظامی شد و دوره نظامی دید و در ۹ سالگی اقدام به اعدام انقلابی منصور کرد.

بلافاصله دادگاه را تعطیل کردند و رئیس دادگاه و دادستان پیش شاه رفتند و این مسأله را مطرح کردند. در واقع یکی از دلایل اینکه امام را بیشتر از یک سال در ترکیه نگه نداشتند همین اظهارات شهید بخارایی در دادگاه بود.

### حمایت عملی امام از یاران مؤتلفه اسلامی

مادر زندان بودیم. حاج سید محمد علمدار یزدی که از بازار پانی بود که وضع مالی خیلی خوبی داشت، خدمت امام در نجف رفت و پول زیادی را جلوی ایشان گذاشت و گفت من از رفقای آقای توکلی بی‌نا هستم. وقتی این جمله را گفت امام با دو دست پول را برگرداندند و گفتند این جوانان در زندان هستند و ممکن است خانواده‌هایشان به خاطر فشار مالی متلاشی شوند. این پول را ببرید و به خانواده‌های این زندانیان بدهید. حاج سید محمد علمدار یزدی به ایران برگشت و با خامم به زندان به ملاقاتم آمد و آنچه را بین او و امام گذشته بود برای ما گفت. ما تشکر کردیم، اما پول را نپذیرفتیم.



علیرضا اسلامی

فرزند شهید محمد صادق اسلامی

بعد از اینکه حاج صادق امانی، رضا هرندی، مرتضی نیک‌نژاد و محمد بخارایی را اعدام کردند، پیکر این شهید را آوردند در خیابان خاوران به طرف ورامین که می‌رویم، یک مسگر آباد اولیه هست که نواب صفوی و یارانشان را اینجا دفن کرده بودند که الان پارک است (بعداً جسد شهید نواب صفوی به قم منتقل شد). بعد از آن به مسگر آباد آخری که سمت راستش کوه است برویم تا به طرف کارخانه مس برسیم که الان آنجا هم پارک شده است، قبلاً دبیرستانی بود که می‌گفتند تعدادی از شهدای ۱۵ خرداد را هم به صورت گروهی به اینجا آوردند و رویشان خاک ریختند. در چند نقطه اینجا شهدا را دفن کردند، ولی اجازه مراسم ندادند.

هر چند به گزارش ساواک حدود ۵ هزار نفر در شب هفتم شهدا آمدند که از تجمع آنها جلوگیری شد. بعد کار مردم هم این شده بود که آنجا سخنرانی می‌کردند

## روایت از مقاومت و اقتدار مادر شهید حاج صادق امانی

لازم می‌دانم که از مادر بزرگوار شهید حاج صادق امانی- محترم خانم- یادی بکنم.

وقتی حاج صادق و حاج هاشم زندانی بودند، او هیچ وقت جلوی در زندان نرفت که آنها را ببیند. از ایشان خواستند که شما برای بچه‌هایت تقاضای عفو کن.

ایشان می‌گفت که بچه‌های من خلاقی نکرده‌اند که من عفو بخواهم؛ من از چه کسی عفو بخواهم؟ من از خدا تقاضای عفو می‌کنم.

از او خواستند که شما بیا زندان، گفت: «نه من پشت در زندان نباید بچه‌هایم را ببینم. هرگز من آنجا نمی‌آیم.» لذا وقتی مرحوم حاج صادق اعدام شد به ایشان نگفتند؛ اما او می‌گفت: «احساس می‌کنم که حاج صادق نیست.» و تا زمانی که حاج هاشم زندانی بود، هرگز به زندان نیامد.

ایشان قبل از آنکه حاج هاشم آزاد بشود، مرحوم شدند، لذا حاج هاشم و حاج صادق را ندید. حاج هاشم ابتدا به اعدام، ولی بعد با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد و تا سال ۱۳۵۶ در زندان بود.

برگرفته از خاطرات حاج احمد قدیریان

## روایت از انتقال اجساد شهدای چهارگانه



بود در آوردند و در مسجد ماشاءالله که نزدیک ابن بابویه (قبر شیخ صدوق در راه شهرری) است دفن کردند.

برگرفته از تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهید اسلامی

و سر قبر این شهدا می‌آمدند، چون اجازه نصب سنگ قبر را هم به آنها نداده بودند، روی هم سنگ می‌چیدند. این سنگ‌ها بالا می‌آمد و شبیه یک گنبد بلند می‌شد. روی قبر هر کدام از اینها با رنگ یا قلمی چیزی می‌نوشتند. مثلاً اینجا قبر امانی، نیک‌نژاد، هرندی و بخارایی است. بعد از آزادی پدرم تقریباً جمعه هر هفته سر قبر این شهدا می‌رفتم و مردم و خیلی‌ها که مبارز بودند هم می‌آمدند. اصلاً خود این شده بود ملاکی برای مبارز بودن و ادامه راه آن شهدا. با اینکه بچه بودم با پدرم به قبرستان می‌رفتم و یکی از آرمان‌هایم این بود که راه اینها را بروم و مثل اینها عمل کنم. این شهدا برایمان خیلی بزرگ، عظیم و الگو بودند.

در آذر ماه سال ۱۳۵۷ و نزدیکی‌های انقلاب (هنوز رژیم پهلوی سر کار بود) چون یارانشان احساس کردند می‌خواهند اینها را پارک کنند، حاج مهدی عراقی، بعضی از بستگان حاج صادق امانی، آقای قدیریان و بعضی از دوستانشان رفتند و اجازه گرفتند و مخفیانه برای اینکه نام و یاد این شهدا بماند و از بین نرود، نیش قبر کردند و جسد اینها را در حالی که جای گلوله روی جمجمه آنها

## ماجرای رمز و پیام عکس نگاه به بالا



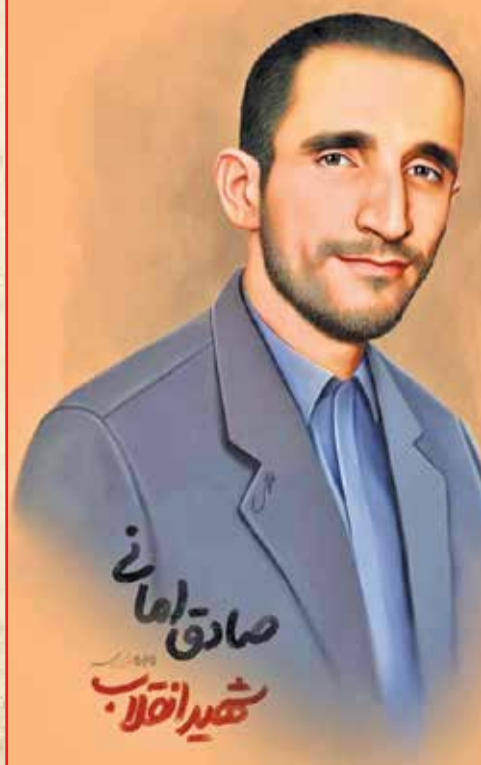
قراری میان اعضای گروه اجرا کننده حکم حسنعلی منصور بود که اگر بازداشت شدند و اعتراف نکرده بودند؛ هنگام عکاسی چشم را به سوی بالا بگردانند. این تصویر که ۴ بهمن، ۳ روز پس از عملیات گرفته شده است؛ نشان می‌دهد که آنها به خوبی مقاومت کرده بودند. لورفتن هویت بخارایی و دستگیری دو رفیق وی از طریق کارت تحصیلی وی انجام شده بود. کارتی که شهید محمد بخارایی به منظور ایجاد پوشش در عملیات اعدام انقلابی حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت در بهمن ۱۳۴۳ در جیب خود گذاشته بود.

شهید بخارایی با وجود همه شکنجه‌های مأموران ساواک لب به سخن نگشود و خود را معرفی نکرد، اما توسط همین کارت تحصیلی که در جیبش بود، شناسایی می‌شود.

شهید مهدی عراقی درباره این ماجرا گفته است: «بخارایی را می‌آوردند شهر بانی. فوراً از طرف وزیر دادگستری - حکمت - باز پرس فوق‌العاده مأموریت پیدا می‌کند که بیاید باز پرس بکند، زیر نظر فیلسوفی دادستان تهران، تا نزدیک

ساعت ۳ بعد از ظهر هر چه از بخارایی [می‌خواهند مطلبی] بفهمند، چیزی از او گیرشان نمی‌آید. [...] در بازرسی بدنی که از او کرده بودند یک کارت تحصیلی از توی جیبش درآورده بودند که مال مدرسه خزانلی بود که شبانه می‌رفت کلاس. می‌روند آنجا، آدرسی داده بود آدرس راز مدرسه خزانلی می‌گیرند، دکانش را آدرس داده بود. می‌روند در دکانش، اوستایش را می‌گیرند و آن بنده خدا هم می‌گوید این بابا امشب شب عروسی‌اش است، دیشب از من اجازه گرفته که امشب عروسی دارم، عقد کنان دارم و از این حرف‌ها. آنها هم می‌گویند آره بلند شو بیا امشب عروسی خوبی دارد، آدرس خانه‌اش کجاست؟ تازه آنجا متوجه می‌شود که جریان چی بوده، آدرس خانه را می‌دهد. می‌روند در خانه، مادر محمدر را بر می‌دارند و می‌آورند شهر بانی.»

بعد از آن به آدرس رفقاییش پی می‌برند و دوشهید دیگر نیز بازداشت می‌شوند. مقاومت آنها به حدی بود که شهید صادق امانی، فرمانده عملیات تا چند روز لو نمی‌رود و در نهایت نیز از طریق دیگری رژیم به هویت و محل حضور او پی می‌برد.





# روایت شهید بهشتی از صدور مجوز حکم اعدام حسنعلی منصور

و پیغمبر خدا و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) و جداً هم اهل حدیث بود. عربی خوب می‌دانست احادیث را خوب می‌فهمید و می‌آمد روی محتوای احادیث بحث می‌کرد؛ ولی با تمام این احوال من حس کردم که او امروز نیامده حدیث بپرسد مثل اینکه حدیث پرسیدن را پوشش یک سؤال انقلابی دیگرش می‌خواست قرار بدهد. سؤال این بود که به نظر شما اگر ما چندتا از این مهره‌های اصلی طاغوت را سربه‌نیست بکنیم در این مقطع انقلاب کار درستی است یا نه؟ از نظر اصولی در اسلام حکمش چیست و از نظر این شرایط زمان، حکمش چیست؟

... من حس کردم که ایشان آمده می‌خواهد این را بپرسد، می‌خواهد ببیند که آیا از نظر فقهی و از نظر اجازه حاکم شرعی می‌توانند این کار را بکنند یا نه؟

چنان در سیمای این مرد لاغر اندام و ظریف؛ اما مصمم، قوی با اراده و بر عظمت و درست پیرو خط انبیاء و اولیاء نور ایمان و قدرت اراده آهنین یک انسان مؤمن متجلی بود که انسان از معاشرت با او لذت می‌برد، واقعاً از کسانی بود که دیدار او انسان را به یاد خدا می‌انداخت.

می‌دانید که یکی از سفارش‌های اسلام به برادران و خواهران این است که یاران و دوستانی انتخاب کنید که وقتی آنها را ملاقات می‌کنید دیدار آنها شما را به یاد خدا بیندازد و مرحوم حاج صادق یکی از نمونه‌های بارز این یاران و دوستان بود.



انقلاب در خط اصیل اسلام بودند. مرحوم حاج صادق در اوایل ماه رمضان آنجا آمد و گفت آمدم یک حدیث ببرسم. من دیدم دیروقت و بدون اطلاع آمده من منزلم در مختاری بین شاپور و امیریه بود معمولاً اینها اگر قراری داشتند خبر می‌دادند، می‌آمدند، دیدم آن روز بی‌وقت آمده و بعد هم می‌گوید می‌خواهم یک حدیث ببرسم البته اهل حدیث بود، مرحوم حاج صادق جوانی بود مشتاق کلمات خدا

## بازوان توانای انقلاب در خط اصیل اسلام

... شهید عزیز این روزمان در سال گذشته که امروز سالگرد شهادت اوست و باید یادش کنم و یادش را گرامی بدارم مرحوم شهید حاج مهدی عراقی و از یارانش مرحوم شهید حاج صادق امانی این عنصر فضیلت و تقوی که برخاسته از همین محله‌ها بودند، البته مرحوم حاج صادق دقیقاً از همین محله بود. اینها بازوان توانای



اینها درست با تمام وجودشان در خط اصیل اسلام و قرآن و فقاقت همان که امروز به آن می‌گویند در خط امام حرکت کردند



متشکل شد و به حرکتش تا سال‌ها ادامه داد. اینها درست با تمام وجودشان در خط اصیل اسلام و قرآن و فقاقت همان که امروز به آن می‌گویند در خط امام حرکت کردند. این روح را بخصوص این نوجوانان، این دختران و پسران جوان و نوجوانی که در این مسجد، در این خانه خدا گرد آمدید حفظ کنید این روح الهی و این نورانیت انقلاب را نگهبان و نگهدار باشید.



آشنا می‌کردند و آن طرف‌های مسگرآباد هم میدان تیرشان بود و می‌رفتند آنجا تیراندازی یاد می‌گرفتند. اینها در تمام مراحل مبارزات بخصوص البته توضیح می‌دهم که اینها از کی توی خط بودند. در تمام مراحل مبارزاتی بخصوص در مرحله سال ۴۱ به بعد که اینها توانستند فعال باشند و پس از کشف شبکه‌شان، شبکه اصلی را متلاشی کردند؛ اما بقایای آن همچنان

## تربیت انقلابی

حاج صادق امانی و حاج مهدی عراقی و آقای عسکروالادی و چند نفر دیگر و این سه نفر از شورای مرکزی هیأت‌های مؤتلفه و دیگران در شاخه نظامی این تشکیلات بودند و اسلحه‌های داشتند و خودشان را آماده می‌کردند و بچه‌های جوان عزیز را تربیت می‌کردند هم با روح ایمان و هم با سلحشوری و هم با سلاح آنها را

آن شهادتی که در انزوا، در عزلت، در حالت رعب، در حالت تنهایی و فشار و هجوم و سوسه‌های دشمن و انواع و اقسام موانع و روادع راه خدا اتفاق می‌افتد پیش خدای متعال فرق دارد. شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع) بیشتر است.

بخش از این شهادت همچنان در گلو می‌ماند و با آن فرخنده بود و با پیروزی انقلاب اسلامی، یاد آنها در مناسبت‌های مختلف زنده نگه داشته شد. از آن جمله سخنرانی شهید مظلوم دکتر بهشتی است که وقتی سوم شهریورماه ۱۳۵۹، به مسجد گذر لوطی صالح رفت تا برای سالگرد شهید عراقی سخن بگوید، بخشی از سخنرانی را به شهید امانی اختصاص داد.

این سخنرانی، بیانگر تفاوت ماهوی مشی و ممشای این مبارزان با برخی دیگر از گروه‌های مسلحی است که نتوانستند مورد تأیید امام خمینی قرار گیرند. روایت کمتر شنیده شده شهید بهشتی از مقدمات آن عملیات خواندنی است:

سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴، چهار نفر از اعضای هیأت‌های مؤتلفه اسلامی اعدام شدند. پس از تصویب کاپیتولاسیون امریکایی و دستور امام خمینی به عدم سکوت، توسط رژیم شاه امام تبعید شد و برای حسنعلی منصور، عامل مستقیم امریکا برای چند پروژه در ایران از سوی برخی نمایندگان امام همچون شهید آیت الله دکتر بهشتی و همچنین از سوی آیت الله میلانی، مرجع حاضر در ایران حکم اعدام صادر شد. شهید محمد بخاری این حکم را اجرا کرد و در این راه به همراه شهید امانی، فرمانده این عملیات و شهیدان مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرنیدی به فیض شهادت نائل آمد. برگزاری مراسم برای این شهدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ناممکن بود. این مظلومیت تا آنجا بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آنها فرمودند: «این شهدای چهارگانه [شهیدان امانی، بخاری، صفار هرنیدی و نیک نژاد] ... حقیقتاً در دوران ظلمات، نور خدا بودند که درخشیدند و قضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند...

## روایتی از پیامد فتوای آیت الله میلانی؛

### شاه گفت پرونده مختومه شود

با توجه به خاطرات دکتر اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در خصوص ماجرای کسب فتوا از آیت الله میلانی و دیداری که پس از عملیات با ایشان داشته است؛ با وی پرسش و پاسخی درباره پیامد فتوا برای آن مرجع تقلید داشتیم.

چگونه شد که جای اجرای حکم الهی در خصوص حسنعلی منصور، از آیت الله میلانی کسب فتوا کردید؟

پس از تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳،

تظاهرات اعتراضی مردم محدود انجام شد و مانند ۱۵ خرداد آن قیام عمومی پدید نیامد. از این رو رژیم ستمشاهی احساس کرد که میدان برای تاخت و تاز و سرکوب



انقلاب باز است و غیر از بیانیه‌های علماء و تظاهرات موضعی، اقدام مؤثری علیه رژیم و تبعید امام و کاپیتولاسیون امریکایی انجام نخواهد شد. حسنعلی منصور، گستاخانه به مراجع و روحانیت زبان تعرض گشود و در جهت خواست اربابان امریکایی و انگلیسی خود در صدد برآمد موضع انقلاب و مبارزه را برای همیشه فیصله دهد.

## باید چند نفر از سران رژیم به خاک بیفتند تا روحیه‌ها بازسازی شوند

در توده مردم نیز نوعی ناامیدی و یأس پدید آمده بود. تفکری داشت رواج می‌یافت مبنی بر اینکه دیگر کاری از ملت بر نمی‌آید. امام که تبعید شده است بیانیه نیز از بخش نیست و رژیم هم هر کاری که خواهد، خواهد کرد. صبح روز یکی از روزهای آخر آبان ۴۳ بود. جلسه ای در خدمت شهید بزرگوار حاج صادق امانی و برخی دوستان دیگر اصلی مؤتلفه بودیم. شهید صادق اسلامی آمد و گفت خدمت آقای مطهری بودم. فرمودند اوضاع خوب نیست. مردم ناامید و دل‌سرد شده‌اند. باید چند نفر از سران رژیم به خاک بیفتند تا روحیه‌ها بازسازی شوند.



دستگیر شدند. در بازجویی‌ها علی‌رغم شکنجه‌های شدیدی که ساواک و اطلاعات شهربانی شاه دادند درباره آیت الله مطهری و بهشتی، موضوع لو نرفت اما در مورد فتوای آیت الله میلانی مسأله برای رژیم فاش شد.

موضوع به اطلاع شاه رسید و او دو نفر از افسران حقوقی مورد اعتمادش را نزد آیت الله میلانی فرستاد. آنها موضوع صدور حکم مهدورالدم بودن شاه و منصور را برای آیت الله میلانی شرح دادند و

حکم درباره شاه اقدام شد ولی موفقیتی به دست نیامد و در مورد منصور در اول بهمن ۴۳، این حکم در میدان بهارستان به اجرا درآمد و وی به درک واصل شد.

گویا این فتوای ایشان برای رژیم شاه آشکار شده بود. در این خصوص اطلاع دارید؟

پس از اجرای حکم الهی درباره منصور، دوستان مؤتلفه در هر دو بخش جهاد مسلحانه (مبارزه مثبت) و در مبارزه سیاسی (مبارزه منفی)





## مأموریت‌های سیا برای حسنعلی منصور

محمد مهدی اسلامی

پژوهشگر



داشته: دخالت خارجی‌ها چقدر در امور کشور ما علنی شده، وزیر مختار سفارت آمریکا زیتسویچ که از مستأجرین حسنعلی منصور دبیرکل حزب ایران نوین است و با او سرسری دارد علناً گفته است که من منصور را به نخست‌وزیری خواهم رساند همانطوری که دکتر علی‌امینی را نخست‌وزیر کردم.»

این همان فردی که بعدها، پس از فرار شاه رئیس شورای سلطنت شد و چون چنین زمینه‌هایی داشت، قبل از دیدار با امام در نوفل لوشاتو از آن استعفا داد.

پیش از آن نیز گزارشی از ساواک به تاریخ ۲۹ مهر ماه ۱۳۴۲ نوشته بود: «طبق اطلاع واصله، آقای حسنعلی منصور گفته است: موضوع نخست‌وزیری من تمام شده است و این مسئله را با آمریکایی‌ها هم حل کرده‌اند. اطلاع رسیده دیگر درباره فعالیت‌های اخیر آقای منصور حاکی است که نامبرده روزی که برای انتخاب صندلی خود به مجلس شورای ملی رفته بود در حضور چند نفر از نمایندگان مجلس و اعضای بازرسی مجلس گفته است: صندلی من و اعضای فراکسیون ما را سمت چپ مجلس قرار دهید، ما با دولت مخالفت خواهیم کرد.»

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود نوشته است: «حوالی بهمن ۱۳۴۲ بود و محمدرضا برای مسافرت یکماهه و بازی اسکی به سوئیس رفته بود. در این مسافرت‌ها معمولاً جلسات سالیانه

نقش سرهنگ گراتیان زیتسویچ رئیس دفتر سیا در ایران در ماجرای حوادث تصویب کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی کمتر بازخوانی شده است. او اجازه نشین حسنعلی منصور بود و از نزدیک در جریان جلسات و پیشرفت‌های قانون مرفی قرار داشت. گراتیان زیتسویچ افسر نیروی هوایی یوگسلاوی بود که در زمان جنگ جهانی دوم با هوایی‌های خود به آمریکا پناهنده و تبعه این کشور شد. او با تأسیس «آرانس مرکزی اطلاعات آمریکا» (اسیا) به استخدام این سرویس درآمد و پس از قریب به یک دهه فعالیت اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف به عنوان رئیس سیا در ایران که از مسئولیت‌های مهم محسوب می‌شد عازم تهران شد.

وی در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۳۶، به عنوان دبیر اول سفارت آمریکا وارد تهران شد و طی دوران اقامت خود دارای سمت‌های پوششی چون مستشاری سازمان برنامه و از ۱۳۴۱ وزیر مختار سفارت آمریکا بود. دوران مأموریت زیتسویچ ۶ سال به طول کشید. از جمله دستاوردهای وی، بالا کشیدن حسنعلی منصور در ساختار قدرت بود. سند ساواک به تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۴۲ گزارش داده است: «سناتور سید جلال‌الدین تهرانی... اظهار



او با رئیس کل MI-۶ و شاپورچی برگزار می‌شد. روزی حسنعلی منصور برای دیدن به ساواک آمد و پرسید که مگر «دفتر ویژه اطلاعات» با شاه تماس ندارد؟ پاسخ مثبت دادم. گفت: «از طرف من سؤال کنید که فرمان نخست‌وزیری من کی صادر می‌شود؟» گفت: من از این موضوع بی اطلاع هستم. گفت: «خود ایشان می‌دانند. شما کافی است تلگراف کنید.» تلگراف شد. پاسخ چنین بود «پس از مراجعت به تهران!»

تلغنی مطلب را به منصور گفتم. گفت: «الآن می‌آیم.» به ساواک آمد. پرسید که محمدرضا چند روز دیگر بازمی‌گردد؟ گفتم: حدود ۲۰ روز دیگر. گفت: «خیلی دیر می‌شود. تلگراف کنید فرمان را از همانجا صادر کنند.» تلگراف شد. جواب رسید: «بگویند چه عجله ای دارد. به اضافه ممکن است زودتر به تهران مراجعت شود.» منصور دیگر چیزی نگفت ولی از این وضع ناراحت شد. به هرحال، پس از مراجعت محمدرضا فرمان صادر و منصور نخست‌وزیر شد. منصور برنامه‌های مهمی به سود غرب داشت که یکی از آنها «کاپیتولاسیون» بود که با مقاومت جدی امام

خمینی مواجه شد. مخالفت‌های ایشان با نفوذ آمریکا و غرب و اقدامات محمدرضا در دوران دولت منصور شدت گرفت و بالاخره به تبعید ایشان به ترکیه منجر گردید. همانطور که منصور به دستور آمریکا و با اختیارات ویژه به صدارت رسید، تبعید امام خمینی نیز دستور مستقیم آمریکا بود. تصور من این است که شخص محمدرضا به این کار تمایلی نداشت و بهتر است بگوییم از انجام آن واهمه داشت.»

لایحه موسوم به کاپیتولاسیون به روشنی برخلاف قاعده نفی سبیل بود و موجب شد امام خمینی بانگ برآورد که هرکس سکوت کند مرتکب گناه کبیره شده است. فریادی که خود موجب تبعیدی نزدیک به ۱۵ سال برای ایشان شد.

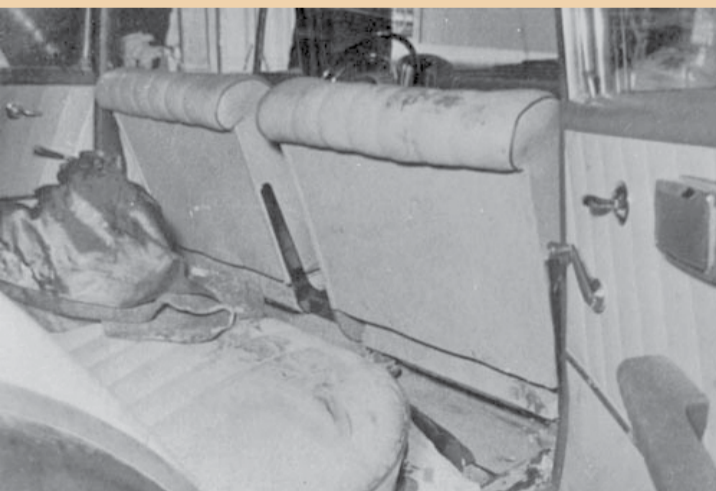
قیح این لایحه به حدی بود که دولت‌های قبل حاضر به پیش بردن آن نشده بودند. پس از تصویب نیز خود دولتمردان شاه از پیامد آن بیم داشتند. این امر در سندی به تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۴۳ در گزارش ساواک منعکس است. «سناتور سید جلال‌الدین تهرانی به یکی از دوستان خویش



منصور برنامه‌های مهمی به سود غرب داشت که یکی از آنها «کاپیتولاسیون» بود که با مقاومت جدی امام خمینی مواجه شد. مخالفت‌های ایشان با نفوذ آمریکا و غرب اقدامات محمدرضا در دوران دولت منصور شدت گرفت و بالاخره به تبعید ایشان به ترکیه منجر گردید



اظهار داشته: دو شب پیش پس از تصویب مصونیت قضایی اتباع آمریکایی دکتر عالیخانی، دکتر آموزگار و [عطاء الله] خسروانی وزراء کابینه به این عمل اولیای حزب ایران نوین در محل حزب اعتراض نموده و گفته‌اند: این ننگ بر دامن دولت و حزب ایران نوین تا ابد باقی خواهد ماند، لذا پس از مراجعت اعلیحضرت همایونی از شیراز از کابینه استعفاء خواهیم کرد.» البته هیچ‌یک از این سه نفر استعفا نکردند؛ اما این سند نشانگر عمق قیح قانون مذکور است. حمایت منصور از منافع آمریکا منحصر به این مورد نبود. شدت حمایت او از آمریکا سبب شد اسدالله علم که به انگلستان وابسته بود، در چندجای خاطراتش از او با عنوان «پدرسوخته آمریکایی» و مهره واشنگتن یاد کند. در روز اجرای حکم اعدام توسط بخاری دربار او هم به مجلس می‌رفت تا با قانون نفت فلات قاره، پای چند شرکت نفتی آمریکایی همچون آموکو، آرکو، فیلیپس، مورفی یونیون و سنان و همچنین چند شرکت نفتی دیگر را به ایران باز کند.



فرمودند: فعلاً خیر، زیرا در آن موقع تشکیلات ضربه نخورده بود و اگر شاه کشته می‌شد امکان تغییر حکومت بود. حالا تشکیلات آسیب دیده است و اگر شاه کشته شود جای او مهره ناشناخته ای می‌آید و مدتها طول می‌کشد تا مردم چهره واقعی او را بشناسند. لذا الان اقدام جایز نیست. از این رو بود که حکم شاه به اجرا در نیامد زیرا مؤلفه جز با صحبت شرعی اقدام به کاری نمی‌کرد.

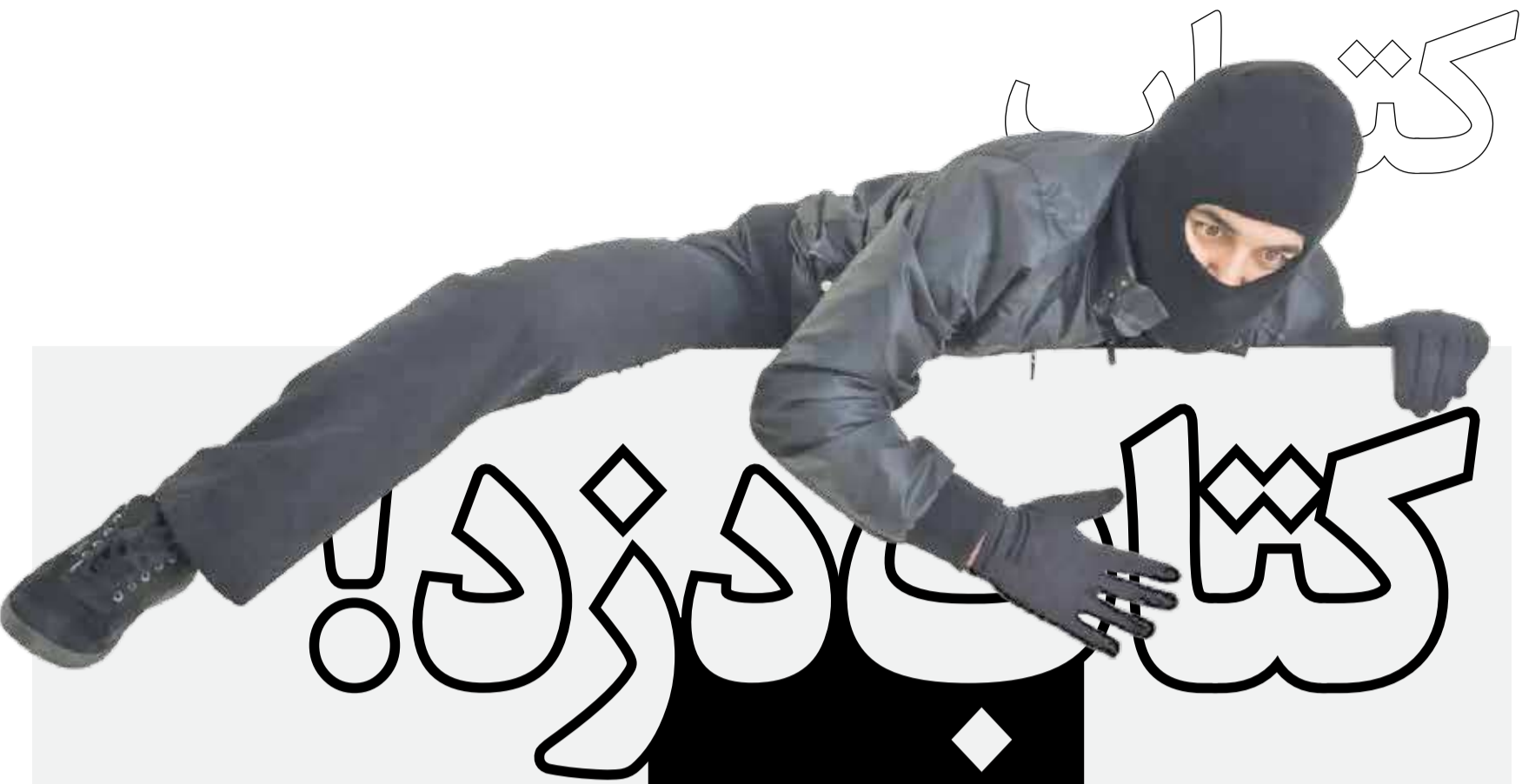
مؤلفه آیا دیگر اقدامی برای اجرای حکم الهی بر شاه نداشت؟ من پس از آزاد شدن در تیر ۴۴ به مشهد خدمت ایشان رفتم و در گوشی مسائل سری داخل زندان و بازجویی‌ها را برای ایشان شرح دادم. علت در گوشی گفتن این بود که اگر ساواک دستگاه مخفی کار گذاشته باشد موضوع رو نشود. بعد به ایشان گفتم، آمادگی هست که حکم مهورالدم بودن شاه نیز اجرا شود. آیا اجازه می‌فرمایید؟

من علناً حکم خدا را بگویم پس دستگیر شوم موجب می‌شود که حکم خدا معطل نماند و اجرا گردد. افسران مشروح گزارش خود را به شاه دادند. شاه دستور داد پرونده مختومه شود. شاه گفته بود هنوز که او حکم خود را علنی نکرده در صدد کشتن من هستم. اگر علنی شود، وضع غیر قابل کنترل خواهد بود. زیرکی آیت‌الله میلانی و شجاعت وی باعث شد که هم حکم خدا بیان شد و هم ایشان به عنایات الهی محفوظ ماند.

من فتوایی بخواهد حکم خدا را موظفم بگویم و شما هم اگر بپرسید می‌گویم که فتوای من این است که شاه مهورالدم است. افسران گفته بودند: این بیان صریح شما و اینکه حتی انکار هم نمی‌کنید موجب است که حکم بازداشت شما صادر شود. آیت‌الله میلانی فرموده بودند: اشکالی ندارد. وقتی شما مرا دستگیر کنید مردم می‌پرسند چرا فلانی بازداشت شده است؟ و متوجه می‌شوند که به خاطر فتوای من بوده است، و لذا می‌روند حکم خدا را اجرا می‌کنند. شما که نمی‌گذارید

اینکه اعضای مؤلفه به موجب فتوای ایشان، اقدام کرده‌اند و او چه حرفی دارد؟ آیت‌الله میلانی فرموده بودند بله همینطور است. فتوای من این است که شاه و منصور مهورالدم هستند. افسران گفته بودند که اگر اینطور باشد شما جزو مقدمین علیه مقام سلطنت در می‌آید و حکم آن را هم می‌دانید. (حکم مقدمین، اعدام بود) آیت‌الله میلانی فرمودند: من به این چیزها کاری ندارم. من یک مفتی هستم. هرکس از





یادداشت دبیر

یک دغدغه کلیشه‌ای تکراری و درعین حال بسیار مهم

## تابستان خود را چگونه بگذرانیم؟

محمدعلی یزدانپار

دیرگروه کتاب  
mohammadailyazdanyar@gmail.com

این چند روز فکرم درگیر این است که تابستان خود را چگونه بگذرانم. به خودم می‌دانم، ما هم دیگر شورش را درآورده‌ایم و هر سال اول تابستان همین حرف را می‌زنیم و آخر تابستان انگار نه انگار که اصلاً قصد و نیت این را داشتیم که دنیا را فتح کنیم. من با توجه به اینکه شغل تمام‌وقت آموزش است، معمولاً در تابستان‌ها وقت زیادی برای مطالعه، نوشتن، دیدن و شنیدن در اختیار دارم. عموماً هم این زمان آنچنان که باید و شاید مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. مثلاً پارسال قرار بود که دوره کامل تاریخ تمدن را مطالعه کنم و چند کتاب آموزش نویسندگی هم بزنم تنگشان که از اولی چهار جلد را خواندم و اصلاً سراغ دومی نرفتم. یک مجموعه داستان کوتاه بیست و سه جلدی هم بود که قرار بود تابستان ۱۴۰۱ تمامش کنم، اما در عید ۱۴۰۲ تمام شد. البته مثلاً سال ۱۴۰۰ برنامه موفقیت آمیزی داشتم و در جست وجوی زمان از دست رفته را در یک بازه یک ماهه و به شکل فشرده و ضربتی مطالعه کردم. خلاصه که این برنامه ریزی برای تابستان هم ماجرای دارد برای خودش. امسال هم باز فکرم درگیر همین موضوع است. در این شماره مطلبی داریم در مورد چارلز دیکنس، معرفی او و آثارش و این باعث شد که فکر کنم امسال تابستان زمان خوبی برای مطالعه آثار داستانی بزرگ است. مدت‌هاست که دوست دارم کارهای بزرگ شولوخوف را بخوانم، آنا کارنینا از تولستوی و شیاطین از داستایوفسکی و گذر از رنج‌های الکسی تولستوی را دست بگیرم. علاقه دارم دوسه جلد از مجموعه ده جلدی داستان‌های جخوف را تمام کنم. شقایق و برف هنری تواریا هم مدت‌هاست به من چشمک می‌زند. اصلاً همین چارلز دیکنس خودش کلی کار خوب دارد که دوست دارم مطالعه کنم. بخش سرطن و مجمع الجزایر گولاگ از سولژنیتسین هم هستند. دوست دارم کار دیگری از کازانتزاکیس بخوانم. گراس و فونتس و مان و بیل و سیلونه و بقیه بچه‌ها هم که سرچای خودشان. ای وای! اصلاً همین که این فهرست را اینجا ردیف کردم اضطراب و استرس گرفتم که اگر اینها نخوانده بمانند چه؟ اگر سرم گرم کارهای بیهوده بشود چه نوع از خاک را بر سر بریزم؟

حالا بیایید فکرهاي بد نکنیم و روی بخش مثبت ماجرا بمانیم. به نظر من اصلاً این تابستان جان می‌دهد برای مطالعه آثار قطور و کت و کلفت که چند هفته پیش توصیه کردم خواندنشان را جدی بگیرید و به خاطر این ستون دبیر هم که الان هم من و هم شما یک فهرست جالب از کتاب‌ها و نویسندگان بزرگ داریم. همت کنیم و حداقل چندتايشان را بخوانیم، نه؟



پارسال قرار بود که دوره کامل تاریخ تمدن را مطالعه کنم و چند کتاب آموزش نویسندگی هم بزنم تنگشان که از اولی چهار جلد را خواندم و اصلاً سراغ دومی نرفتم. یک مجموعه داستان کوتاه بیست و سه جلدی هم بود که قرار بود تابستان ۱۴۰۱ تمامش کنم، اما در عید ۱۴۰۲ تمام شد

### دسته‌بندی کلی کتاب دزدها

هرچند در مقدمه گفتیم که دور از عقل است، اما باز هم بخش عمده کتاب دزدی با همان دلیل دزدی طلا و جواهر انجام می‌شود، کسب مال بادآورده. یک عده دیگر صرفاً دوست دارند هیجان دزدی را تجربه کنند، بنابراین به فروشگاه‌های مختلف می‌روند و هنرنمایی می‌کنند. دسته سوم شبیه به دسته دوم هستند با این تفاوت که این کار را محض هیجان انجام نمی‌دهند، بلکه تمایلی و سواس گونه به دزدی دارند که در روانشناسی به آن «دزدی بیمارگون» گفته می‌شود. دزدی بیمارگون می‌تواند بدون شیء مورد علاقه انجام شود یا ممکن است دزد به یک هدف خاص و سواس داشته باشد، کتاب اتفاقاً از موارد مورد علاقه این دسته از افراد است. دسته چهارم به نظر من دردناک‌ترین گروه در بین این تقسیم‌بندی هستند. آنها دست به دزدی کتاب می‌زنند چون غرق در کتاب هستند اما واقعاً برای تهیه کتاب پولی ندارند، آنها هر کتابی را که سرقت می‌کنند می‌خوانند و اتفاقاً اکثر آنها با عذاب وجدان چنین کاری هم دست و پنجه نرم می‌کنند. دسته پنجم هم به هر دلیل تصادفی دیگری که در دسته‌های بالا ذکر نشده دست به این عمل شنیع و ناشایست می‌زنند. خلاصه این ماجرا برای خودش بساطی دارد.

### کتاب دزدی که ماهیتاً دزد است!

ببینید، اگر قرار باشد که دزدی کتاب تجارت غیرقانونی سودآوری باشد بهتر است که به شکل چاپ و توزیع زیرزمینی و غیرقانونی انواع کتاب‌ها انجام شود چون همان‌طور که می‌دانید تولید کتاب زیرزمینی به دلیل نادیده گرفتن حقوق ناشر و مؤلف و مترجم برای خودش یک پا دزدی است. متأسفانه این موضوع بحث امروز ما نیست. کتاب دزدی که کتاب را سرقت می‌کند تا پولی از آن به دست بیاورد هم دزدی است خردپا، هم ناشی و هم به احتمال زیاد بسیار ترسو است. مگر چقدر می‌توان کتاب دزدید؟ و این اموال مسروقه مگر قرار است به چه قیمتی فروخته شوند؟ اما در هر صورت این اتفاقی است که می‌افتد. در مورد اینکه این افراد چگونه حاصل دسترنج غیر اخلاقی‌شان را به پول تبدیل می‌کنند اطلاع دقیقی از دست نیست. گفته می‌شود برخی واقعاً آنها را بساط می‌کنند. عده‌ای دیگر کتاب‌ها را تک به تک و اصطلاحاً «به دست» می‌فروشند. برخی دیگر صرفاً کتاب را در جایگاه کاغذ باطله معامله می‌کنند و احتمالاً عده‌ای هم این کتاب‌ها را در یک مبادله کالا به کالا وارد معامله می‌کنند. جز اینکه اضافه کنم دزدی، در هر صورت دزدی است و

### سرک کشیدن در چند و چون یک خلاف عجیب و غریب...

این یکی دیگر همزمان نویرش را آورده و عالم عجیبی هم دارد. دزدی کتاب را می‌گویم، کاری است بسیار عجیب؛ یعنی اگر خوب به ماجرا فکر کنید دزدیدن کتاب به هیچ کدام از دردهایش نمی‌ارزد. کتاب را به قصد مال اندوزی که نمی‌شود دزدید، نه خودش در برابر دیگر اقلام قابل سرقت ارزش خاصی دارد و نه برای فروختنش مال خرد پیدا می‌شود. نهایتاً باید چندین تثن کتاب دزدید و کیلویی فروخت که کاری است بسیار غیرعقلانی، یا باید کتاب را جایی بساط کرد و تک تک فروخت که این یکی با ذات نیت سارق تپاین دارد؛ البته دزدی کتاب ممکن است بابت علاقه بیش از حد به کتاب باشد، بابت برخی انگولک‌های روان جسم باشد و ممکن است کلی دلیل دیگر داشته باشد. به خاطر همین در این شماره سرک کشیدم به دنیای کتاب دزدها، باشد که رستگار شویم.

سمت اعمال خلاف قانون و ضد ارزش‌های جامعه حرکت می‌کنند. حالا البته سؤال اینجاست که واقعاً آیا دزدیدن کتاب از یک کتابفروش مظلوم واقعاً هیجان بالایی دارد یا خیر؟ برخی بررسی‌های میدانی غیررسمی بیانگر این است که بله! هیجان بالایی دارد. در آن سوی آب‌ها معمولاً این هیجان‌خواهی را به سمت فعالیت‌های ورزشی و ماجراجویی‌های پرهیجان هدایت می‌کنند که ملت الکی و محض تفریح به زد تبدیل نشوند! این هم از ای دسته.

**دزدی بیمارگون، یک اختلال روانی**  
دزدی بیمارگون به شکل کلاسیک یکی از اختلالات روانی است، در این اختلال فرد وسواس و کشش زیادی به سمت دزدی

بسیار قبیح، حرف دیگری در مورد این دسته ندارم که بزنم.

### هیجان سرقت؟ واقعاً؟

این عجیب‌ترین نوع دزدی است، نه در مورد کتاب که در مورد هر شکل دیگری از دزدی؛ در این دسته از سرقت، سارق به کالایی که دزدیده است نیازی ندارد، در اکثر موارد حتی ممکن است کالای دزدیده شده را دور بیندازد. تنها هدف این دسته از افراد تجربه هیجان بالا در یک عمل مخاطره‌آمیز است. از دیدگاه روانشناختی، محرک چنین عملی ارتباط مستقیم با «هیجان‌خواهی بالا» در افراد دارد. افرادی که بیشترین میزان هیجان‌خواهی بالا را تجربه می‌کنند با احتمال بیشتری به



**اگر قرار باشد که دزدی کتاب تجارت غیرقانونی سودآوری باشد بهتر است که به شکل چاپ و توزیع زیرزمینی و غیرقانونی انواع کتاب‌ها انجام شود چون همان‌طور که می‌دانید تولید کتاب زیرزمینی به دلیل نادیده گرفتن حقوق ناشر و مؤلف و مترجم برای خودش یک پا دزدی است**



**بخشی از سارقین کتاب دست به دزدی کتاب می‌زنند چون غرق در کتاب هستند اما واقعاً برای تهیه کتاب پولی ندارند، آنها هر کتابی را که سرقت می‌کنند می‌خوانند و اتفاقاً اکثر آنها با عذاب وجدان چنین کاری هم دست و پنجه نرم می‌کنند**



معمولاً دزدی‌های خرده ریز- احساس می‌کند به نحوی که اگر دست به این کار نزنند تمام آرامش خاطر و پایداری روانی او و تمام کارکردهای مورد نیاز برای انجام امور روزمره را از دست خواهد داد. این دسته ممکن است صرفاً به دزدی از یک فروشگاه دست بزنند یا اینکه به دزدیدن یک کالای خاص وسواس داشته باشند. کتاب یکی از اهداف مورد علاقه این دست از افراد است. دزدی بیمارگون البته درمان‌های دارویی و روان درمانی مخصوص به خودش را دارد. بیایید برای سلامتی تمام کسانی که درگیر یک اختلال روانی هستند هم دعا کنیم.

**ترازوی اهالی کتاب...**  
خیلی سال پیش، همان زمانی که سریال کتابفروشی هدهد پخش می‌شد در یک قسمت به داستان پیرمردی بسیار موجه پرداختند که از شدت علاقه و عشق به کتاب و عدم توانایی مالی برای خرید کتاب دست به دزدی از کتابفروشی‌ها می‌زد. این مورد، دردناک‌ترین اتفاق در بین اهالی کتاب است. یک فردی که معمولاً آندیشمند و عاقل است، به قوانین احترام می‌گذارد و اصلاً اهل رفتارهای غیرقانونی و ضد اجتماعی نیست، با هزار خطر و مشکل دست به سرقت کتاب می‌زند، آن هم فقط به این دلیل که دوست دارد آن را مطالعه کند و نمی‌تواند آن را بخرد. ممکن است بگویید خوب برو سمت یک کتابخانه عمومی که حرف غلطی هم نیست. اما تمام مزایایی که «تصاحب کتاب» دارد به علاوه دور باطل احساس گناه و عشق به کتاب در فرد، باعث می‌شود که این اتفاق ادامه دار شود. حدود یک دهه پیش دو یا سه کتابفروشی در سطح شهر دیدم بودم که فضایی را برای مطالعه کتاب‌های موجود اختصاص داده بودند تا اگر فردی به هر دلیلی توانایی خرید کتاب ندارد، با خیال راحت بنشیند یک گوشه و یک ساعتی کتاب مورد علاقه‌اش را بخواند. اینکه این راه‌حل‌ها چقدر در حل مشکل این دسته آخر از «کتاب دزدها» تأثیر دارد مشخص نیست، اما در هر صورت این یکی از تلاش‌هایی است که در این زمینه دیدم.

**سخن آخر**  
اگر اشتباه نکنم مدیر انتشارات چشمه سالها پیش گفته بود «دزدی کتاب اصلاً وجود ندارد» و بعد در محفلی خصوصی توضیح داده بود که «حالا اگر مواردی هم باشد، بالاخره یا خود سارق کتاب را نیاز داشته، یا نهایتاً به دست یک نفری رسیده که کتاب را نیاز دارد.» گرچه این توضیح از زشتی دزدی کم نمی‌کند، اما حداقلش این است که نگاهی فرهنگی و انسانی پشت سر خودش دارد، قبول دارید؟





دیکنز بیش از ۲۰ رمان و نزدیک ۵۰ داستان کوتاه در دوران پر بار زندگی خودش به رشته تحریر درآورد. او نام خود را به عنوان بزرگترین نویسنده داستان در زبان انگلیسی برای همیشه جاودانه کرد

به بهانه سالگرد درگذشت چارلز دیکنز

# زندگی و زمانه مرد قصه گو...

## چارلز دیکنز که بود و چه کرد؟

چارلز دیکنز در پورتسموث انگلستان زاده شد. آن وقتی که به دنیا آمد دومین فرزند خانواده‌اش بود، اما چون پدر و مادر او به شعار دو بچه کافی است هیچ اعتقادی نداشتند آنقدر زود و ولد را ادامه دادند که تعداد اعضای خانواده دورقمی شود و ۸ فرزند نتیجه زندگی مشترک جان و الیزابت، والدین چارلز دیکنز، بود. چارلز وقتی بچه بود به شکلی سیری ناپذیر و با علاقه‌ای خاص، رمان‌های «توبیاس اسمولت» و «هنری فیلدینگ» را می‌خواند. خانواده چارلز دیکنز تا حدودی ثروتمند بودند و او برای مدتی در مدرسه خصوصی «ویلیام گیلز» آموزش دید. اما این دوران رفاه ناگهان به سر آمد، زیرا پدرش پول زیادی را صرف امور تفریحی، قمار، مصرف انواع زهرماری و حفظ موقعیت اجتماعی خود کرد و سرانجام به علت بدهی، در زندان بدهکاران لندن، «مارشالسی» زندانی شد. او در ۱۲ سالگی و به دلیل تصمیمات یکی پس از دیگری اقتضای پدر که منجر به مصرف آب خنک رایگان برای او شده بود، مجبور شد نان‌آور خانه شود و به همین دلیل رفت و در یک کارگاه قالی‌سازی روزی ده ساعت کار کرد بلکه بتواند هزینه زندگی خانواده‌اش را بدهد که همراه پدر در زندان

بودند. بعد در تخته خورد و ارث تیلی به آقای جان دیکنز رسید اما چون مادر چارلز به کارخانه بدهکار بود چارلز را همانجا گذاشت تا باز هم کار کند و دیکنز این ظلم مادرش را هرگز فراموش نکرد. در حد فاصل همین حوالی تا ۱۸۳۶ دیکنز درس و مدرسه را تمام کرد و تندنویس دادگاه شد و چندی ماجراهای عشقی نافرجام را پشت سر گذاشت تا بالاخره در همان سال ۱۸۳۶ که ذکرش رفت با همسرش «کاترین تامپسون هوگارتس» آشنا شد که ازدواجی بسیار پرثمر بود و او و خانم روی هم رفته ده فرزند به دنیا هدیه کردند تا چارلز به خوبی نشان بدهد «پسر کو ندارد نشان از پدر... تو بیگانه نامش نخوانش پسر». البته بعد از نزدیک ۲۰ سال زندگی این دو نفر از هم جدا شدند. دیکنز معتقد بود همسرش پایداری روانی ندارد و هم مسائل زندگی و هم قریحه نویسندگی او را یک سره ناپود کرده است. او یک سفر تبلیغاتی به آمریکا هم داشت که تجربیات بدی از آنجا داشت و بعدها بسیار علیه آمریکا، مردمانش و فرهنگش نوشت. او در سال ۱۸۷۰ اثر سکنه درگذشت و در یک تدفین کم خرج و معمولی به خاک سپرده شد.

## آثار دیکنز چندتا بودند و چی بودند اصلاً؟

دیکنز بیش از ۲۰ رمان و نزدیک ۵۰ داستان کوتاه در دوران پر بار زندگی خودش به رشته تحریر درآورد. فهرستی که در پی می‌آید نام رمان‌های دیکنز است: یادداشت‌های پیکویک، الیور توئیست، ماجراهای نیکلاس نیکلی، مغازه عتیقه‌فروشی، بارنابی روج، مارتین چارلویت، سرود کریسمس، دزدگیرها، کریکت روی اجاق، نبرد زندگی، مرد تسخیر شده و معامله روح، دامبی و پسر، دیوید کاپرفیلد، خانه فراموش شده، دوران سخت، دوریت کوچک، داستان دو شهر، آرزوهای بزرگ، دوست مشترک ما، عبور ممنوع (به همراه ویلی کالینز)، اسرار ادوین درود. در ادامه به معرفی کوتاه چند اثر ترجمه شده از استاد می‌پردازیم، باشد که با خواندن چنین آثار خوب و فاخری، سلیقه خود را ارتقا ببخشید و دیگر به امثال جوجو مویز نگویید نویسنده خوب!

### داستان دو شهر

«بهترین روزگار و بدترین ایام بود.» دیکنز با این کلمات معروف، مخاطبین را وارد یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخ می‌کند: انقلاب فرانسه. از یورش به قلعه باستیل گرفته تا سقوط بی‌رحمانه تیغه‌های گیوتین، این نویسنده بزرگ انگلیسی با مهارت و هنری خیره‌کننده، بیم‌ها، امیدها و فرار و فرودهای بی‌پایان این دوره پرهیاهو را به تصویر می‌کشد. قهرمان داستان این رمان، مردی تنبل و الکلی به نام سیدنی کارتن است که به خاطر الهام بخش‌های یک زن، اینار و از خودگذشتگی را در خیابان‌های خون‌آلود پاریس به غایت خود می‌رساند. رمان داستان دو شهر، اثری فوق‌العاده جذاب از یکی از استادان بلامنام ادبیات انگلیسی است. داستان دو شهر پر فروش‌ترین اثر داستانی به زبان انگلیسی در طول تاریخ است.

### مغازه عتیقه‌فروشی (دختری به نام تل)

«دختری به نام تل» داستانی از مسیر است، ژانری که دیکنز در آن سرآمد است. تل ترنت کوچک به همراه پدر بزرگ بیمارش که با از خودگذشتگی از او مراقبت می‌کند، در تاریکی آرام مغازه قدیمی آسیاب بازی فروشی زندگی می‌کند. هنگامی که آنها قادر به پرداخت بدهی‌های خود به دانیل کوئلپ، وام‌دهنده گستاخ و شیطان نیستند، مغازه توقیف می‌شود و آنها مجبور به تخلیه می‌شوند و به دنیای تاریکی پرتاب می‌شوند که به نظر نمی‌رسد در آن پناهگاه امنی وجود داشته باشد. به تصویر کشیدن تل بی‌گناه و غم‌انگیز توسط دیکنز در «دختری به نام تل»، این اثر را به یکی از پر فروش‌ترین‌ها تبدیل کرد که قلب مردم را به خود جلب می‌کند. اگر از «دختری به نام تل» لذت برده‌اید، ممکن است «روزگار سخت» دیکنز را دوست داشته باشید.

### روزگار سخت

روزگار سخت نخستین بار در سال ۱۸۵۴ منتشر شد. داستان این رمان در کوکتاون، یک شهر صنعتی خیالی در شمال انگلیس می‌گذرد و برخی از جذاب‌ترین شخصیت‌های خلق شده توسط دیکنز را به مخاطبین معرفی می‌کند؛ آقای گرادگریند که فلسفه منفعت‌گرایانه‌اش در رابطه با آموزش و تحصیل، ضرب‌های عاطفی بزرگی به فرزندان او وارد می‌کند، جوزایا بوندربی که صاحب کارخانه و مردی دورو است؛ استیون بلکپول که کارگری صادق است و به اشتباه به ارتکاب جرم متهم شده است؛ و سیمی چوب، دختری که در سیرک نمایش اجرا می‌کند و پدرش به امید داشتن یک زندگی بهتر، او را تنها می‌گذارد. کتاب روزگار سخت، زاده خشم دیکنز از شرایط جان‌فرسای حاکم بر عصر صنعت است.

### آرزوهای بزرگ

آرزوهای بزرگ اولین بار در سال ۱۸۶۱ به چاپ رسید. این رمان که به شکل گسترده‌ای به عنوان برترین اثر دیکنز شناخته می‌شود، به داستان پسر یتیمی به نام پیپ می‌پردازد که شاگرد مغازه آهنگری است اما رؤیای اشرافی شدن را در سر می‌پروراند. در این داستان بی‌نهایت جذاب درباره گناه، عذاب وجدان، انتقام و پاداش، شخصیت‌هایی به یاد ماندنی به چشم می‌خورند؛ مگویی که یک زندانی فراری است؛ استلا، دختری که تنها غرورش از زیبایی‌اش پیشی می‌گیرد و البته خانم هابویشام که زنی مرموز و انتقام‌جو است. رمان آرزوهای بزرگ که در واپسین دهه زندگی دیکنز به رشته تحریر درآمد و نام خود را به عنوان یکی از محبوب‌ترین آثار دیکنز مطرح کرد، نشان‌دهنده نگرش تاریک نویسنده نسبت به جامعه ویکتوریایی و طبقه‌بندی‌های اجتماعی و مادی‌گرایی آن است.

### خانه قانون زده

خانه قانون زده در سال ۱۸۵۳ به چاپ رسید. داستان این رمان به ماجرای پرونده‌ای قضایی می‌پردازد که رسیدگی به آن، به مدت چهار دهه طول کشیده است. پرونده‌ای بدنام که در آن، ارث و میراث باقی مانده بتدریج توسط مخارج بالای حقوقی در حال بلعیده شدن است. دیکنز مخاطبین را با گذشته این پرونده آشنا می‌کند و در همین حین شخصیت‌های رمان خود را به آنها معرفی می‌نماید؛ کاراکترهایی همچون خانم دللاک که رازی شوکه‌کننده درباره فرزند نامشروع و عشقی از دست رفته در سینه دارد؛ آقای باکت که یکی از اولین کارآگاه‌هایی است که در داستان‌های انگلیسی حضور می‌یابد؛ و خانم جلیبای که انسان دوستی‌های بی‌پایانش باعث شده نسبت به خانواده خود کاملاً بی‌تفاوت باشد.

### دوست مشترک ما

دوست مشترک ما روی یک ارت تمرکز دارد - ارتیه کلان هارمون پیر - و جانشین او، جان هارمون جوان، که تصور می‌شود غرق شده است زمانی که جسدی از رودخانه تیمز بیرون کشیده می‌شود و آقای یافین، کسی که بخت ناگهان به او رو می‌کند. دیکنز با هجوهای درخشان، لندن تاریک و بزرگ را به تصویر می‌کشد که در آن شخصیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند. مانند کافر هگزام که رودخانه را برای پیدا کردن جسد می‌گردد. بیلا ویلفر مزدور و افسونگر؛ و سیلاس وگ تاجر بی‌وجدان خیابانی. این رمان از نظر دیدگاه به مرگ و تجدید حیات در شهری که تحت سلطه قدرت فاسدکننده پول است، به شدت نمادین است. دیکنز در آخرین رمان خود به مسأله پول می‌پردازد و سعی می‌کند بررسی کند پول چه نقشی در زندگی شخصی و اجتماعی افراد این رمان ایفا می‌کند. وقتی جان که وارث اصلی این ارتیه کلان است به اشتباه مرده فرض می‌شود ارتیه با آقا و خانم یافین دو خدمتکار وفادار هارمون پیر می‌رسد. حالا جان در هیأت فردی ناشناس برگشته است تا ببیند اثر مرگش بر زندگی دیگران چگونه است و آقا و خانم یافین با ارتیه باد آورده خود چه می‌کنند.



چارلز دیکنز، با نام کامل چارلز جان هافیم دیکنز، ۷ فوریه ۱۸۱۲ در انگلستان به دنیا آمد و ۵۸ سال بعد در ۹ ژوئن ۱۸۷۰ درگذشت. دیکنز اگر بزرگترین مرد ادبیات داستانی تاریخ انگلستان نباشد قطعاً یکی از سه نفر اول این خطه خواهد بود. او نویسنده پر فروش‌ترین کتاب داستانی به زبان انگلیسی است، داستان دوشهر. و او کسی است که مردم کوچه و بازار را کنار هم جمع می‌کرد تا یکی داستان‌های او را بخواند و بقیه گوش دهند. خلاصه که جناب دیکنز از خوب‌های روزگار خود و این‌طور که از شواهد امر پیداست دیگر روزگاران بود. به مناسبت سالگرد درگذشت او نگاهی می‌اندازیم به زندگی و آثار این بزرگمرد تاریخ قصه‌گویی.





# منتصر، جذابیت از دست رفته...

شهید مقاومت و انقلاب ایران در یک اثر محتوا محور

قسمت پانزدهم

نگاهی به کتاب‌های

ترجمه شده بازار

**همیشه لازم است  
به متن اصلی وفادار  
بمانیم؟**

فاطمه منصوری نصرآباد  
مترجم



همین امروز کتاب «شب‌های روشن» فتوودر داستایوفسکی به ترجمه سروش حبیبی را برداشته بودم بخوانم؛ قسمتی از کتاب چنین نوشته شده بود: «چطور زنده‌گیتان داستانی ندارد؟ پس چه جور زندگی کرده‌اید؟» «چطور ندارد! بی داستانی! همین‌طور! به قول معروف دیمی! تک و تنها! مطلقاً تنها! شما می‌فهمید تنها یعنی چه؟» «قسمت» «به قول معروف دیمی» «توجهم را جلب کرد. به سراغ ترجمه انگلیسی رفتم (البته سروش حبیبی از روسی به فارسی ترجمه کرده است) و به این جمله برخورددم «I lived, as they say, keeping myself to myself, that is, utterly alone» با خواندن آن میحنتی در ترجمه به اسم زبان ترجمه‌وار translationese یاد افتاد. البته گاهی از آن با عنوان زبان مصنوعی نیز یاد می‌شود. هرچند این بحث خیلی گسترده است اما به طور خلاصه به این اشاره می‌کنم که مترجم به دلایل مختلف تصمیم می‌گیرد شیوایی زبان مبدأ را فدای زبان مقصد کند. به عنوان مثال به همین جمله‌ای که بالاتر آوردم نگاه کنید این عبارت پررنگ به معنای دوری کردن از چیزی یا انزوا گزینی است. همین قسمت در ترجمه‌های دیگر داستان داستایوفسکی به شکل‌های زیر آمده است: «از بیخ و بن بدون هیچ داستانی! خب به قول

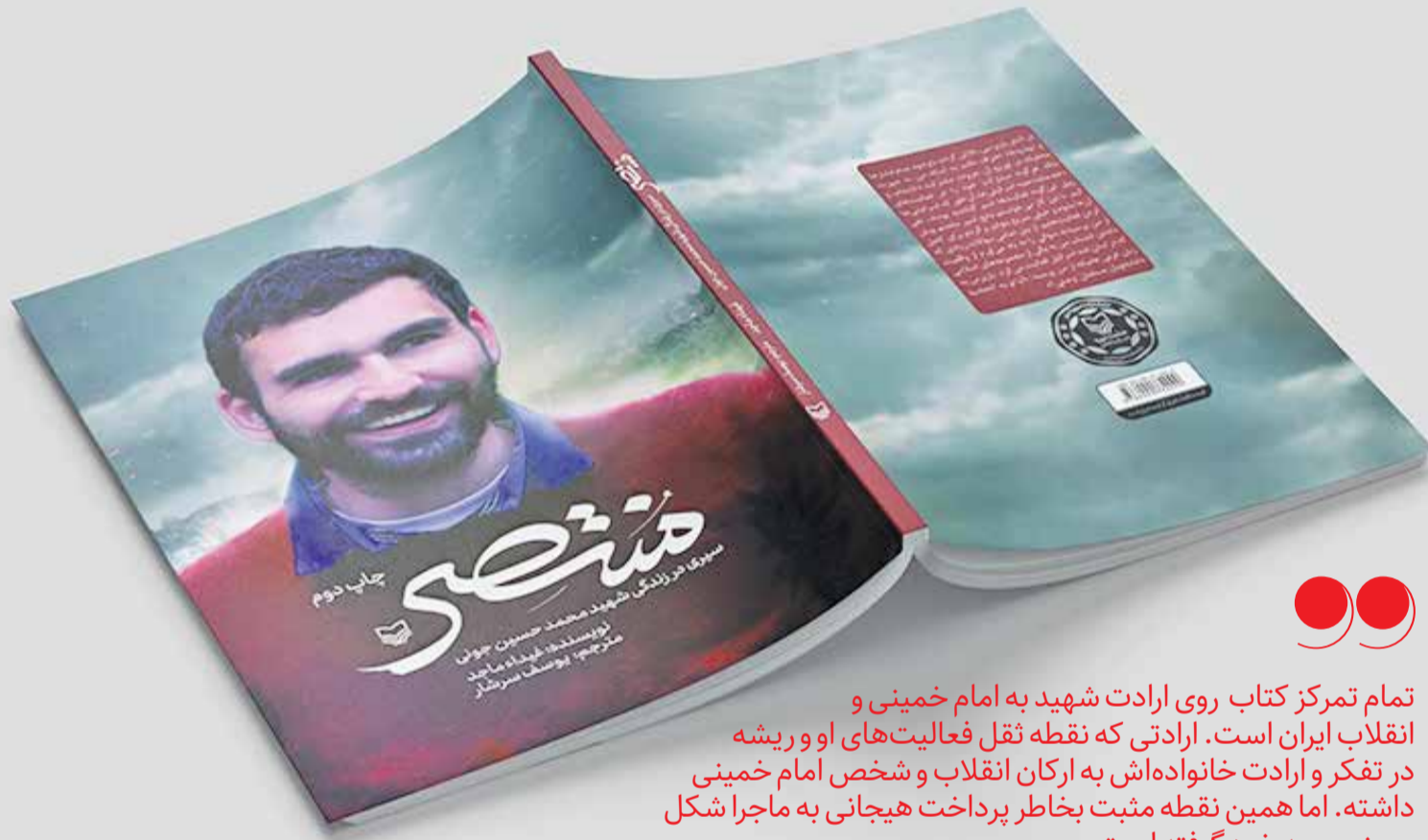
مهدیه جاهد  
خبرنگار



با یک مرور اجمالی می‌توان به این نکته پی برد که بسیاری از کتاب‌های چاپ شده در حوزه ادبیات پایداری چنان محتوا محور و به دور از جذابیت‌ها و اصول ساختاری و چارچوب‌های صحیح کتاب در موضوع و شاخه مورد نظر هستند که گویی اجباری یا توصیه و یا شتاب در چاپ آنها وجود داشته است. یا صرفاً محض خالی نبودن موضوع مورد نظر در زمینه‌ای خاص این کتاب‌ها به چاپ رسیده‌اند. این که کتابی به سفارش مرکز نهاد یا مجموعه‌ای تولید و چاپ شود به خودی خود امر ناپسندی نیست؛ اما آنجایی این اتفاق

ایران نیز ترجمه شده است. این کتاب حدود پنجاه بخش دارد و هر بخش مجموعه خاطرات افراد خانواده، نزدیکان و آشنایان شهید مثل پدر، برادر، خواهر، مادر، دوستان، هم‌زمان و فرمانده‌ها؛ در مورد سیره و روش و سبک زندگی این شهید بزرگوار است. از بدو تولد تا لحظه شهادت و زمانی که خانواده به محل شهادت او می‌روند. اما وقتی کتاب را شروع می‌کنی تنها چیزی که با آن مواجه می‌شوی پریشانی در تعریف خاطرات، ناهماهنگی و نامرتب بودن موضوعی و حتی بعضی خاطرات گویی به زور و فقط محض بازگویی نقطه اشتراکات یا صرفاً صحبت سفارش شده در مورد شهید نقل شده‌اند. به همین خاطر بعضی از خاطرات تقریباً ارزشی ندارند یا اگر حذف می‌شدند اتفاق

خاصی رخ نمی‌داد. تمام تمرکز کتاب روی ارادت شهید به امام خمینی و انقلاب ایران است. ارادتی که نقطه ثقل فعالیت‌های او و ریشه در تفکر و ارادت خانواده‌اش به ارکان انقلاب و شخص امام خمینی داشته. اما همین نقطه مثبت بخاطر پرداخت هیجانی به ماجرا شکل مصنوعی به خود گرفته است. ضمن اینکه عجله در گردآوری کتاب و ترجمه آن، متن را سخت‌خوان، بدون روح و جذابیت کرده است و به یک پیاده‌سازی متنی بدون غلط شباهت بیشتری دارد. به نظر کتاب نتوانسته است آن طور که مدعی شناساندن سیره شهید به جوانان است موفق شود و فقط در پررنگ کردن یک وجه فعالیتی و چند خصوصیت اخلاقی او پیش رفته است.



تمام تمرکز کتاب روی ارادت شهید به امام خمینی و انقلاب ایران است. ارادتی که نقطه ثقل فعالیت‌های او و ریشه در تفکر و ارادت خانواده‌اش به ارکان انقلاب و شخص امام خمینی داشته. اما همین نقطه مثبت بخاطر پرداخت هیجانی به ماجرا شکل مصنوعی به خود گرفته است



## دلداری با مصایب مسیح

روزنامه‌نگاری که سنگ صبور بود

زهرا راستگویی  
خبرنگار



وست را با «روز ملخ» می‌شناختم. خاطره‌ای که از روز ملخ در خاطر مانده بود، باعث شد «خانم سنگ صبور» را هم بخوانم. ناتانیل وست که خودش زمانی در هالیوود بوده در روز ملخ روی دیگر آن را نشان مخاطب می‌دهد. توصیفات او در این کتاب درخشان هستند. از چهار داستان وست سه تا به فارسی ترجمه شده است. به جز دو کتاب نام برده شده، «یک میلیون جرینگی» کتاب ترجمه شده دیگر اوست که براساس آن فیلمی هم ساخته شده است.

حرف آخر را اول بزنم: اگر از من بپرسید می‌گویم خانم سنگ صبور را نخوانید اما به جاییش از روز ملخ غافل نشوید.

قهرمان داستان خانم سنگ صبور، مردی است که در یک ستون روزنامه به نامه‌های پر درد و رنج مخاطبان پاسخ می‌دهد. او که نام مستعار خانم سنگ صبور را برای خودش انتخاب کرده است، کار هر روزش این است که نامه‌های رسیده را بخواند و آن وقت شروع کند به نوشتن نصیحت‌هایی که به ذهنش می‌رسد. خانم سنگ صبور مخاطبانش را به توجه به مسیح و مصایبش دعوت می‌کند و برای

آن‌ها قصه‌هایی از کتاب مقدس می‌گوید. در واقع او می‌خواهد آرامش از دست رفته را به آدم‌هایی که برایش نامه می‌نویسند که عمدتاً هم خانم هستند بازگرداند. این کتاب از این جهت، نوعی بازتاب درد و رنج است. گرفتاری‌هایی که هر کدام از ما در زندگی با آنها مواجه هستیم. حتی خانم سنگ صبور که به همه آرامش می‌دهد و کارش گوش دادن درد دل هاست هم همین وضعیت را دارد. او هم مانند دیگران گرفتار مسائلی می‌شود که زندگی‌اش را بیچیده می‌کند. یکی از گرفتاری‌ها موقع خواندن کتاب اشارات و ارجاعاتی است که به داستان‌های

کتاب مقدس شده است. مترجم در مقدمه توضیح داده است: «به نظر رسید شاید بد نباشد به جای تحلیل و تفسیرهای طولانی ابتدا و انتهای رمان‌ها که معمولاً خواننده نخواهد رها می‌شوند، همه‌شان را در قالب پانوشته‌های مختصری توضیح دهم.» اما آیا این توضیح مختصر برای من خواننده‌ای که به قول مترجم «دور از بافت فرهنگی و زبانی قصه» هستم کافی است؟ بخش بزرگی از داستان وست در همین گیر و دار از بین رفته است. شوخی‌هایی که شرایک با او می‌کند و بسیاری از گرافیک‌ها دارای ارجاعاتی هستند که خواننده با آن‌ها غریبه است در نتیجه طنزی که نویسنده سعی کرده در داستان بگنجاند در ترجمه کاملاً از بین رفته.

سؤال این است که ترجمه آثار دور از بافت فرهنگی مخاطب تا چه درجه مهم و ضروری است؟ قبل تر این مشکل را با برخی جستارهای ترجمه شده داشتم.

جستاری‌هایی در مورد مسائلی که به کلی برای ما غریبه است. آیا توضیح دادن در پانوشته یا در انتهای کتاب، می‌تواند این فاصله را پر کند؟ اگر این کار به قیمت از دست رفتن زیبایی‌های اثر باشد چه؟ آثار درجه یکی که بسیار از آن‌ها شنیده‌ایم اما بعد از ترجمه نه چیزی از سبک نویسنده باقی می‌ماند نه اثری از ظرافت‌های داستان.

خانم سنگ صبور پیشتر با عنوان «میس لونی هاترز» توسط رضا فکری ترجمه شده است. اما خانم خاطره کرد کریمی ترجیح داده است معادلی در زبان فارسی برای آن بیابد.



هرچند زبان ترجمه‌وار یا زبان مصنوعی خیلی گسترده است اما به طور خلاصه به این اشاره می‌کنم که مترجم به دلایل مختلف تصمیم می‌گیرد شیوایی زبان مبدأ را فدای زبان مقصد کند





# شهرت کتاب‌ها، فارغ از کلمات

کتاب خواندن به بهانه هواداری

مریم رحیمی نوری  
خبرنگار



پرفروش شدن رمان‌هایی خاص با دلیل غیر ادبی اتفاق جدیدی نیست، بعد از ورود شبکه‌های اجتماعی دلایل

جدیدتری هم پیدا شد. به همین خاطر هم کتاب‌هایی مثل «من پیش از تو» و «ملت عشق» مدت زمان زیادی در قفسه پرفروش‌های کتابفروشی‌ها قرار گرفتند. یادداشت امروز در مورد چند کتاب پرفروش است که محبوبیت آنها هم دلایل غیر ادبی دارد، کتاب‌هایی که گروه موسیقی بی‌تی‌اس، معروف‌ترین گروه موسیقی کره

جدیدتری هم پیدا شد. به همین خاطر هم کتاب‌هایی مثل «من پیش از تو» و «ملت عشق» مدت زمان زیادی در قفسه پرفروش‌های کتابفروشی‌ها قرار گرفتند. یادداشت امروز در مورد چند کتاب پرفروش است که محبوبیت آنها هم دلایل غیر ادبی دارد، کتاب‌هایی که گروه موسیقی بی‌تی‌اس، معروف‌ترین گروه موسیقی کره

## مغازه جادویی

این داستان پسر فقیری است که پدری دائم‌الخمر و مادری افسرده دارد، او یک روز به طور اتفاقی در یک مغازه فروش لوازم شمع‌ها برای بازی ملاقات می‌کند که به او تکنیک‌هایی برای آرامش و رسیدن به خواسته‌ها را آموزش می‌دهد. (تقریباً مشابه همان چیزی که در مستندهای راز گفته می‌شود). پسرک داستان هم به همین طریق می‌تواند به دانشگاه راه پیدا کند، جراح مغز و اعصاب شود به ثروت قابل توجهی برسد و در نهایت همه ثروتش را خرج نیازمندان کند. نویسنده در طول داستان تکنیک‌هایی را که در آن مغازه یاد گرفته در پایان هر فصل به مخاطبش آموزش می‌دهد که نمی‌دانم از نظر روانشناسی چقدر می‌تواند مؤثر باشد. جدای از مسائلی که به طور پراکنده در داستان بیان می‌شود، این کتاب برای گروه سنی نوجوان نامناسب است، چنین اثری پیام مثبت قابل توجهی هم ندارد. شخصیت داستان بیش از آنکه از تلاش و پشتکارش صحبت کند از دستاویزی شبیه به شانس حرف می‌زند که منبع قابل اعتمادی برای رسیدن به موفقیت به نظر نمی‌رسد.

به طور کلی اگر از مغازه جادویی انتظار یک رمان یا داستان را دارید احتمالاً سرخورده خواهید شد، اگر دنبال یک کتاب خودیاری یا آموزشی می‌گردید احتمالاً کتاب‌های بهتری پیدا خواهید کرد و اگر هوادار بی‌تی‌اس هستید، به نظر می‌رسد گوش کردن به آهنگ مغازه جادویی به خواندن کتاب مغازه جادویی ارجحیت دارد.

مغازه جادویی علاوه بر اینکه نام کتابی از یک جراح امریکایی به نام «جیمز دوتی» است، نام یکی از قطعات موسیقی گروه بی‌تی‌اس هم است. به همین دلیل روی جلد نسخه‌ای که به دست من می‌رسد عکس اعضا و لوگو گروه موسیقی بی‌تی‌اس چاپ شده. در برنامه‌های کتابخوان مثل طاقچه و فیدیبو نظراتی را می‌بینم که خوانندگان به عکس جلد کتاب اعتراض کردند و دلیل اصلی‌شان هم این است که محتوای کتاب هیچ ارتباطی با بی‌تی‌اس ندارد اما ناشر یا ناشرها برای جلب توجه مخاطب، دست به چنین کاری زده‌اند. با نهایت تأسف باید بگویم که محتوای آهنگ مغازه جادویی هم ارتباط قابل توجهی با کتاب مغازه جادویی ندارد. گرچه همه جا برای معرفی این قطعه موسیقی، آن را الهام گرفته از کتاب معرفی می‌کنند یا بالعکس برای تبلیغ کتاب، آن را به قطعه مغازه جادویی ربط می‌دهند. هر چه که هست، مغازه جادویی اساساً یک رمان نیست، بیشتر شبیه یک زندگی‌نامه یا یک جستار زیادی بلند است. نویسنده با تعریف کردن خاطراتی از زندگی‌اش تلاش کرده است که بخشی از نقطه نظراتش را جمع به جهان و کائنات را در اختیار خواننده قرار بدهد. دقیقاً نمی‌دانم خاطراتی که تعریف می‌کند صرفاً زاپه ذهن اوست یا واقعاً در زندگی‌اش رخ داده، در مقدمه کتاب یاد در جست‌وجوهای اینترنتی هم چیزی در مورد صحت و سقم روایت‌ها پیدا نمی‌کنم.

اگر بخواهم به طور خلاصه بگویم، مغازه جادویی، نسخه به‌روز شده مستندهای «راز» است که دو دهه پیش توجه افراد زیادی را به خود جلب کرده بود و هر کجا می‌رسیدی یک نفر تلاش می‌کرد با تحت تأثیر قرار دادن کائنات به خواسته‌هایش برسد. شخصیت اصلی

## بادام

«بادام» یکی از معدود کتاب‌های معرفی شده توسط بی‌تی‌اس است که نویسنده آن هم اهل کره جنوبی است. وون پیونگ سون نویسنده این کتاب، پس از تولد فرزندش به این فکر افتاده که اگر این موجود کوچک، در آینده، ویژگی‌های فرزند ایده‌آلش را نداشته باشد، چه احساسی به او دست خواهد داد و به همین بهانه دوشخصیت اصلی این داستان به نام‌های «یون‌جه» و «گن» را خلق کرد. یون‌جه به علت مشکلی مادرزادی در بخشی از مغزش، توان درک احساسات متفاوت را ندارد؛ بنابراین مثل انسان‌های دیگر هیچ‌ان زده یا خوشحال نمی‌شود و چیزی به اسم ترس را احساس نمی‌کند. گن هم پسر نوجوانی است که در کودکی گم و دور از پدر و مادرش بزرگ شده است و وقتی مجدداً با والدین خود دیدار می‌کند، شخصیتی است که با ایده‌آل آنها تفاوت چشمگیری دارد.

مسیر زندگی این دو پسر در نقطه‌ای از داستان بهم گره می‌خورد و همین باعث تغییر رفتار و سرنوشت‌شان می‌شود. می‌توان گفت که بادام از آن کتاب‌هایی است که پیرنگی تکراری دارد اما احتمالاً برای دوستداران این ژانر، هیچ‌وقت تکراری نمی‌شود. از آن رمان‌های واقع‌گرای نوجوان که ماجرای نوجوانی را روایت می‌کند که با مشکلی دست‌وپنجه نرم می‌کند و در نهایت موفق می‌شود از آن عبور کند. حالا این مشکل می‌تواند سرطان باشد، یا قطع شدن عضوی از بدن یا مانند یون‌جه، اختلال در بخشی از مغز و درک نکردن احساسات.

تفاوت بادام، با باقی کتاب‌های نوجوانی که خوانده‌بودم در زمان و مکان آن است. یون‌جه و گن اهل کره جنوبی هستند، پس با وجود اینکه کتاب، داستانی تقریباً تکراری دارد، تغییر مکانش، موجب شکل‌گیری ویژگی‌های منحصر به فردی شده است. فضای مدرسه، محله و خانواده‌ها در این کتاب متفاوت با فضایی امریکایی اغلب کتاب‌های نوجوان است و همین نکته کوچک ممکن است در جذابیت آن اثرگذار باشد.

یک ویژگی جدید دیگر این داستان، آشنایی با نوعی اختلال مغزی است که احتمالاً پیش از این چیزی در مورد آن نشنیده‌ایم و در طول داستان با ابعادش آشنا می‌شویم. در بخشی از داستان «دکتر شیم» که در همسایگی

یون‌جه زندگی می‌کند به او می‌گوید که در مورد اختلال مادرزادی او مطمئن نیست و به نظرش او هم یک روز درمان خواهد شد و مغز پیچیده‌تر از آن است که بتوان به راحتی ابعاد مختلفش را شناخت. یون‌جه هم در طول داستان بتدریج با تمرین، تبدیل به انسان جدیدی می‌شود. البته او هنوز مثل انسان‌های عادی قادر به درک احساسات نیست اما می‌تواند چیزهایی مانند عشق یا دوستی را به خوبی درک کند.

بادام پیری نوجوان‌های کتابخوان، کتابی تقریباً شبیه به دیگر کتاب‌هایی است که خوانده‌اند اما همین کتاب می‌تواند پیشنهاد خوبی برای نوجوان‌هایی باشد که چندان اهل کتاب خواندن نیستند اما به بهانه معرفی گروه موسیقی بی‌تی‌اس، سراغش رفتند. این کتاب داستانی روان دارد که سریع و بدون اضافه‌گویی پیش می‌رود و در نهایت می‌تواند توجه خواننده را به نکات مثبتی جلب کند.

اگر نوجوان‌های اطراف شما به هر دلیلی این کتاب را مطالعه کردند و به آن علاقه داشتند (یا حتی اگر خودتان مطالعه کردید و خوش‌تان آمد) می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابه آن بروید. کتاب‌هایی مثل «شگفتی» و «ماجرای عجیب سگی در شب» از نشر افق یا «بیرون ذهن من» از نشر پیدایش.

## کتابخانه نیمه شب

رسیدن به آرزوها در آستانه سن تحقق آرزوها چندان معنایی ندارد و احتمالاً مخاطبان کم‌سن و سال عمق مفهوم داستان را درک نخواهند کرد. جدای از اینکه در بعضی بخش‌ها، خواندن تحقیق پیدا کردن همه حسرت‌های زندگی نورا تا حدی کسالت‌بار بود، اما به طور کلی کتاب، داستان روان، جذاب و در نهایت پایان‌جالبی دارد و به خواننده کمک می‌کند در زمینه ابعاد مختلف زندگی‌اش فکر کند. این کتاب من را یاد داستان‌های دیگری مانند «پنج نفری که در بهشت ملاقات خواهید کرد» یا «اولین تماس تلفنی از بهشت» می‌اندازد در این داستان‌ها هم، افراد با زندگی پس از مرگ و معنای زندگی‌شان درگیرند و هر کدام ماجرای جالبی را تجربه می‌کنند.

احتمالاً همه شهرت این کتاب ارتباطی به معرفی بی‌تی‌اس ندارد اما نامش در لیست کتاب‌های پیشنهادی این گروه موجود است. این کتاب ماجرای دختر جوانی به نام «نورا» است که دست به خودکشی می‌زند و پیش از مرگ در یک کتابخانه با همه حسرت‌های زندگی‌اش روبه‌رو می‌شود و می‌تواند زندگی‌های جدیدی را تجربه کند. مثلاً او همیشه حسرت این را داشته که قهرمان شنا شود و در المپیک مدال بیاورد و در یکی از زندگی‌های جدید آن را تجربه می‌کند. چنین کتابی گزینه مناسبی برای نوجوان‌ها نیست، فارغ از اینکه بعضی از نکات داستان مناسب بزرگسالان است. اساساً چنین پیرنگی برای مخاطب نوجوان طراحی نشده. حتی در یکی از قسمت‌های داستان یکی از شخصیت‌ها می‌گوید همه کسانی که پیش از مرگ به دنبال برطرف کردن حسرت‌هایشان می‌روند در حدود ۳۰ سال دارند. با همین تعریف چنین احساساتی اساساً مخصوص نوجوانی نیست، چون حسرت در



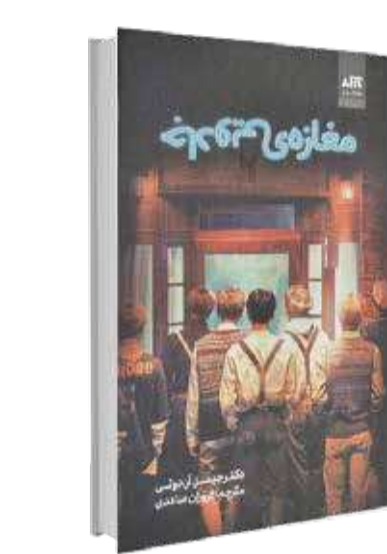
اگر نوجوان‌های اطراف شما به هر دلیلی این کتاب را مطالعه کردند و به آن علاقه داشتند (یا حتی اگر خودتان مطالعه کردید و خوش‌تان آمد) می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابه آن بروید. کتاب‌هایی مثل «شگفتی» و «ماجرای عجیب سگی در شب» از نشر افق یا «بیرون ذهن من» از نشر پیدایش.

## باقی کتاب‌های معرفی شده توسط بی‌تی‌اس

لیست کتاب‌هایی که بی‌تی‌اس آنها را معرفی کرده یا در گفت‌وگویی از آن نام برده یا قطعه موسیقی خاصی را از آن کتاب الهام گرفته طولانی‌تر از سه کتاب بالاست. مثلاً یکی از موزیک ویدیوهای این گروه از کتاب «دمیان» هرمان هسه الهام گرفته شده یا اعضا از کتاب «ناتور دشت» دیوید سلینجر نام برده‌اند. یا در جایی دیگر کتاب «من پیش از تو» و «کافکا در کرانه» را معرفی کردند. این

مخصوص نوجوانان نیست. مثلاً کسی از نوجوانی انتظار ندارد که دمیان را بخواند. حالا اگر نوجوان هستید و این روزها دل‌تان می‌خواهد کتابی مثل «بادام» را بخوانید یا اگر نوجوانی اطراف‌تان دارید که دنبال این کتاب است، بعد از خواندن آن می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابهش هم بروید؛ احتمالاً پشیمان نخواهید شد.

مخصوص نوجوانان نیست. مثلاً کسی از نوجوانی انتظار ندارد که دمیان را بخواند. حالا اگر نوجوان هستید و این روزها دل‌تان می‌خواهد کتابی مثل «بادام» را بخوانید یا اگر نوجوانی اطراف‌تان دارید که دنبال این کتاب است، بعد از خواندن آن می‌توانید سراغ کتاب‌های مشابهش هم بروید؛ احتمالاً پشیمان نخواهید شد.





# زندگی

یادداشت

## آدم کوچولوها

آیه طائبی  
دبیر گروه زندگی

مهران مدیری جایی در برنامه دورهمی گفت من عاشق نمره ۱۳.۵ هستم. بعد کمی شوخی کرد و درباره شیوه تحصیلش صحبت کرد. اما جایی میان شوخی‌ها گفت «نمره ۱۳.۵ یعنی آن بچه، شیطنت کرده، بازی کرده، بچگی کرده و البته درس هم خوانده.»

مگر در معدودی افراد، کسب نمرات عالی برای اغلب آدم‌ها چه در کودکی و چه در جوانی و بزرگسالی به معنای وقف زندگی برای درس خواندن است. بچه‌ها اما با تفریح و بازی زندگی را یاد می‌گیرند. نظریه اشتباهی رایج شده که می‌گوید کودک کاری جز درس خواندن ندارد یا نباید داشته باشد. اما مگر نه اینکه اصل زندگی و ریشه و هسته هویت ما در کودکی شکل می‌گیرد؟ پس چیزهای مهم‌تری هست که هر کودک باید در زمان کودکی بیاموزد. زندگی را باید بیاموزد و زندگی برای کودکان در بازی خلاصه می‌شود.

گاهی انگار والدین با کودکان به رقابت می‌ایستند و همان‌طور که خودشان در زندگی هیچ زمان خالی برای استراحت و تفریح ندارند، برای کودکانشان هم فرصت نفس کشیدن نمی‌گذارند. کلاس پشت کلاس، آموزش پشت آموزش، انگار نه انگار که چشم بر هم بزنند دوران شیرین کودکی تمام می‌شود و زندگی آن روی جدی و محکم‌ش را به همین بچه‌های معصوم نشان می‌دهد.

گاهی هم والدین می‌خواهند تمام کم و کاستی‌های زندگی خودشان را در زندگی کودکان جبران کنند. برای مثال هیچ زبان دومی بلد نیستند، پس کودک را از سنین پایین و به شکل فشرده به کلاس زبان می‌فرستند. یا خودشان در اثر کم تحرکی دچار مشکلات فراوان شده‌اند حالا می‌خواهند از کودکانشان یک قهرمان ورزشی بسازند.

پیش‌ترها که ما کودک بودیم، همه تابستان‌ها را در کوچ و با دیگر بچه‌های محل به بازی طی می‌کردیم و در اوایل جوانی هیچ مهارت و هنر خاصی نداشتیم، حتی بسیاری از ما نمی‌دانستیم می‌خواهیم بعد از فارغ‌التحصیلی از مدرسه چه کنیم؟ دانشگاه چه رشته‌ای بخوانیم و حالا می‌خواهیم تلافی‌اش را سر بچه‌ها مان در بیاوریم. اجازه ندهیم هیچ جای خالی در زندگی‌شان باشد، همه روزشان را با کلاس‌های مختلف پر می‌کنیم تا حتماً در جوانی به هنرها و مهارت‌های زیادی مجهز باشند.

بسیاری اوقات ما والدین فراموش می‌کنیم آن افراد کم سن و سالی که در خانه ما زندگی می‌کنند هم انسان هستند و حق انتخاب دارند. ولی وقیم بودن ما نه به معنای مالکیت که به معنای حمایت از آنان است.

این روزها که آرام آرام دارد کارنامه‌ها از راه می‌رسد و تابستان شروع می‌شود، کمی به فکر بچگی کردن بدون عذاب‌وجدان بچه‌ها باشیم. میان‌رو با بشیم و با مشورت خود کودکان، یکی دو کلاس و آموزش را انتخاب کنیم، اجازه دهیم تجربه کنند و آرام آرام به سمت علاقه‌مندی و استعدادشان پیش بروند. کودکی مهم‌ترین دوران زندگی این آدم کوچولوهاست.



بسیاری اوقات ما والدین فراموش می‌کنیم آن افراد کم سن و سالی که در خانه ما زندگی می‌کنند هم انسان هستند و حق انتخاب دارند. ولی وقیم بودن ما نه به معنای مالکیت که به معنای حمایت از آنان است



وقتی می‌بینمش که نشسته یک گوشه و سرش توی موبایله، داره بازی می‌کنه. تصور می‌کنم لب خوب نشسته و داره حشیش می‌کشه، اینقدر که از بازی کردن بدم میاد.



گفت و گو با محسن رزاقی، پژوهشگر بازی‌های دیجیتال

# والدین و ترس از بازی‌های دیجیتال

الهام اسماعیلی  
نویسنده



مادر امیرعلی، ماهی یک بار به کتابخانه می‌آید و پنج کتاب برای پسرش به امانت می‌برد. چندسالی است که او را می‌شناسم، مادر فعال و اهل مطالعه‌ای است. دانشجو دکترای ادبیات داستانی دریکی از دانشگاه‌های تهران است. از وقتی امیرعلی کلاس دوم بود تا الان که به کلاس هشتم می‌رود، مرتب با ما به کتابخانه می‌آید. هرگز امیرعلی را ندیدم. ادبیات مورد علاقه امیرعلی که با فیلتر مادر، به دستش می‌رسد، داستان‌های کهن فارسی و ضرب‌المثل‌هاست. مادرش می‌گوید داستان‌هایی را به او پیشنهاد می‌دهم که کوچکترین حساسیتی را در امیرعلی ایجاد نکند. چشم و گوشش را باز نکند. روابط عاطفی، خط قرمزش در تمام داستان‌هاست. به عبارتی چالش جدیدی برای پسرش ایجاد نکند. در یک بار مراجعه‌اش به کتابخانه، احساس کردم کتاب‌هایی که پیشنهاد دادم تکراری شده و بیشتر در یک موضوع است و ممکن است حوصله خواندنش را نداشته باشد. خواستم بیشتر با امیرعلی آشنا شوم، شروع به گفت‌وگو با مادرش کردم و متوجه شدم که علاقه اصلی پسر جان، بازی‌های دیجیتال است. آقا امیرعلی بازیکن حرفه‌ای بازی‌های موبایل است. از زمان شیوع کرونا و غیرحضور شدن مدارس که برایش موبایل خریدند، در کنار شرکت در کلاس‌های آنلاین مدرسه و انجام تکالیفش، بازی‌های مختلف موبایلی را هم انجام می‌دهد. بازی‌هایی که در بین تمام دانش‌آموزان کلاس، مدرسه و هم سن و سالان فراگیر می‌شود. من که خودم از بازی کردن لذت می‌بردم با شوق پرسیدم: حالا چه بازی‌هایی می‌کند؟ گفت: «نمی‌دانم، وقتی می‌بینمش که نشسته یک گوشه و سرش توی موبایله از بازی کردن بدم می‌آید. در نظر مادر امیرعلی بازی کردن وقت تلف کردن و عمر را هدر دادن است. با اینکه امیرعلی، نوجوان کتابخوانی است و تا آنجا که فهمیدم، از تکنولوژی و اینترنت استفاده صحیحی می‌کند و در کانال آپارات خودش، آموزش بازی‌هایی را که انجام می‌دهد نیز قرار می‌دهد. شکاف نسلی این مادر و فرزند و نگاه متفاوتی را که به اوقات فراغت، کار و بازی‌های دیجیتال دارند در بسیاری از مادران و فرزندان دیگر هم مشاهده کرده‌ام. مفهوم آینده و کار کردن در نظر نوجوان امروزی متفاوت از والدینش است. امیرعلی به مادرش گفته بود که می‌خواهد استریمر شود. استریمر به انگلیسی (Streamer) به عنوان پخش کننده جریان آنلاین شناخته می‌شود، شخصی است که محتوا خود را از طریق پخش جریانی زنده یا فیلم از پیش ضبط شده به صورت آنلاین پخش می‌کند. اومی خواست از این طریق درآمد داشته باشد، که با تمسخر از سوی والدین مواجه شده بود که احتمالاً در تصورانشان او را دارای مدرک فوق لیسانس، کارمند یک اداره دولتی، با داشتن بیمه و مزایا می‌دیدند. اما او به عنوان یک نوجوان عامل نسل دیجیتال، خودش به فکر کسب و کاری است که در حد توانایی‌اش می‌تواند از آن پول نیز درآورد؛ البته که من به عنوان یک نظاره‌گر نوجوان‌ها از تب و تاب این کارهای آنلاین خبر دارم و می‌دانم با سرعت سرسام آور رشد تکنولوژی و توسعه سبک زندگی شهری، مشاغل متفاوتی را در آینده خواهیم داشت. این روزها استریمر و یوتیوبر بازی‌های آنلاین و دیجیتال روی بورس هستند و تمام نوجوانان عاشق دیده شدن را جذب خودشان می‌کنند. در ادامه گفت‌وگویم با مادر امیرعلی

اول از او خواستم تا بازی را به عنوان یک رسانه تعاملی که در صدر هرم رسانه است، به رسمیت بشناسد. دوم بازی کردن و خواست فرزندش، برای چگونگی پر کردن اوقات فراغتش را جدی بگیرد. بازی کردن کار بی‌بهره‌ای نیست. بازی‌های دیجیتال در رشد مهارت‌های شناختی از جمله تقویت کارکردهای اجرایی مغز، حل مسئله، دقت و توجه، حافظه، پردازش‌های بصری و ادراک فضا، هوش لامبی، هماهنگی حرکات دست و چشم، سرعت پردازش اطلاعات و فعالیت نواحی مختلف در مغز، افزایش یادگیری و کوتاه شدن زمان واکنش کودک و نوجوان اثر مثبتی دارند و با دقت والدین و انجام فعالیت‌های حرکتی مناسب می‌توان آسیب را که امکان دارد به واسطه کم تحرکی آن به رشد حرکتی کودک و نوجوان برسد از بین برد، حتی بازی‌های برخط چند نفره در توسعه و تقویت مهارت‌های اجتماعی نیز مؤثرند و دیگر کودک و نوجوان به تنهایی در کنج عزت خودش مشغول بازی نیست، بلکه با جمعی از بازیکن‌ها در محیط بازی مشغول به معاشرت و تعامل است که با توجه به تجربه زیسته ما این امر فقط به صورت حضوری در یک مکان خاص امکان وقوع داشت. اولین شرط ارتباط با نوجوان، پذیرش این تفاوت در شرایط زندگی و مفاهیم مختلفی است که در زندگی روزمره با آن ارتباط داریم. آن دسته از بازیکنان که اهل بازی آنلاین هستند، تعاملاتشان در آن فضا است و دوستی‌هایشان نیز آنجا

به همین منظور و برای کسب آگاهی بیشتر از بازی و شناخت نوجوان‌های گیمر با آقای محسن رزاقی پژوهشگر بازی‌های دیجیتال (دبیر سابق بخش بازی سایت ارزیابی کدومو) گفت‌وگو کردم و ایشان نکاتی را برای ما بیان کردند: -ابتدا لازم است بدانیم، بازیکنان انواع مختلفی هستند و نمی‌توانیم برای همه آنها نسخه واحدی بپیچیم. بازیکن‌ها براساس نوع بازی، زمان بازی، نحوه استفاده از بازی و... به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. برای نمونه ریچارد بارتل محقق بازی‌های ویدیویی با طراحی یک تست روانشناسی و بررسی نتایج آن، بازیکن‌ها را به ۴ تیپ شخصیتی دستاوردجو، کاوشگر، رقابت جو، معاشرت جو تقسیم کرد که هر کدام از آنها به سبک خاصی از بازی استفاده دارند و آن را انجام می‌دهند. با آگاهی از ویژگی‌های هر تیپ و شناخت نوجوانان می‌توانیم در انتخاب بازی و تعامل با او موفق‌تر باشیم. -دانشتن این نکته نیز مهم است که هیچ بازی رایگانی وجود ندارد! بازی‌های رایگان با پرداخت درون برنامه‌ای طوری طراحی شده‌اند که بازیکن به بازی وابسته شود و در نهایت پول برای بازی پرداخت کند. -جواسمان به انتخاب بازی‌ها از سوی بچه‌ها باشد و برای راحتی خودمان سراغ بازی رایگان نرویم.



شکل می‌گیرد. دوستی و گروه هم سالان برای نوجوانان همه چیز است. اگر بازیکن نوجوانی سراغ بازی‌های مناسب بزرگسال مانند کالاف دیوتی، جی تی ای یا فیفا رفت و درگیر آنها شد، در این بازی صاحب شخصیت و زندگی می‌شود که به راحتی نمی‌تواند از آن دل بکند و نحوه تعامل او با بازی متفاوت از سایر بازیکن‌ها خواهد بود.

ما اولین پدر و مادرهایی هستیم که این مسائل را تجربه می‌کنیم، لازم است در کنار هم مهارت‌های لازم را کسب کنیم و ارتباط امن را با فرزندانمان بسازیم. به گمانم مهم‌ترین دستاورد والدین، می‌تواند داشتن خانواده‌ای شاد و امن برای فرزندانمان باشد. فراهم کردن فضا و مکانی برای کودک و نوجوان که متناسب با زمان خودش رشد کند و به خواسته‌هایش با همراهی والدین برسد. در ارتباط با بازی‌های دیجیتال، اول اینکه از دستگاه‌های بازی ترسید. ما والدین مهاجر دیجیتال نیز مانند کودکان بومی دیجیتال می‌توانیم کار کردن با آنها را یاد بگیریم. والدین می‌توانند در کنار فرزندانشان با کنسول (دستگاه بازی خانگی) بازی‌های چند نفره خانوادگی بازی کنند. برای این کار بهتر است در هنگام خرید هر یک از دستگاه‌های بازی (Playstation, Xbox, Nintendo) دیتا سه دسته اضافه بخرند تا با هم بازی کنند. بازی‌های گروهی هم به دوزیر مجموعه تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای به شکل آنلاین دنبال می‌شوند و هر بازیکن می‌تواند از خانه خود با دوست یا غریبه‌ای در آن‌سوی دنیا ارتباط برقرار کند و بازی را با یکدیگر پیش ببرند. دسته دیگر اما حالتی محلی دارند و بازیکن‌ها در کنار یکدیگر سرگرم می‌کنند؛ دسته‌ای که Local Co-op یا Couch Co-op هم نامیده می‌شود. در بازی‌های موبایلی نیز، دنبال بازی‌های باشیم که امکان بازی به صورت گروهی محلی را داشته باشد یا حتی در یک گوشی به صورت دونفره بازی کنیم. در دستگاه‌های بازی، علاوه بر بازی‌های محبوب و پرطرفدار که غالباً تک نفره هستند، بازی‌های چند نفره هم بخرد تا تجربه بازی دسته جمعی را داشته باشیم. وقتی بچه‌ها مشغول بازی هستند، به تماشا بازی بنشینید و از روند بازی بی‌رسید. متوجه تفاوت بازی‌های آنلاین و آفلاین، بازی داستانی و کژوال یا تفننی (سرگرم کننده) باشید. در بازی آنلاین امکان قطع بازی وجود ندارد و تمام شدنی در کار نیست، اگر در مرحله‌ای از بازی گرفتار انجام مأموریت باشد نمی‌تواند آن را سریع قطع کند و به سرعت سر می‌شام آید یا بشما به انجام کاری مشغول شود. بهتر است قبل از چیدن سفره یا میز شام با نوجوانان هماهنگ شویم و از او بپرسیم چند دقیقه دیگه مأموریت به پایان می‌رسد تا با هم سر شام باشیم. همدلی و همراهی با او در بازی کردن، نوجوان را همراه خانواده می‌کند و همبازی والدین خواهند شد. اگر هم اهل بازی آفلاین و داستانی است، با اینکه قطع بازی در اختیار خودش است، با احترام به کاری که انجام می‌دهد، بدانیم در حال انجام یک سری فعالیت است، از او بپرسیم این مأموریت چه زمانی تمام می‌شود؟ منتظر هستیم و زیاد ما را منتظر نگذار. با شناخت بازی‌های ویدیویی می‌توانیم زبان مشترکی بسازیم که ما را در رسیدن به اهداف تربیتی‌مان کمک کند.

از بازی‌های ویدیویی ترسیدم و واقع بینانه با آن برخورد کنیم، در آخر پیشنهاد می‌کنم مستند Not A Game را تماشا کنید، این مستند نگاهی صادقانه به رابطه پیچیده ما با بازی‌های ویدیویی دارد و آن را از دیدگاه گیمرها و والدین نگران آنها بررسی می‌کند.





نکته قابل توجه در زندگی خانوادگی و در نقش‌های خواهری و برادری از کودکی تا بزرگسالی این است که مهر و محبتی مستمر و همیشگی در قلب فرزندان نسبت به هم، درونی و کاشته شده وجود دارد که اگرچه ممکن است مسائل یا چالش‌های مختلف آن را تضعیف و یا تقویت کند، اما آن را از بین نمی‌برد.

# رابطه خواهر- برادری



نخستین فردی که یک فرزند در خانواده با آن مواجه می‌شود که جایگاهش همانند خود او و نه در مقام بزرگتر و والدین است، یک خواهر و برادر است؛ شبیه خود او اما متفاوت از او.

از خانواده که حرف می‌زنیم به پدر، مادر، والد بودنشان و فرزندان می‌رسیم. اغلب یافته‌های اخیر علمی در حوزه روانشناسی به تربیت فرزند، ارتباط پدر و مادر با فرزندان و والدگری پرداخته می‌شود و کمتر به ارتباط و تعامل فرزندان با هم اشاره می‌شود. پیش از صحبت درباره تعامل خواهرها و برادرها با هم، بهتر است به انتخاب والدین در فرزندآوری، تک‌فرزندی یا چندفرزندی اشاره کنیم. اگر خانواده را نهاد اصلی شکل دهنده یک جامعه بدانیم، بنابراین دوام و بقای جامعه را در گرو خانواده می‌بینیم و کیف دوام خانواده را از ابعاد مختلف جامعه مانند اقتصاد و فرهنگ اثرپذیر می‌بینیم. باید اینطور گفت که از لحظه شروع انتخاب ازدواج تا زمانی که زن و مرد تصمیم می‌گیرند فرزند داشته باشند یا نه تا زمانی که انتخاب می‌کنند یک خانواده چندفرزندی باشند، متأثر از جامعه هستند و خود نیز برحسب انتخابی که می‌کنند، بر جامعه تأثیر می‌گذارند. اما در این یادداشت ما نمی‌خواهیم درباره فرزندآوری و یا اثر مسائل اقتصادی و فرهنگی بر تصمیم و انتخاب زوجین برای فرزند داشتن، تک‌فرزندی یا چندفرزندی صحبت کنیم، هرچند در خلال صحبت درباره تعامل خواهرها و برادرها با هم، به طور غیرمستقیم نیز به این مفاهیم اشاره می‌شود.

## فرزند اول، پیشگام برادری یا خواهری

اگر از حسادت، سرخوردگی فرزند اول، تقابل برای مالکیت، حساسیت نسبت به کم و کیف محبت والدین به فرزندان اول و دوم و بعدی‌ها بگذریم، به بچه‌هایی با اختلاف‌های سنی و تفاوت‌های جنسیتی، استعدادها و علایق و ویژگی‌های متفاوتی می‌رسیم که هر کدام از این عوامل بر تعامل میانشان اثرگذار است. این تلنگر، آگاهی و مواجه شدن با تفاوت‌ها و اختلافات اول از همه جلوه‌چشمان فرزند اول اتفاق می‌افتد. در واقع حضور فرزند دوم و فرزندان بعدی، باعث شکل‌گیری نقش‌های خواهر و برادری و به تبع آن توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های هر فرد و اثر آن بر تعامل میان فرزندان می‌شود. بنابراین تا زمانی که فرزند اول شاهد حضور فرزند دوم و فرزندان بعدی در خانواده خود نباشد، شناخت و درک کاملی از نقش‌های خواهری و برادری و بزرگتر و کوچک‌تر بودن نخواهد داشت، مگر در تجربه غیرمستقیم و مشاهده خاله، عمه، عمه و دایی‌هایش و یا دوستان همسالش که خواهر و برادر دارند. پس در این یادداشت درباره خانواده‌هایی حرف می‌زنیم که نه تنها فرزند داشتن را انتخاب کرده‌اند بلکه پیش از یک فرزند دارند. یک اصل اساسی که اینجا شکل می‌گیرد در نسبت با نقش خواهری و برادری در خانواده است؛ یعنی زمانی که از نقش‌ها صحبت می‌کنیم، در واقع ویژگی‌ها، وظایف و حقوق آدم‌ها را در رابطه با هم می‌بینیم و تعریف و ارزیابی می‌کنیم. همین مسأله نیز در نسبت نقش‌های خواهری و برادری هم وجود دارد و همین بازی کردن نقش‌ها در زندگی خانوادگی، نوعی تمرین برای مواجه شدن با یک زندگی مستقل در آینده است.

## نه پدر، نه مادر، کسی شبیه من

نخستین فردی که یک فرزند در خانواده با آن مواجه می‌شود که جایگاهش همانند خود او و نه در مقام بزرگتر و والدین است، یک خواهر و برادر است؛ شبیه خود او اما متفاوت از او. همین ویژگی همسال بودن برای شروع تعاملات میان فرزندان کافی است. بچه‌ها یاد می‌گیرند با هم حرف بزنند، بازی کنند، به یک چیز بخندند، برای یک خواسته گریه کنند،

با هم دعوا کنند و به دنبال آشتی با هم باشند و غیره. با اینکه هر کدام ویژگی‌های شخصیتی خود را دارند، اما با هم در فضای خانواده رشد می‌کنند. نقطه اتکای فرزندان به هم اغلب در مواجهه با والدین شکل می‌گیرد؛ آنجایی که در یک گروه قرار می‌گیرند و در مواجهه (خیالی) با پدر و مادر از همدیگر مراقبت‌های فکری دارند. آنجایی که فرزندان باور، اعتماد، همدلی، همفکری و مراقبت از هم را یاد می‌گیرند و شخصیت‌های حمایتگر، فعال، مستقل، معتمد و غیره را در تعامل با هم شکل می‌دهند. در واقع آموزش و یادگیری کودک و فرد در خانواده و در میان خواهر و برادرها راحت‌تر است؛ آنها می‌توانند احساسات خود را مشاهده کنند، بشناسند، کنش و واکنش‌های یک تعامل را ببینند و تمام اینها بر کیفیت ارتباطات انسانی افراد در بزرگسالی اثرگذار است. اگرچه طبق تحقیقات انجام شده نسبت تعاملات مثبت به منفی در میان خواهرها و برادرها حدود ۵ به ۱ است، اما باید گفت خلق این شخصیت‌های سازنده به آسانی و در یک تعامل سالم همیشگی اتفاق نمی‌افتد. بلکه می‌توان پس از گذراندن افتخیزهای رشد هر کدام از فرزندان در خانواده و پیش بردن چالش‌های مختلف، شاهد شکل‌گیری تعامل‌های سازنده و به تبع آن رشد فرزندان در کنار هم بود. کسب تجربه مثبت فرزندان در یک خانواده بیش از کسب تجربه منفی است و همین خود یک سرمایه فکری، عاطفی، ذهنی و روانی در مسیر بلوغ و یک زندگی متعادل در بزرگسالی است.

## خواهر یا برادر؟ چه تعداد؟

در پژوهشی در امریکا محققان به این نتیجه رسیده‌اند که، کسانی که خواهر یا برادر دارند در مقایسه با تک‌فرزندان با احتمال طلاق کمتری در زندگی آینده خود مواجه می‌شوند. علت این مسأله همان فرصت داشتن افراد در خانواده پدری در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی برای برقراری تعامل، ارتباط، همدلی و تمرین مهارت‌های مختلف است. فردی که در یک خانواده پرجمعیت و همزمان با دیگر خواهرها و برادرهایش در حال رشد است، با انواع تفاوت‌ها، اختلافات، چالش‌ها و مسائل شخصیتی متفاوت به طور مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شود و این مشاهده و مواجهه، قدرت حل مسأله و شکل‌گیری رفتارها و ویژگی‌های سازنده مانند صبوری، سازش، درک متقابل، محبت، مشورت، تک‌بعدی نبودن و غیره را افزایش می‌دهد. نکته دیگر درباره تعامل با خواهر یا برادری از جنس مخالف است. این مسأله مهارت‌های برقراری ارتباط با جنس مخالف در لایه‌های مختلف ارتباطی را تقویت می‌کند. اگرچه در این مسأله، والدین نقش قابل توجهی دارند؛ آنها بر ارزش‌گذاری و برقراری تعادل میان دو جنسیت فرزندان، نسبت عاطفی و تعامل میان آنان را تنظیم می‌کنند. بنابراین والدین می‌توانند به عنوان یک واسطه با رفتارهای متفاوت اما منصفانه و با تعامل درست خود با همسر، کنش‌مکش‌های گاه و بیگاه خواهران و برادران را که یک مسأله اجتناب‌ناپذیر است، مدیریت کرده و

## بذر محبت به همنوع از شروع نقش خواهری و برادری

نکته قابل توجه در زندگی خانوادگی و در نقش‌های خواهری و برادری از کودکی تا بزرگسالی این است که مهر و محبتی مستمر و همیشگی در قلب فرزندان نسبت به هم درونی و کاشته شده وجود دارد که اگرچه ممکن است مسائل یا چالش‌های مختلف آن را تضعیف و یا تقویت کند، اما آن را از بین نمی‌برد. اگرچه شکل دعواهای کودک در بازی و برسر یک خواسته و یا یک اسباب‌بازی در بزرگسالی تغییر می‌کند، اما برخورد و تقابل‌ها، انتخاب رفتار و واکنش‌ها نسبت به چالش‌های دوران بزرگسالی، با بلوغ و آگاهی بیشتری میان خواهرها و برادرها اتفاق می‌افتد، چرا که تجربه تعامل و تقابل کودک که حالا تبدیل به خاطراتی برای آنها شده، در واقع بنیان محبت و در کنار آن تعقل و انجام کار درست را در نسبت با هم شکل داده است. این مسأله فقط در نسبت با خود خواهر و برادر در بزرگسالی نیست بلکه به دیگر روابط فرزندان با خانواده جدید خود در بزرگسالی مانند همسر و فرزندان نیز شکل و رنگ می‌دهد. شاید به جرات بتوان گفت زندگی با داشتن خواهر و برادری از کودکی، سهل‌تر و روشن‌تر است و جنبه‌هایی از مسائل زندگی را برای افراد روشن می‌کند که دیگران از آن آگاه نیستند و یا این وضع را می‌توانم به سوالات اختیاری برگه امتحانی مثال بزنم و فردی با تجربه نقش خواهری یا برادری را کسی بدانم که پاسخ تمام سوالات اختیاری را می‌داند و به همه جواب می‌دهد.

سارا مؤمنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در پژوهشی در امریکا محققان به این نتیجه رسیده‌اند که، کسانی که خواهر یا برادر دارند در مقایسه با تک‌فرزندان با احتمال طلاق کمتری در زندگی آینده خود مواجه می‌شوند. علت این مسأله همان فرصت داشتن افراد در خانواده پدری در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی برای برقراری تعامل، ارتباط، همدلی و تمرین مهارت‌های مختلف است. فردی که در یک خانواده پرجمعیت و همزمان با دیگر خواهرها و برادرهایش در حال رشد است، با انواع تفاوت‌ها، اختلافات، چالش‌ها و مسائل شخصیتی متفاوت به طور مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شود و این مشاهده و مواجهه، قدرت حل مسأله و شکل‌گیری رفتارها و ویژگی‌های سازنده مانند صبوری، سازش، درک متقابل، محبت، مشورت، تک‌بعدی نبودن و غیره را افزایش می‌دهد.

نکته دیگر درباره تعامل با خواهر یا برادری از جنس مخالف است. این مسأله مهارت‌های برقراری ارتباط با جنس مخالف در لایه‌های مختلف ارتباطی را تقویت می‌کند. اگرچه در این مسأله، والدین نقش قابل توجهی دارند.





## گزارشی از نگاه مردم درباره تفریح خانوادگی در این روزها

# پیاده روی و شنا یا بازی های موبایلی

## کدام یک تفریح بهتری است؟



برقراری رابطه پیدا کنیم؟ و اصلاً مگر چقدر می شود برای پیدا شدنش زمان گذاشت. آقای حمیدی: گرانی تفریحات سالم موجب می شود که خیلی از جوان ها و حتی خانواده ها به سمت تفریحاتی کشیده شوند که حداقل در جامعه ما می توانیم بگوییم هنجار و مردم پسند نیست. زمانی که قرار باشد من برای رفتن به یک شهر بازی و استفاده از وسایل هیجانی که مورد علاقه من و خانواده ام است هزینه زیادی را پرداخت کنم خب

خودم همیشه ساختن بادبادک را دوست داشتم. فکر می کنم که صعود به آسمان زیباست. فقط به این دلیل یا شاید هم به گمانم دور شدن از زمین، از خاک، از دنیای پایین. شاید هم دلیل عشق و علاقه فطری انسان به پرواز است. هفته پیش ساختم. فرزندانم هم خیلی بادبادک دوست دارند. سیداحمد ساخته بود. مریم هم قبل تر ساخته بود. بردیم و بادبادک ها را هوا کردیم. اما کوچک بود و سقوط کرد. بادبادک ها را نتوانستند بالا ببرند. این شد که خودم ساختم، یک بادبادک خیلی بزرگ. مقوا تا کردم و سیخ چوبی را به عنوان اسکلت به آن چسباندم. خیلی بالا رفت و عالی بود. فرزندانم عاشق کار گروهی هستند. من فکر می کنم که بچه ها به وسیله بازی زندگی را می آموزند. روابط اجتماعی را، نظام جامعه را، برای همین بازی هایشان را نباید دست کم گرفت. بازی تنها سرگرمی نیست.

خانم محسنی: زمانی که مشغول کار بودم و فرصت اندکی داشتم اقوام و فامیل را کمتر می دیدم و به همین خاطر رفت و آمد فرزندانم هم با اقوام کم بود و بیشتر به دلیل فاصله سنی کمی که داشتند با هم مشغول بازی و تفریح بودند تا اینکه من بازنشسته شدم و فرزندانم بزرگ شدند.

آن وقت بود که معنا و مفهوم تفریح و سرگرمی در خانه ما تغییر کرد. رفت و آمد با اقوام بیشتر شد، پسر و دخترم نیز علاقه مند به این مسأله شدند و می توانم بگویم که تفریح و سرگرمی شان شد دیدن و بازدید اقوام و همسنگ و سالانشان و این موضوع هنوز هم بعد از چند سال بین خانواده من مرسوم مانده است. در واقع من فکر می کنم همان طور که شروع همه یادگیری ها از خانواده است، تفریح داشتن، سرگرم بودن و بازی نیز از خانواده آغاز می شود. خودم خیلی دیر به این نکته پی برده بودم. یکسری از افراد هم دورهمی خانوادگی را آگاهانه حذف کردند ولی کاش حساسیتشان را کم کنند.

مگر می شود خانواده ای را که دقیقاً هم کفو و هم وزن ما باشد برای خودم همیشه ساختن بادبادک را دوست داشتم. فکر می کنم که صعود به آسمان زیباست. فقط به این دلیل یا شاید هم به گمانم دور شدن از زمین، از خاک، از دنیای پایین. شاید هم دلیل عشق و علاقه فطری انسان به پرواز است. هفته پیش ساختم. فرزندانم هم خیلی بادبادک دوست دارند. سیداحمد ساخته بود. مریم هم قبل تر ساخته بود. بردیم و بادبادک ها را هوا کردیم. اما کوچک بود و سقوط کرد. بادبادک ها را نتوانستند بالا ببرند. این شد که خودم ساختم، یک بادبادک خیلی بزرگ. مقوا تا کردم و سیخ چوبی را به عنوان اسکلت به آن چسباندم. خیلی بالا رفت و عالی بود. فرزندانم عاشق کار گروهی هستند. من فکر می کنم که بچه ها به وسیله بازی زندگی را می آموزند. روابط اجتماعی را، نظام جامعه را، برای همین بازی هایشان را نباید دست کم گرفت. بازی تنها سرگرمی نیست.

که مامان و بابا از تلویزیون استفاده نمی کنند، جز برای محدود مواردی که آن هم زمان مشخص خودش را دارد. استفاده از رسانه تصویری زیر سه سال باعث عدم تمرکز و از بین رفتن نورون های مغز می شود و ما به خاطر امیرحیدر باید امیرعباس را هم بیشتر مدیریت می کردیم، آخرین باری که با مشاور بچه ها حرف زدم گفت «یواش یواش رسانه تصویری را برایشان شروع کن، طبق ارزش هات، هرچی که می خواهی، ولی با بچه ها گفت و گو داشته باش و توضیح بده که این هم بخشی از فعالیت روزمره است چون باید یواش یواش تحلیل رسانه در حد سن خودشان و حرف زدن در موردش را یاد بگیرند.»

بعدها من نشستم چیزی حدود ۵۰ انیمیشن دیدم تا به نتیجه رسیدم که چه چیزی مناسب بچه های من است و یک هفته شبکه پویا را که خیلی بهش منتقد هستم بررسی کردم تا به ۴۵ دقیقه تماشا از این شبکه رسیدم که مناسب ماست، با بچه ها نشستیم حرف زدیم و در مورد صدای تلویزیون و ساعت روشن و خاموش کردنش به نتیجه رسیدیم و شروع کردیم. البته از اینترنت هم خیلی ایده های خوبی برای سرگرمی بچه ها می توانی پیدا کنی. خودم که خیلی از این فضا استفاده می کنم.

محیا گفت مثلاً امروز ما به صرف خواندن تاریخچه و رنگ کردن ضرب المثل: «از آب گل آلود ماهی می گیرد» گذشت. ایده اش هم از بازی پانتومیم که ضرب المثل انجام می دادیم آمده بود.

فکر کردم که اینطوری فرصتی هم می شود تا بچه ها با ضرب المثل ها آشنا بشوند و بدانند که از کجا آمده و البته بدانند که همه ضرب المثل ها الزاماً درست نیستند مثل: خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو. بعد هم دزد و پلیس بازی کردیم و اجرای نمایش داشتیم.

وقت هایی هم که با خاله های خودم و یا فامیل همسرم دور هم جمع می شویم، با بازی هایی مثل مافیا، اسم و فامیل بازی و بازی کنترل خنده، پانتومیم و اسم روی پیشانی، سعی می کنیم زمان خوشی را برای خودمان به وجود آوریم.

دور هم بازی می کنند یک بار بچه ها مشغول بازی اسم و فامیل بودند. دیدم تکراری شده، حروف الفبا را دور زده بودند، همه کلمات در ذهن شان بود. تا یکی حرفی انتخاب می کرد، فوری همه را تکمیل می کردند، به نظرم خسته کننده شده بود که گفتم بچه ها چرا قانون بازی را عوض نمی کنید؟ این بار کلماتی را بنویسید که حرف مورد نظر در آخرش باشد.

خوش شان آمد. حالا می توانستند واقعاً خودشان را آزمایش کنند. برای دایره لغات تلاش کنند. ببرند و ببازند. متفاوت از دفعات قبل، آن روز همه چیز دوباره از نو شده بود.

سمیه ملاتبار  
نویسنده

زندگی به کمی خلاقیت و حال خوب نیاز دارد، کمی تجربه راه های تازه و ساختن ایده های نو، حال خوبی که در قفسه هیچ فروشگاهی نیست و خودمان باید بسازیمش. شادی ها و لذت ها، گاهی خیلی ارزان تر و دم دست تر از آن چیزی است که خیال می کنیم. حتی برای ماهایی که در خانه های کوچک آپارتمانی زندگی می کنیم.

بازی ها و تفریح عمیق ترین اثرها را در کودکان دارند. مخصوصاً اگر می خواهید فرزندان کم تر با تبلت و موبایل و تلویزیون مشغول باشد. شما چه بازی ها و تفریح های خانوادگی دارید؟ می دانستید گاهی همین تفریح های ساده و بی دردسر، خاطره هایی را برای فرزندان درست می کند که تا هستی از یاد نمی برید؟

همیشه چیزهایی که به نظر، بچگانه یا بی اهمیت و ساده می آید، با یک بازیگری می تواند حلال بسیاری از مشکلات پیچیده ما باشد. شک نکنید که با این تفریحات پر لذت و شاد و امن، بهترین جواب ها را می گیرید. آخرین باری که تفریح خانوادگی را تجربه کردید کی بوده است؟

مامان عسل از اشتهای سیری ناپذیر بچه ها به سرگرمی گفت که یک سری از تفریح های فرهنگی خانوادگی را می شود با هزینه های کم و برنامه ریزی فراهم کرد مثلاً کوه رفتن یکی از قشنگ ترین تفریح های خانوادگی ماست که به قله برسی و با خانواده گوشه ای بنشین و املت بخوری.

یکی از مسائلی که خیلی برایش تلاش کردم این بود که بچه ها در معرض رسانه تصویری قرار نگیرند و جذابیتی هم تا سه سالگی برایشان نداشته باشد، به خاطر همین برای ساعت های روزشان را با حباب ساز و خمیر بازی و باکس های جورچین و پازل و کتاب و فوتبال دستی برنامه ریزی می کنم و اجازه نمی دهم که به مرحله حوصله من سر برفته برسند.

تلویزیون را هم به عنوان وسیله سرگرمی معرفی نکردم. یعنی بچه ها از وقتی جهان را شناختند دیدند

## به بهانه تعطیلی مدارس و آغاز تابستان

# دورکاری مادران با حضور فرزندان

چرا پسران من، همراهان خوبی اند؟

نمی دانم چند نفر از شما مادرانی که دارید این مطلب را می خوانید، جزو دورکاران به حساب می آید؛ البته نوع کارها، تفاوت آشکاری با هم دارند ولی حالا زیاد مهم هم نیست که نوع کار من در این یادداشت به همان حساسی درک بشود یا نه؛ همین که الان بحث دورکاری زنان و مادران زیاد شده و حالا که روزهای تعطیلی بچه ها رسیده، جا برای نوشتن این یادداشت باز کرده است. البته من که می دانم چقدر کارهای خانه در این زمان از روز که بچه ها در مدرسه نیستند، از ساعت کاری تا می زند و مجبورم می کند در ساعت های دیگری از عصر و شب هم به شغلان ادامه دهد که باز هم می دانم با وجود حضور فرزندان چقدر سخت است. رسیدگی به امور تحصیلی و مراقبت های غذایی فرزندان اگر فقط حساب کنید، به اندازه کافی مانع برای پیشرفت در کار به حساب می آید، چه برسد که شغل تا نوشتن آمیخته باشد. شاید این یادداشت، روی خطایش به مادران سرپرست خانوار است ولی احتمالاً بیان برخی

راه های مختلفی برای همراه کردن فرزند وجود دارد.

آشنا کردن فرزندان با فعالیت های کاری

قدم اول آن است که هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم، کودکان را با چگونگی بدست آمدن درآمد زندگی شان و شغلی که درگیرش هستید و نیازی که هرچند نرفرتان به درآمدش دارید، آگاه کنید. شغلان را برایش خیلی ساده و ریز توضیح دهید. این مسأله، نقش اساسی در همیاری کودک با شما دارد. کسی از کودک انتظار ندارد که در انجام آن کارها کمک خاصی بکند، اما حداقل نیاز شما این است که بتوانید در شرایطی کارتان را در خانه انجام دهید که بشود تمرکز لازم را داشت؛ بشود درعین روشن بودن تلویزیون و پخش برنامه کودک، صدای بازی کردن های دو نفره و خوردن توپ به دیوار اتاق، صدازدن های مکرر فرزند و درخواست های مختلف غذایی یا درسی، حرف زدن هایشان با همدیگر و غیره، کار کرد. پس از آگاهی فرزند از فعالیت کاری مادر و درک شغل،

روزهایی را شاهد خواهید بود که فرزندان علاوه بر اینکه کاملاً محیط خانه را برای به اتمام رساندن کارتان فراهم می کند، برای رفع خستگی تان، با سلیقه کودکانه اش برایتان شربت هم درست می کند یا میوه هم می آورد یا وقتی شما کنار میز مطالعه اش میوه ای می گذارید، می گوید: «شما هم بخور تا من هم بخورم» یا «اگر شما نخوری و تقویت نشوی، من هم نخواهم خورد.»

در اتاق تان باز باشد

اگر اتاق های خانه شما در دارد که مطمئناً دارد، حتماً موقع برخی از کارهای تان که اتفاقاً خیلی ازتان انرژی می برد و حتی اتفاقاً خیلی نیاز به تمرکز دارید، در اتاقتان را ببندید. بچه ها وقتی که در جریان ریز مشکلات کارتان قرار می گیرند، همراهان خوبی می شوند. هر از گاهی هم به بهانه های مختلف وارد اتاقتان می شوند و یا از در اتاقتان رد می شوند که ببینند هنوز مشغولید یا نه. این کارهایشان، فقط





ترجیح این است که به سمت تفریحات کم هزینه تر بروم و مثلاً به رفتن به یک قهوه خانه همراه با دوستان بسنده کنم. قهوه خانه ها هم همیشه پر است. انگار انتخاب خیلی از افراد شده است. قهوه خانه های خانوادگی گران تر از قهوه خانه هایی هستند که خانم ها و کودکان را راه نمی دهند.

خانم رضایی: من خودم صاحب سه فرزند هستم اما تفریح برای پسرهایم بیشتر ایجاد مسأله کرده تا برای دخترم. خب پسرها با دخترم انگار فرق می کنند. با توجه به چیزهایی که می بینم و می شنوم کسی به فکر تفریح جوان ها نیست. یک فضای تفریحی سالم را که کم هزینه باشد من سراغ ندارم. گاهی همراه با بچه هایم به کوه می رویم و این تنها تفریح خانوادگی ماست که واقعاً هم لذت بخش است اما کوه، تفریح آخر هفته است.

گاهی بچه نیاز دارند در روزهای میانی هفته هم بعد از کار و تلاش و درس تفریح کنند اما کجا بروند و چه کاری انجام دهند، همیشه برایمان سؤال است. دخترم دوره آشپزی را دو سال پیش گذراند اما باورتان می شود که برای تهیه نان اسنک و پنیر پیتزا و یک سری وسایل دیگر باید مدت زیادی معطل بمانیم که پولش را فراهم کنیم؟ دیگر حتی گاهی آشپزی هم سرگرمی به حساب نمی آید. قبلاً آشپزی و درست کردن غذای خاص برای خانواده، سرگرمی قشنگی برای من و دخترم بود.

آقا رضا: زمان جوانی ما، دوره های خانوادگی، رفتن به خانه مادربزرگ و اقوام، دیدن یک فیلم در کنار اعضای خانواده، گردش های دسته جمعی آنقدر برای ما لذت بخش بود که اصلاً به تفریح کردن فکر نمی کردیم چون مدام درگیرش بودیم و هیچ چیز لذت بخش تر از آن برای ما نبود. اما این روزها دوره تفریح خانوادگی انگار گذشته است اصلاً دیگر چه کسی فرصت دارد به اینچنین تفریحات فکر کند. الان دیگر همه بچه ها یک گوشی یا تبلت دستشان است و اگر از آنها بخواهیم که سری به پسرعمه یا دختردایی بزنند می گویند الان در تلگرام یا اینستاگرام باهاش صحبت کردم. همین تکنولوژی باعث شده نوع تفریح آدم ها هم تغییر کند. من انتظار ندارم که جوان من مثل گذشته های ما تفریح کند چرا که اقتضای این زمان چیز دیگری است.

پسرم همیشه می گوید من عاشق تفریحات مجازی هستم، نه خرج زیادی دارد و نه لازم است از خانه خارج شوی. همان طور که خیلی از چیزها طی این سال ها تغییر کرده خب مسلماً نوع تفریح افراد هم دستخوش تغییر شده است. دختر و پسر من بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه می گذرانند. در واقع کمتر علاقه دارند برای سرگرمی و تفریح از خانه خارج شوند، مگر اینکه جایی دعوت باشند. به قول خودشان از تفریحات مجازی استفاده می کنند؛ نشستن پای کامپیوتر، گوشی و بازی با ایکس باکس. به نظر من تماشای فیلم

سالم تر از تفریحات بیرونی است. البته متأسفانه خود من هم بعضی اوقات که از کار روزانه خسته می شوم یا گشت و گذار در کانال های مختلف و خواندن مطالبی در مورد موضوعاتی که مورد علاقه ام هستند روحیه ام تغییر می کند و یک جور تفریح و سرگرمی برای من شده است.

امیرعلی که چهارده ساله است، ورزش والیبال را خیلی جدی دنبال می کند و این بازی تبدیل به تفریح جذابی برایش شده است. وی می گوید: تا قبل از اینکه وارد رشته والیبال شوم یا اصلاً ورزش کردن را شروع کنم، به محض اینکه وقت خالی پیدا می کردم همراه دوستانم می رفتیم بیرون، سینما، پارک اما بازی والیبال نگاه مرا نسبت به اوقات فراغت و تفریح کردن تغییر داد.

به نظر من ورزش، هم فال است و هم تماشا. یعنی با ورزش کردن هم بدن و روح سالمی داری و هم تفریح می کنی و شادایی. دیگر نیازی نیست مدام منتظر باشی دوستی یا فامیلی در شاد بودن

چرا که در طول روز تمام وقتش در اختیار خودش است. او معتقد است: بهترین تفریح کنار خانواده بودن است و در واقع منظور من این است که هر تفریحی را که می شود با خانواده انجام داد. آن وقت است که می توان گفت آن تفریح، تفریح جذابی است. قدم زدن به بهانه خرید کمی میوه، کوهنوردی، دوره های فامیلی و دوستانه و انجام بعضی از بازی های دسته جمعی همگی می تواند باعث شادایی و تفریح خانواده ام شود. در جمع همسالان و دوستان بودن هم اگر با شناخت و انتخاب درست انجام شده باشد، می تواند تفریح سالمی باشد. در خانواده من از هر دو نوع تفریح یعنی کنار خانواده و در جمع دوستان بودن جزو تفریحات سالم محسوب می شود و بعد از آن کاملاً شارژ می شویم.

آقای حسینی صاحب بوتیکی در شرق تهران است که حتی کسادی بازار و کسب و کار هم باعث نمی شود آخر هفته ها تفریح نکند. وی می گوید: تفریح

رفتن به باشگاه ورزشی، آموزش نقاشی یا موسیقی که من علاقه چندانی به هیچ کدام نداشتم اما والدینم مجبورم می کردند که حتماً یکی را انتخاب کنم و همیشه هم ترجیح من باشگاه بود چون حداقل هیجانش بیشتر است.

خانم محبی که تفریح سالم را تفریح خانوادگی می داند، می گوید: بهترین مصداق الگوی تفریح خانوادگی در بچگی ما برگزاری مراسم شب یلدا، روزهای مادر و پدر، دید و بازدیدهای فامیلی و رفتن به خانه مادربزرگ و پدربزرگ در آخر هر هفته بوده است، در حالی که طی این سال ها وابسته شدن فرزندان و حتی والدین به اینترنت و وسایل ارتباط جمعی، الگوی تفریح اعضای خانواده برای در کنار هم بودن، معنای خود را از دست داده است.

خانواده ها تک محور شده اند، یعنی در جمع بودن و کنار هم بودن کم رنگ شده است و شرایط زندگی و در واقع می شود گفت سبک زندگی ها به گونه ای شده است که خانواده ها به راحتی در کنار هم قرار

من در خانواده ای بزرگ شدم که از کودکی تفریح و سرگرمی برای تمام اعضای خانواده حکم غذا را داشت. یعنی حتماً پدر و مادرم هر از چند گاهی با دوستانشان به تفریح می رفتند حالا این تفریح یک دورهمی، رفتن به یک پیک نیک، رفتن به استخر، پیاده روی و سینما را شامل می شد. برای ما بچه ها هم تفریحاتی در نظر می گرفتند مثلاً رفتن به یک باشگاه ورزشی، آموزش نقاشی یا موسیقی



کردن از نان شب هم واجب تر است. زندگی بدون تفریح که زندگی نیست و تنها گذران عمر است. من در خانواده ای بزرگ شدم که از کودکی تفریح و سرگرمی برای تمام اعضای خانواده حکم غذا را داشت. یعنی حتماً پدرم و مادرم هر از چند گاهی با دوستانشان به تفریح می رفتند، حالا این تفریح رفتن به دورهمی، پیک نیک، استخر، پیاده روی و سینما را شامل می شد.

برای ما بچه ها هم تفریحاتی در نظر می گرفتند مثلاً

تفریح کردن همراهی ات کند. در خانواده ما مدل خاصی برای تفریح کردن وجود ندارد. پدر و مادرم که معمولاً اهل تفریح نیستند، خواهرم که از من دو سال بزرگ تر است میهمانی رفتن، دید و بازدید و گشت و گذار در طبیعت را تفریح می داند و حداقل هفته ای یک بار به دیدن دخترخاله ام و دوست دوران دبیرستانش می رود.

آقای مشیری شغل آزاد دارد. به همین خاطر معتقد است فرصت تفریح بیشتری دارد

ببینیم کتابی یا مطلبی بخوانیم شاید ساعت ها در موردش بحث و گفت و گو کنیم؛ بعد از چند سالی که این روند را ادامه دادم حالا متوجه شدم این عادت در بچه ها شکل گرفته و الگوی یک تفریح سالم نهاده شده است.

در کودکی هم برای بچه ها بازی هایی اختراع می کردم. مثلاً می گفتم می توانیم آخر هفته همه خانواده به ماهیگیری برویم. مهم نیست وسیله نقلیه ندارید یا هوای آسمان آلوده است و باید در خانه بمانید یا باران می بارد و نمی توانید با فرزندان کوچکتان به رودخانه بروید. اصلاً ممکن است نزدیک محل زندگی تان رودخانه ای هم نداشته باشد ولی می توانید ماهیگیری را در خانه انجام دهید.

مثلاً یک قابلمه بردارید و به فرزندتان بگویید به اندازه دو بند انگشت در آن آب بریزد. یک پلاستیک پر از در نوشابه، دوغ، روغن و آب معدنی را که از قبل جمع کرده اید بیابورید و در آب بریزید.

درهای رنگی، ماهی های شناور شما هستند. دور قابلمه بنشینید و هر کدام یک قلاب ماهیگیری بردارید. قلاب ها هم یک سیخ چوبی هستند که سرشان یک نخ بیست الی سی سانتی متری بسته اید و آخر نخ را هم به یک سنجاق قفلی گره بزنید.

سنجاق قفلی را باز و سوزنش را کمی خنک کنید و حالا توی آب به این طرف و آن طرف ببریدش تا سوزنش به لبه یکی از درها بگیرد و یک ماهی شکار کند. ماهی های توی آب که تمام شد، هر کسی تعداد صیدهایش را بشمرد و کسی که تعداد بالاتری جمع کرده بود را هم حسابی تشویق کنید و به او لقب «صیاد نمونه خانواده» بدهید. بعد همه ماهی هایشان را به دریاچه بریزند و چوب های ماهیگیری شان را بردارند و باز سبب صیدهایشان را پر کنند.

پنج موشک کاغذی برای بچه ها درست کنید. اندازه و جنس کاغذ و شکل بال هر کدام را طوری انتخاب کنید که هر کدام موقع پرواز به صورت متفاوت عمل کنند. یکی تیز، صاف و دقیق برود، یکی را هر طور بیندازی، جلو نرود و پیش خودت برگردد.

یکی در هوا چند دور، دور خودش بچرخد و یکی هم انحراف به چپ داشته و آخری هم حساب و کتاب نداشته باشد و هر بار یک طور پرواز کند. تفاوت موشک ها هم در بزرگی و کوچکی کاغذی که انتخاب می کنید و سبکی و سنگینی کاغذ، مشخص می شود. اینکه برای بال های موشک، تا زدن را از کجایش شروع می کنید و اینکه سر بالش را تا می زیند که عمودی بشود یا خیر، همه اینها در شکل پرواز تأثیر دارد.

هر پنج موشک را یک بار بیندازید و پروازشان را به بچه ها نشان دهید، بعد هر کدام از بچه ها سه بار فرصت دارند هر موشک را امتحان کنند و نوع پرواز هر کدام را به خاطر بسپارند.

وقت امتحان و تمرین که تمام شد، هر کدام از ویژگی های بالا را بگویید تا بچه ها موشک شان را پیدا و بعد پرتاب کنند تا معلوم شود انتخاب هایشان درست بوده است یا نه. هر انتخاب و پرتاب سه امتیاز دارد و کسی برنده است که بیشترین امتیاز را جمع کند.

بعد از این مرحله بچه ها باید کنار دیوار بنشینند و یک موشک را انتخاب کنند و طوری پرتاب کنند که از در اتاق روبه رو رد شود و بعد موشکی انتخاب کنند که سمت اتاق پرتاب کنند اما وارد آشپزخانه نشود

و همین طور تا آخر. تنوع پرواز موشک ها برای بچه ها جالب است و تلاش شان برای تغییر دادن شکل پرواز موشک ها با محکم پرتاب کردن و آهسته انداختن آنها دیدنی است.

موشک بازی شاید کمی پسرانه باشد اما دختر بچه ها هم پرواز را دوست دارند. مانند کودکی خود ما که پشت بالش ها سنگر می گرفتیم و وقتی پدرمان از مسجد برمی گشت، موشک بارانش می کردیم.

می آورد. من هم روزهایی را سپری کرده بودم که آن قدر فشار سرصدا و تکالیف دو کودک دبستانی زیاد بود که بیشتر سفارشات کاری مانند تهیه گزارش و نوشتن مطلب را رد می کردم. ولی خود بچه ها، کم کم وقتی حساسیت کارهایم را دیدند، خیلی بهتر شدند، خیلی آرام تر شدند. طوری که از خیلی ها شنیدم که می گفتند «چقدر بچه هایم آرامند» یا «اگر بچه ما را داشتی نمی توانستی.»

### نتیجه کارهایتان را به کودک نشان دهید

یکی از دلایل دیگری که فرزندان من، همکاری خوبی با من دارند، این است که همیشه نتیجه کارهای من را دیدند و خواندند. با اینکه خودشان اکثر مواقع شاهد گفت و گوهایی که با مسئولین برای موضوعی انجام می دادم بودند، ولی وقتی آن گفت و گو به چاپ می رسید، انگار کاملاً از موضوع بی خبرند، آنچنان محو خواندن مصاحبه و گزارش می شوند که همیشه برای خودم جالب بوده است.

بهبش بدهید یا اینکه یک مدلی را جلوییشان بگذارید تا از رویش کاردستی درست کنند یا اگر می توانند نقاشی اش کنند. یا برایش موضوعی را مشخص کنید که بکشد و رنگ آمیزی اش کند. یادتان باشد که اگر پازل یا نقاشی یا کاردستی را بدون بازی قبلی تان در اختیارش بگذارید، به بهانه های مختلف سراغتان می آید و از شما کمک می خواهد و سعی نمی کند به حس مستقلانه اش اکتفا کند.

### عادات، بر اثر تکرار و تمرین بدست می آید

الان که دارم با آرامش از این تجربه مادرانه ام حرف می زنم، باید بگویم که این آرامش اصلاً اتفاقی نبوده که یک شبه یا حتی مادرزادی در پسران من وجود داشته باشد. آنها هم مثل خیلی از پسرهای دور و برمان، بازیگوش هستند و بازیگوشی می کردند ولی تنها تفاوتش این است که مادری داشتند که نان آور بود و باید در خانه با طی ساعات ناوشتن و خواندن، درآمدی بدست

یکی از دلایل دیگری که فرزندان من، همکاری خوبی با من دارند، این است که همیشه نتیجه کارهای من را دیدند و خواندند. با اینکه خودشان اکثر مواقع شاهد گفت و گوهایی که با مسئولین برای موضوعی انجام می دادم، بودند، ولی وقتی آن گفت و گو به چاپ می رسید، انگار کاملاً از موضوع بی خبرند، آنچنان محو خواندن مصاحبه و گزارش می شوند که همیشه برای خودم جالب بوده است





# اصول یخ بستگی!

نکاتی درباره نگهداری مواد غذایی در فریزر

فاطمه زارع جعفری

نویسنده



در دنیای شلوغ و پرمشغله امروز همه ما به دنبال راهی برای سرعت بخشیدن به کارها و صرف حداقل زمان در انجام کارهای روزمره هستیم. آشپزی یکی از زمان برترین کارهای روزمره است که ممکن است ساعات زیادی از روز و هفته ما را به خود اختصاص دهد. شاید شما هم از آن دسته افرادی باشید که آخر هفته‌ها غذای چند وعده از هفته آینده را آماده می‌کنید یا مواد اولیه لازم برای تهیه غذاها را برای مدتی از قبل تهیه می‌کنید. ممکن است در فصولی از سال، میوه‌ها و سبزیجات آن فصل را تهیه و برای طول سال نگهداری کنید یا هر یک یا دو ماه یک بار به خرید مایحتاج خوراکی خود بروید و مجبور باشید آن مواد خوراکی را تا زمان بعدی خریدتان نگهدارید. احتمالاً اولین گزینه‌ای که برای نگهداری از غذا یا مواد اولیه آشپزی به ذهن شما هم می‌رسد، منجمد کردن است. منجمد کردن یکی از راه‌های نگهداری طولانی‌مدت مواد غذایی است. اما نگهداری از مواد غذایی در فریزر اصولی دارد که سلامت و کیفیت مواد غذایی منجمد شده به رعایت این اصول وابسته است. نوع ماده غذایی، دما فریزر، مدت زمان نگهداری و فاکتورهای دیگر می‌توانند در کیفیت مواد غذایی منجمد شده هنگام مصرف مؤثر باشند.



## زمان طلایی فریز کردن

مواد غذایی باید در سریع‌ترین زمان ممکن منجمد شوند. هرچه مواد غذایی تازه‌تر باشند هنگام منجمد شدن نیز مواد مغذی بیشتری را حفظ می‌کنند.

مثلاً میوه و سبزیجات بلافاصله پس از چیده شدن تغییراتی می‌کنند و تحت اثر آنزیم‌های درون‌شان طعم و رنگ و خواص آنها تغییر می‌کند. بنابراین هرچه میوه و سبزیجات به صورت تازه‌تر منجمد شوند این آنزیم‌ها فرصت کمتری برای تغییر دادن خواص آنها خواهند داشت و چون در اثر انجماد غیرفعال می‌شوند از فساد میوه و سبزیجات جلوگیری می‌شود. این مسأله در مورد مواد غذایی دیگر، چه خام و چه پخته، نیز صدق می‌کند. در حالت کلی باید منجمد کردن را راهی برای حفظ طراوت و تازگی مواد غذایی در نظر گرفت، نه راهی برای جلوگیری از فاسد شدن آنها. بنابراین بهترین زمان برای منجمد کردن مواد غذایی، زمان اوج طراوت و تازگی آنهاست.

## دمای مناسب فریزر

در فریزرهای امروزی به راحتی می‌توان دمای فریزر را به دلخواه تنظیم کرد. ولی اگر نمی‌توانید دمای فریزرتان را تنظیم کنید لازم است که یک بار دمای آن را اندازه‌گیری کنید تا از سالم بودن مواد غذایی منجمد شده در آن مطمئن شوید. اگر دمای فریزر شما منفی ۶ درجه سانتی‌گراد است، مواد غذایی منجمد شده در آن به مدت یک هفته کیفیت خوبی خواهد داشت، ولی اگر دمای فریزر شما منفی ۱۲ درجه سانتی‌گراد باشد تا یک ماه دیگر می‌توانید مواد غذایی با کیفیت داشته باشید. بهترین دما برای فریز کردن مواد غذایی منفی ۱۸ درجه سانتی‌گراد است که در این دما می‌توان مواد غذایی را سه ماه و بیشتر نگهداری کرد. البته توجه داشته باشید که هر نوع ماده غذایی به صورت جداگانه تا زمان متفاوتی در فریزر با کیفیت باقی می‌ماند و فاکتورهای دمای فریزر و نوع ماده غذایی باید در کنار هم در نظر گرفته شوند.

## بهترین روش یخ‌زدایی

بعضی مواد را به محض بیرون آوردن از فریزر می‌توان استفاده کرد. میوه‌ها و سبزیجات از این دسته هستند. ولی گوشت و مرغ را بهتر است پیش از مصرف یخ‌زدایی کرد و بهترین روش برای یخ‌زدایی از آنها انتقال‌شان از فریزر به یخچال از شب قبل است. بنابراین برای یخ‌زدایی زمان کافی را در نظر بگیرید. یخ‌زدایی در هوای آزاد ممکن است موجب آلودگی و مسمومیت غذایی شود.



## نکات مهم فریز کردن

منجمد کردن درست و اصولی مواد غذایی باعث می‌شود نه تنها غذاهای با کیفیت‌تری مصرف کنیم، بلکه موجب می‌شود هنگام مصرف، یخ‌زدایی و پخت آسان‌تری داشته باشیم و فریزرمان نیز از آسیب در امان باشد. نکات کوچکی برای منجمد کردن انواع مواد غذایی وجود دارد که رعایت کردن آنها زمان چندانی از شما نمی‌گیرد، ولی بسیار مفید است:

### ۱- غذا را به صورت گرم در فریزر قرار ندهید

گذاشتن غذای گرم در فریزر می‌تواند موجب بالا رفتن دمای فریزر، افزایش زمان لازم برای انجماد و فاسد شدن مواد غذایی شود. همچنین ممکن است موادی که در مجاورت غذای گرم قرار گرفته‌اند از حالت انجماد خارج شده و دوباره منجمد شوند که این اتفاق باعث کم شدن کیفیت و تغییر طعم آن مواد می‌شود.

### ۲- غذاها را در بسته‌بندی‌های کوچک منجمد کنید

سعی کنید مواد غذایی را در بسته‌بندی‌هایی به اندازه یک وعده مصرفی منجمد کنید. اگر مقدار مواد غذایی در هر بسته زیاد باشد لازم است برای جدا کردن مقدار مورد نیاز تمام بسته از حالت انجماد کامل خارج شود و دوباره منجمد کردن آن باعث شروع فعالیت باکتری‌ها و در نتیجه تغییر در طعم، رنگ و کیفیت آن می‌شود.

### ۳- هوا را از بسته‌بندی خارج کنید

اگر مواد غذایی را در ظروف و کیسه فریزرهای دربسته منجمد کنید، رنگ و طعم آنها به خوبی حفظ می‌شود. اگر برای منجمد کردن از کیسه

### ۴- نام بنویسید و تاریخ بزنید

روی بسته‌هایی که می‌خواهید در فریزر بگذارید بنویسید که حاوی چه مواد غذایی هستند و حتماً تاریخ روز منجمد کردن را نیز روی بسته‌ها بنویسید. با این کار لازم نیست برای فهمیدن اینکه بدانید سبزی مورد نظر چیست آن را یخ‌زدایی کنید و همچنین از روی تاریخ می‌توانید مواد غذایی و غذاهای قدیمی‌تر را زودتر مصرف کنید.

### ۵- به زمان و ماندگاری مواد توجه کنید

هر ماده غذایی که منجمد می‌شود یک زمان طلایی مصرف دارد که بعد از آن کیفیت خود را از دست می‌دهد. از روی تاریخی که روی بسته‌بندی آنها نوشته‌اید می‌توانید بفهمید چه زمانی مدت زمان نگهداری هر غذا به پایان می‌رسد. سعی کنید غذاها و مواد غذایی را در تازه‌ترین زمان ممکن مصرف کنید.

## زمان طلایی مصرف مواد فریز شده

اگر عادت به فریز کردن مواد غذایی دارید باید بدانید که تا چه زمانی فرصت دارید آنها را با کیفیت و طعم و رنگ مطلوب مصرف کنید.

### نان و شیرینی

نان و شیرینی‌های خشک را تا ۳ ماه می‌توان در فریزر نگهداری کرد، اگر از بسته‌بندی و هوا نکشید آن مطمئن باشید. منجمد کردن نان داغ موجب کپک زدن آن می‌شود. قبل از یخ‌زدایی از نان، اگر برافروزی روی آن مشاهده کردید برق‌ک را از نان جدا کنید تا نان مرطوب و خمیری نشود. حواس‌تان باشد که گرم کردن بیش از یک بار نان باعث بیات شدن آن می‌شود.

### میوه‌ها و سبزیجات

میوه‌ها و سبزیجات را پیش از منجمد کردن خرد کنید. هویج، لوبیا سبز، کلم بروکلی و... اگر خرد یا خلال شوند آسان‌تر مصرف می‌شوند. برای ماندگاری‌تر شدن سبزیجات می‌توانید آنها را پیش از منجمد کردن بلانچ کنید، به این صورت که دو دقیقه آنها را در آب در حال جوش و سپس در آب بسیار سرد بریزید و پس از آبکشی و خشک کردن آنها را منجمد کنید.

سبزیجات را به طور معمول می‌توان ۸ تا ۱۲ ماه منجمد کرد. میوه‌های منجمد شده بهتر است در عرض ۳ ماه مصرف شوند.

### گوشت، مرغ و ماهی خام

بیشترین زمانی که می‌توان گوشت، مرغ و ماهی تازه را در یخچال نگه داشت ۷۲ ساعت است. اگر می‌خواهید مدت زمان بیشتری از آنها نگهداری کنید باید آنها را فریز کنید. انواع گوشت‌ها حتماً باید در دما منفی ۱۸ درجه سانتی‌گراد منجمد و نگهداری شوند.

مرغ و سایر طیور تا یک سال در فریزر دوام می‌آورند. گوشت قرمز را نیز بین ۶ تا ۱۲ ماه در فریزر می‌توان نگهداری کرد. ولی محصولات دریایی کم‌چرب (مانند ماهی تیلایا و میگو) تا ۶ ماه و محصولات دریایی پرچرب (مانند سالمون، ساردین، قزل‌آلا و ماهی آزاد) ۲ تا ۳ ماه بیشتر در فریزر دوام نمی‌آورند.

### غذاهای پخته شده

غذاهای گوشتی، انواع سوپ و خورش‌ها را می‌توان در فریزر نگهداری کرد ولی مدت زمان نگهداری مواد خام و پخته در فریزر با یکدیگر متفاوت است. غذاهای پخته شده حداکثر سه ماه در فریزر ماندگاری دارند. غذاها و سبزیجات نیم‌پز، ماندگاری بیشتری به نسبت غذاها و سبزیجات کاملاً پخته در فریزر دارند؛ مثلاً نگهداری برنج و ماکارونی پخته در فریزر توصیه نمی‌شود، ولی ماکارونی نیم‌پز را می‌توان در فریزر نگهداری کرد. غذاهای سرخ‌شده در فریزر طعم و تردی خود را از دست می‌دهند. خورش‌ها را نیز بهتر است قبل از منجمد کردن تا حدی سرد کنید که بتوانید روغن روی آنها را با قاشق جدا کنید.

غذاهای کنسروی را نمی‌توان در بسته‌بندی خودشان در فریزر نگهداری کرد، زیرا ممکن است افزایش حجم ناشی از انجماد موجب انفجار بسته‌بندی آنها شود. این موضوع درباره منجمد کردن تخم‌مرغ خام یا پوست نیز صدق می‌کند.

### لبنيات

شیر کامل را می‌توان فریز کرد، ولی بعد از آب شدن یخ آن، کیفیت به طور واضح کاهش پیدا می‌کند. تا ۶ ماه می‌توان شیر را در فریزر نگه داشت. فریز کردن کره به کیفیت آن لطمه نمی‌زند، ولی پنیر خامه‌ای و نرم را نباید فریز کرد.

### سوسیس و کالباس

سوسیس و کالباس را بیشتر از ۲ ماه منجمد نکنید. هرچند در بیشتر از ۲ ماه نیز این محصولات فاسد نمی‌شوند، ولی طعم و بافت خود را از دست می‌دهند.







## در روزهای کرونایی واقعاً زندگی نکردیم

## کوله‌اش زندگی کرده بود

آمنه اسماعیلی  
نویسنده

کوله امیرحسین را خالی می‌کردم که بشویمش و برای مهر آینده و ارسالی‌اش کنم. چند جایش را روی زمین کشیده و ساییده شده ولی هنوز قابل استفاده است. دلم می‌خواهد برایش یک کوله جدید بخرم ولی می‌دانم که باید این را بفهمد که بهتر است تا چیزی قابل استفاده است، به فکر خرید یکی دیگر نباشد...

خستگی کوله‌اش از درهایی که کمی کش آمده و آسترهایی که کمی کج شده‌اند، پیداست. جسمانم با دیدن خستگی و کثیفی کوله‌اش که حتماً خیلی پرت شده زیر میز یا گوشه حیاط و رفته پی فوتبال، برق زد. این روزها چقدر بوییدنی و بوسیدنی است که تابستان و پاییزش متفاوت است؛ جمعه و شنبه‌اش فرق دارد...

کرونا قواعد زیادی از زندگی ما را عوض کرد؛ یکی از آنها فراموشی طعم ترش و شیرین تابستان بود. تعطیلات معنای خاصی نداشت. مدرسه که آمد پشت گوشه‌ها و شیطنت‌ها از رونق افتاد و خانه‌ها از صبح تا شب هم پدر و مادر در خودش می‌دید و هم سر و صدای بچه‌ها را، خیلی روزهای خانه شبیه هم شد. وقتی کرونا را حتماً گذاشت هم رخ روزها عوض شد؛ درخشان‌تر از قبل حتی... انگار کرونا از تمام ریه‌هایی که بیمار کرده بود نفس گرفت و فوت کرد روی روزهایی که باقی مانده بود و نشانمان داد که روزهای عادی آنقدرها هم خاکستری نیست و تکرارها خیلی هم دست‌داشتنی‌اند.

صدایش زدم. گفتم امیرحسین بیا کوله امسال و سال گذشته‌ها را با هم مقایسه کنیم. خیره و متعجب نگاهم می‌کرد. گفت: «مقایسه؟ این که همان کوله پارسال من است.»

گفتم: «فکر نکنم این همان کوله باشد؛ کوله پارسال تو گوشه خانه بود. مدرسه نرفته بود، کلاس ندیده بود، دیده بود؟ این همه تجربه‌ای که کیف تو امسال دارد پارسال نداشت. امسال خیلی قشنگ‌تر است.»

کمی نگاهم کرد و گفت: «کیف پارسال نوتر بود... نبود؟ رنگ هایش قشنگ‌تر نبود؟»

گفتم: «من این کیف خسته و کثیف را قشنگ‌تر می‌بینم امیرحسین! در باد و باران و برف و آفتاب روی دوشت بود. از خانه بیرون آمد و دبستان را دید. فوتبال بازی کردن و یاد گرفتن و مشق نوشتن‌ها و دوستی‌ها را دید. این رنگ و رو رفتگی به نظر من بیشتر رنگ زندگی و زنده بودن دارد. آدم زنده حرکت می‌کند، تجربه می‌کند. کرونا که آمد خیلی همه چیز غم‌انگیز و بی حرکت شد. یادت هست؟»

سرخش را بالا گرفت و گفت: «کاش اصلاً همه آن روزها یادمان بیرون مامان! حتی خانه مادر بزرگ‌هایمان هم نمی‌توانستیم برویم. پارک نمی‌رفتیم. مامان! یادت هست که خیلی خیلی وقت بود که حتی سرسره نمی‌توانستیم سوار شویم؟»

گفتم: «اتفاقاً من دوست دارم همیشه یادمان بماند امیرحسین! کرونا به من یاد داد که کفش و کیف‌هایی که نو می‌ماند، زندگی نکردن ما را به ما یادآوری می‌کند.»

می‌دانستم اگر بیش از این منبر بروم حوصله‌اش را سر می‌برم. از جایش بلند شد و به برادرش گفت: «امیرحسین! کیف نو به نظر قشنگ‌تر است یا کیف کهنه؟» او هم عاقل‌اندر سفیه نگاهش کرد و گفت: «کیف پاره اصلاً قشنگه...»

امیرحسین گفت: «آفرین! کیف پاره... بیا برایت بگویم چرا کیف‌های کهنه قشنگ‌ترند... تو کوچک بودی... یادت نیست، من یاد هست ولی که کرونا چقدر بد بود...»

رو کرد به من و گفت: «مامان! این امیرحسین حرف‌های بزرگ‌ترها مثل من و شما را می‌فهمد؟»

با چشم و لب‌هایی که خنده‌اش را به زور نگه داشته بود، تأیید کردم که برادرش حرفش را می‌فهمد.



گفتم: «فکر نکنم این همان کوله باشد؛ کوله پارسال تو گوشه خانه بود. مدرسه نرفته بود، کلاس ندیده بود، دیده بود؟ این همه تجربه‌ای که کیف تو امسال دارد پارسال نداشت. امسال خیلی قشنگ‌تر است.»

## راز مرگ ورساچه

احتمالاً چندین برابر طراحی‌های اصلی برند ورساچه، لوگوی این برند معروف روی روسری، کیف، مانتو و کفش‌های ایرانی استفاده شده است. حتی اگر کسی در ایران این برند را نشناسد، قطعاً لوگوی آن را دیده است، اما این برند معروف ایتالیایی، علاوه بر محبوب بودن در بین بسیاری از سلبریتی‌های خارجی و قیمت بالای محصولات آن، یک ویژگی مهم دیگر هم دارد.

یک راز که برای همیشه در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. چینی ورساچه در ۲۶ سالگی و در سال ۱۹۷۸ و با افتتاح بوتیکی به نام ورساچه در شهر میلان ایتالیا، برند خود را خلق کرد.

جیانی با راه‌اندازی بوتیک مستقل خودش به سرعت در صحنه بین‌المللی مد شناخته شد. همزمان با افتتاح بوتیک میلان، خواهرش دوناتلا و برادر بزرگتر جیانی به نام سانتو نیز به او پیوستند و خیلی زود یک امپراطوری مد به سبک و سیاق خودشان ایجاد کردند. اما روزگار با جیانی سر سازگاری نداشت و در سن ۵۰ سالگی به دست یک قاتل سریالی به ضرب گلوله کشته شد. هشت روز بعد از قتل جیانی، قاتل نیز دست به خودکشی زد و علت قتل ورساچه برای همیشه به عنوان یک راز باقی ماند.

مسیر برند ورساچه بعد از جیانی به دلیل اختلافات دوناتلا و سانتیو تغییرات زیادی کرد. در فیلم «خانه ورساچه» که به کارگردانی سارا شوگارمن در سال ۲۰۱۳ ساخته شد، زندگی خاندان ورساچه و بویزه دوناتلا به تصویر کشیده شده است.

## یک تیر و دو نشان

طراحی لباس یعنی ترکیب خلاقیت و مهارت. یکی از بهترین راه‌های آشنا شدن با این حرفه و الهام گرفتن از طراحان مد، آشنا شدن با زندگی آنها و چالش‌هایی است که در مسیر تبدیل شدن به یک طراح لباس معروف داشته‌اند، اما حتی اگر زندگی این طراحان لباس مشهور برایتان جذاب نباشد، با تماشای این فیلم‌ها قطعاً از تماشای یک فیلم بیوگرافی خوب لذت خواهید برد.

نوشین تقیانی  
نویسنده

دوران نوجوانی من در دهه ۷۰ گذشت. آن روزها وقتی به عروسی یکی از نزدیکان دعوت می‌شدیم، اولین دغدغه این بود که حالا چی بپوشیم؟ تعداد مزون‌های لباس مجلسی مثل امروز زیاد نبود، مخصوصاً در شهرستان.

اولین قدم این بود که چند روزی به دنبال پارچه می‌گشتم تا پارچه‌ای را که می‌خواستیم، پیدا کنیم. مرحله دوم روانه شدن به سمت خانه خیاط محله بود. در واقع خیاط هر محله به نوعی طراح لباس یا همان فشن دیزاینر خانم‌های آن منطقه به حساب می‌آمد. نگاهی به پارچه می‌کرد و نگاهی به اندام ما و مدل لباس را تعیین می‌کرد. خبری از مدل‌های اینترنتی نبود.

تا آماده شدن لباس باید چند باری به خیاطی می‌رفتیم و لباس نیمه‌آماده را پرو می‌کردیم تا بالاخره روز تحویل فرا می‌رسید. انتظار شیرینی که معمولاً همزمان با روز مراسم عروسی به پایان می‌رسید.

شنل می‌شناسد. ریشه برند شنل، از دوران کودکی غم‌انگیز طراح آن سرچشمه می‌گیرد. کوکو شنل در کودکی مرگ زودرس مادر، رها شدن توسط پدرش هنری آلبرت شنل و سال‌ها زندگی در صومعه را تجربه کرد. در این صومعه او با زنانی زندگی می‌کرد که فقط لباس‌های سیاه و سفید می‌پوشیدند. اما دقیقاً اینجا بود که گابریل تبدیل به شنل شد، با مشاهده تضاد رنگ‌ها و خطوط صاف. خطوطی که در نهایت به ویژگی متمایز طرح‌های او تبدیل شدند. شاید به دلیل همین زندگی پر فراز و نشیب است که کارگردان‌ها توجه بیشتری به شنل داشته‌اند. فیلم Chanel Solitaire یک درام تاریخی بریتانیایی-فرانسوی-آمریکایی محصول سال ۱۹۸۱ به کارگردانی جورج کازندر است. در این فیلم بیشتر به رابطه شنل با اتین دو بالسان و بعد از آن رابطه عاشقانه طوفانی‌اش با بوی کیل و نقشی که این دو مرد در معرفی و پیشرفت او به عنوان یک زن تاجر مستقل ایفا کردند، می‌پردازد. فیلم معروف دیگری که درباره کوکو شنل ساخته شده، کوکو قبل از شنل (Coco before Chanel)، به کارگردانی آن فونتن است که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد و بر اساس رمان «شنل و دنیایش» ساخته شده است.

## قتل در خانه کوچی

اگر اهل پیگیری اخبار باشید حتماً نام لیدی گاگا، خواننده معروف آمریکایی را در مراسم تحلیف جو بایدن در سال ۲۰۲۱ شنیده‌اید. اما لیدی گاگا علاوه بر اینکه یک خواننده مشهور است، بازیگر خوبی هم به حساب می‌آید. در فیلم «خانه کوچی» که در سال ۲۰۲۱ اکران شد، لیدی گاگا نقش همسر مائوریترز کوچی را بازی کرده است. این فیلم درباره خاندان کوچی و رابطه عاشقانه مائوریترز کوچی و پاتریسیا راجانی است که در نهایت منجر به قتل کوچی می‌شود.

یکی دیگر از نقاط قوت این فیلم، بازی آل پاچینو در نقش آلدو کوچی است. فیلم در واقع بر اساس رمان «خانه کوچی: داستانی شورانگیز از قتل، دیوانگی، فریبندگی، و طمع» نوشته سارا گی فوردن است و در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است.

## داستان زندگی طراحان لباس معروف

## گذرا از خیاط‌های محله

## به مزون‌هایی با لباس‌های چند صد میلیونی



کم‌کم تعداد مزون‌ها بیشتر شد و تمایل ما به راحت‌تر و سریع‌تر انجام دادن کارها باعث شد کمتر سراغ خرید پارچه و خیاط برویم. گرچه مدل و کیفیت دوخت لباس‌ها بهتر شد، ولی اتفاق عجیبی نبود اگر در مراسم می‌دیدیم که لباس مان با لباس یک یا حتی چند نفر از میهمان‌ها مثل هم است. لزوماً هم از یک مزون یا حتی از یک شهر نخریده بودیم. طراحی لباس در ایران مسأله متداول و معمولی نیست. شاید چهار-پنج سال بیشتر نباشد که ما نام این شغل را در مکالمات روزمره مردم می‌شنویم. طراحی لباس در ایران بیشتر مختص جامعه هنری است. حتی در سال‌های اخیر که به عنوان شغل رواج بیشتری پیدا کرده، مختص طبقه بالای جامعه است.

ولی در اروپا و آمریکا این طور نبوده و نیست. طراحی لباس قدمت تاریخی زیادی دارد. غیر از بحث طراحی لباس برای فیلم و تئاتر که یک رشته تخصصی به حساب می‌آید، طراحان لباس معروفی در دنیا هستند که در واقع جریان مد را هدایت می‌کنند. نام خیلی از آنها را روی اجناس تقلبی و فیکه که در بازار به وفور پیدا می‌شود، دیده‌ایم، مانند دولچه و گابانا، ورساچه و کوچی. صاحبان این برندها علاوه بر شهرتی که در دنیای مد و هنر دارند، دارای ثروت‌های افسانه‌ای نیز هستند، ولی رسیدن به این شهرت و ثروت، سال‌های زیادی زمان برده است. برخی از طراح‌هایی که امروز شاهد فعالیت آنها هستیم، در واقع ادامه دهنده یک شغل خانوادگی هستند و برخی خود آغازگر این کار بوده‌اند. دانستن داستان زندگی طراحان لباس معروف می‌تواند هم جذاب و هم الهام‌بخش باشد. در این یادداشت سراغ معرفی فیلم‌هایی رفته‌ایم که در این زمینه ساخته شده‌اند، یعنی بیوگرافی طراحان لباس معروف جهان.

## کودکی غم‌انگیز کوکو شنل

احتمالاً بیشتر ما نام کوکو شنل را بیشتر از یک طراح لباس، به عنوان نام یک عطر شنیده‌ایم. در ۱۹ آگوست سال ۱۸۸۳ دختری به نام گابریل بونهور شنل متولد شد که امروز جهان او را با نام کوکو



در فیلم «خانه کوچی» که در سال ۲۰۲۱ اکران شد، لیدی گاگا نقش همسر مائوریترز کوچی را بازی کرده است. این فیلم درباره خاندان کوچی و رابطه عاشقانه مائوریترز کوچی و پاتریسیا راجانی است که در نهایت منجر به قتل کوچی می‌شود







# طبیعت را به خانه بیاورید

## اهمیت نگهداری گیاهان آپارتمانی

نسرین تقی‌خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

در اتاق خواب، باعث بهبود کیفیت خواب شده و آرامش افراد را در شب افزایش می‌دهد. به طور کلی، نگهداری گیاهان در آپارتمان دشوار نیست. کافی است تا شرایط اولیه برای رشد گیاه حتی در فضای بسته فراهم شود تا گیاه به خوبی رشد کند و تأثیرات خودش را به محیط و فرد القا کند.

انتخاب گیاه مناسب اولین قدم برای رسیدگی به گیاه است. گیاه باید متناسب با سبب اتاق و فضای مورد نظر باشد. اگر فضا کم است، گیاه کوچکتر مناسب است. به این ترتیب رسیدگی و فراهم کردن شرایط محیطی مناسب برای گیاه هم آسان‌تر خواهد بود. اگر فضای بزرگ در اختیار باشد، می‌توان از گیاهان پر شاخ و برگ و بزرگتر استفاده کرد.

توجه به نور، از اصلی‌ترین شرایط محیطی لازم برای گیاه است. گیاه برای رشد به نور نیاز دارد. پس میزان نور محیط خانه یا کار را بسنجید و مطابق با آن گیاه انتخاب کنید. اگر محیط شما نورگیری خوبی ندارد، می‌توانید از گیاهانی استفاده کنید که نیاز نوری پایین‌تری دارند؛ گیاهانی از قبیل دراسنا، نخل شامادورا، نخل مرداب، سانسوریا، برگ انجیری، کالاتیا، انواع مارانتا، انواع سرخس‌ها، قاشقی، پنوس، اسپاتی فیلوم، زاموفیلیا و... در نور کم هم می‌توانند به رشد و زندگی خود ادامه دهند.

بعد از نور، شاید آب و نحوه آبیاری مهمترین عامل بقای گیاه باشد. گیاه نباید تشنه بماند و نباید با وجود خاک مرطوب، آبیاری شود. زمان مناسب آبیاری برای انواع گیاهان، زمانی است که خاک تا حدود یک بند انگشت از سطح ابتدایی خشک باشد. البته این زمان با توجه به نیاز آبی گیاه و اینکه گیاه در چه مرحله رشدی قرار دارد و همچنین دمای هوا، متغیر است. نکته مهم در آبیاری این است که آبیاری باید تا زمانی انجام شود که آب از انتهای گلدان خارج شود. بهتر است گیاهان با آب جوشیده و یا بدون کلر آبیاری شوند. خاک مناسب برای گیاهان متفاوت و به خاستگاه آنها برمی‌گردد. به طور کلی ترکیب خاک باغچه، کوکوپیت، پرلیت برای گیاهان آپارتمانی مناسب است. ترکیبات خاک اگر همراه با پیت‌ماس و کمپوست باشد، می‌تواند مواد غذایی لازم برای گیاه را هم فراهم کند.

بیشتر گیاهان رطوبت را دوست دارند. برای تأمین رطوبت می‌توان در ادارات و یا فضای خانه از دستگاه بخور استفاده کرد. ساده‌ترین راه تأمین رطوبت در فضای بسته، قراردادن ظرف آب در کنار گیاهان است. با اسپری آب روی گیاه هم، گیاه می‌تواند رطوبت حداقلی را به دست بیاورد.

امروزه علاقه به گیاهان، نگهداری و رسیدگی به آنها از موضوعات رایج بین مردم است. گیاهان علاوه بر زیبا کردن خانه، محیط‌های کاری و ادارات می‌توانند تأثیرات زیادی بر زندگی انسان‌ها داشته باشند. گیاهان بهترین میزان رشد، زیبایی و حتی تأثیرگذاری را در فضای باز دارند اما تحقیق‌های اخیر نشان می‌دهد که گیاهان در صورت داشتن شرایط محیطی لازم برای رشد در فضای بسته، می‌توانند اثرات مثبتی بر زندگی انسان‌ها داشته باشند. گیاهان می‌توانند هوای فضای بسته را تصفیه کنند. گیاهان با فیلتر کردن هوا از مواد شیمیایی خصوصاً در محیط‌های نزدیک خیابان یا نزدیک کارخانجات، هوای تمیز را برای استنشاق آماده می‌کنند. وجود ترکیبات آلی فرار باعث تهوع، سرگیجه و دیگر مشکلات سلامتی می‌شود و وجود گیاهان باعث حذف این آلودگی‌ها و بهبود کیفیت هوای تنفسی می‌شود.

در محیط‌های کاری و ادارات، تنفس افراد باعث بالا رفتن میزان دی‌اکسید کربن می‌شود. این مورد باعث ایجاد بی‌حالی و رخوت شده و بازدهی کارمندان را کاهش می‌دهد. گیاهان از طریق فتوسنتز و جذب دی‌اکسید کربن و تولید اکسیژن در فضای بسته، باعث تقویت مغز و عصب‌ها شده و سردردهای ناشی از کمبود اکسیژن را از بین می‌برند. وجود گیاه در فضای بسته باعث بالا رفتن تمرکز و توجه شده و افزایش بهره‌وری ما در زندگی روزمره را به ارمغان می‌آورد. مشاهده برگ و گل‌های گیاهان باعث کاهش استرس و تقویت تمرکز و به طور کلی شادی و بالا رفتن روحیه افراد می‌شود.

مطالعاتی که روی بیماران بیمارستانی انجام شده است، نشان می‌دهد بیماران که پنجره اتاقشان رو به باغ، درخت و گیاه قرار دارد یا در اتاقشان گیاه نگهداری می‌شود، سرعت درمان و بهبود حالشان بالا رفته و این کار تأثیر مثبتی روی روان و روحیه آنها دارد.

به طور کلی، مراقبت از گیاهان مانند مراقبت از حیوانات می‌تواند با این بین بردن حس تنهایی افراد، افسردگی، اضطراب و بی‌حوصلگی را کاهش داده و با ایجاد هدف مثبت، سلامت روان افراد را بهبود بخشد.

گیاهان به طور کلی باعث تأثیرات مثبت روی سلامت ذهن و روح افراد می‌شوند. بعضی از گیاهان خواص ویژه‌ای دارند که به افراد کمک شایانی می‌کند. مثلاً گیاه اکالیپتوس با عطر و بویی که دارد، می‌تواند به برطرف کردن خلط گلو و آبریزش بینی ناشی از سرماخوردگی یا آلرژی کمک کند. گیاه زبربا در طول شب اکسیژن آزاد می‌کند. حضور این گیاه



در باب اسباب‌کشی و زندگی مستأجری

## آسایش را با قانون ۳ ماه و ۶ ماه به خودت هدیه بده

اناز موسوی یکتا

نویسنده

حقیقتش را بخواهید من آدم راحتی هستم. یعنی زیاد درگیر ظواهر زندگی نیستم. آسایش را به داشتن لوازم لوکس و غیرضروری برای زیبایی ترجیح می‌دهم البته اینکه مستأجر هستیم و هر سال با عنایت ویژه صاحبخانه‌ها در حال جابه‌جایی از این سر به آن سر شهر هم بی‌تأثیر نیست.

اول ازدواج، پدرم که معتقد بود باید از هر وسیله‌ای چند تا درجه‌ی داشته باشم به قدری لوازم برایم خرید که در خانه ۷۰ متری جایی برای حضور خودم و تازه‌داماد نبود. بعد از اضافه شدن فرزند، پدرم راه چاره‌ی راه را در مورد خرید لوازم به اصطلاح سیسمونی برای تنها نوه‌اش پیش گرفت. اضافه‌ی پدر و والدین خودم، پدر و مادر همسر هم در این تجهیز لوازم برای نوه اولشان کم نگذاشتند. در این بین من ماندم و خانه‌ای که برایم هیچ آرامشی نداشت.

هر قسمتی را که نگاه می‌کردم وسایلی بود که هیچ استفاده‌ای برایم نداشت جز اینکه به زحمتم برای نظافت می‌افزود.

با پا گرفتن فرزند و به بهانه در خطر بودن جانش با همکاری همسر که او هم حال خوبی با این وضع نداشت تعداد زیادی از لوازم دکوری را جمع‌آوری کرده و در انبار گذاشتیم.

در این خیال خوش بودیم که دیگر راحت شدیم، اما زهی خیال باطل.

گفتم که مستأجر بودیم و غول اسباب‌کشی زودتر از آنچه فکرش را می‌کردیم بالا سر زندگی مان نشست.

ما مانده بودیم و وسیله‌هایی که چیزی جز زحمت جابه‌جایی هر سال برامان نداشت. به هر سختی بود اولین تغییر مکان را انجام دادیم و از بخت خوبان خانه تازه انباری بزرگی داشت که توانستیم باز هم وسایلی را که برامان جز زحمت نبود آنجا جا بدهیم. دو سال بعد وقتی که غول مستأجری باز هم بر سر ما سایه افکند دیدیم که نمی‌توانیم اینگونه ادامه دهیم. لذا قانون ۳ ماه تا ۶ ماه را اجرا کردیم.

در این قانون که اختراع خودمان بود لوازمی را که ۳ ماه داخل خانه استفاده نمی‌شد به انباری انتقال می‌دادیم و لوازمی را که ۶ ماه در انبار می‌ماند به بیرون از منزل هدایت می‌کردیم.

برای این لوازمی که باید به‌طور کلی از زندگی مان حذف می‌شد چند راهکار گذاشتیم: اول فروش لوازم غیرضروری و تهیه لوازم ضروری با مبلغ به‌دست آمده بود.

راه دوم بخشیدن آن لوازم به افرادی که به طور واقع به آنها نیاز داشتند.

راه سوم هم سپردن آن به انبار خانه پدری بود تا زمانی که خانه‌دار شویم.

یادش بخیر تعداد زیادی از ظروف پذیرایی مناسب میهمانی‌های فاخر و لوازم بلور بوفه‌ای را به عروسی در سیستان فروختم که توانایی خرید آن لوازم به قیمت نورا نداشت اما با رسم‌های پوسیده و دست و پاگیر مجبور به تهیه بود. با پولش هم میز تحریر کوچکی برای لوازم و چند گلدان دوست داشتنی خریدم.

در نقل مکان بعدی که حالا فرزندانم دوتا شده بودند نیاز اساسی به خلوتی اطرافم داشتم و این نیاز نه تنها از مترز کوچک خانم هم برمی‌خاست بلکه شیطنت فرزند جدید هم مزید بر علت شده بود. از این‌رو تمامی لوازم منزل را به اندازه نیاز یک خانواده ۴ نفره ۸۱ میهمان در نظر گرفتم، مابقی را کارتن بیچ کرده و به انبار خانه پدری سپردم. این کارتن بیچ کردن فقط منوط به لوازم آشپزخانه نبود، کتاب‌های خوانده شده، چمدان‌های بزرگ، اسباب بازی‌های بلااستفاده، لوازم برقی بی‌مصرف و... را نیز به انبار امانتی پدر سپردم.

حالا در آخرین جابه‌جایی که اتفاقاً همین چند روز گذشته پشت سر گذاشتم رهایی را به معنای واقعی درک کردم.

تمام زمانی که از من گرفته شد برای جمع کردن خانه قدیم و پهن کردن در خانه جدید ۶۹ ساعت طول کشید چیزی کمتر از سه روز و با کمترین خستگی برای اهل خانه.

در نهایت چند توصیه برای فصل نقل و انتقال منازل.

لوازمتان را در خانه کهنه بشویید و با فراغ بال از شست‌وشو به خانه جدید بروید.

از لباس‌هایی که می‌خواهید در چمدان‌ها بگذارید برای بسته‌بندی ظروف استفاده کنید این کار باعث می‌شود تا حجم کمتری از کارتن برای جابه‌جایی داشته باشید و کاغذ و روزنامه کمتری باطل کنید.

بخشیده بودن صفت بسیار خوبی است. لوازم بی‌مصرفتان را ببخشید. لوازم غیرضروری‌تان را به لوازم ضروری تبدیل کنید یا فروش یا معاوضه.

از قانون ۳ ماه و ۶ ماه استفاده کنید و یا سبک خاص خودتان را در وضع یک قانون برای لوازم بی‌مصرف یا غیرضروری بیابید.

نگران حرف دیگران نباشید، میهمانی شما با ظروف فاخر سلطنتی و یا ظروف ساده برگزار خواهد شد. بگذارید افراد شما را با خلق نیک و روی گشاده در میهمان‌نوازی به یاد بیاورند نه ظروف گران‌قیمت و اسراف در پذیرایی.



نگران حرف دیگران نباشید، میهمانی شما با ظروف فاخر سلطنتی و یا ظروف ساده برگزار خواهد شد. بگذارید افراد شما را با خلق نیک و روی گشاده در میهمان‌نوازی به یاد بیاورند نه ظروف گران‌قیمت و اسراف در پذیرایی







# آموزش دسر سرد و خوشمزه با طعم ملون

# خلاق خوشمزه‌هایی از خاندان کدویان

فازنه صدیقی  
نویسنده

هر چقدر هوا گرم‌تر می‌شود انگار تمایل آدم‌ها به خوردن غذاهای سنگین کمتر شده و به دنبال خوردن خوراکی‌های سبک و خوشمزه‌ای هستند تا بتوانند این روزهای گرم را راحت‌تر بگذرانند. از جمله جذاب‌ترین این خوراکی‌ها با چنین ویژگی‌هایی می‌توان به انواع دسرهای متناسب با این روزها اشاره کرد. اگر

بخواهیم دسرهای محبوب روزهای گرم را نام ببریم، بعد از دسرهای یخی مثل بستنی، معمولاً کرم‌های میوه‌ای از بالاترین میزان محبوبیت برخوردار هستند. امروز تصمیم داریم کنار هم یک کرم از خانواده کدویان (ملون، گرمک، طالبی، دستنبو، جانا و...) که این روزها به وفور در دسترس هستند را یاد بگیریم و

درست کنیم تا از خوردن این دسر خوشمزه و جذاب غرق لذت شویم. نکته مثبت این آموزش آن است که با یاد گرفتن این کرم، شما می‌توانید بقیه اعضای این خانواده جذاب را هم جایگزین یکدیگر کرده و انواع مختلفی از این کرم‌های میوه‌ای راحت و خوشمزه را آماده کنید

و از خوردن آنها لذت ببرید. از جهت دیگر اگر شما هم مانند بسیاری از افراد در تشخیص اعضای این خانواده شلوغ و دوست‌داشتنی از همدیگر و گفتن اسم درست آنها دچار مشکل هستید و هنگام خرید با گفتن جمله «لطفاً یکی از اینها بدهید» کار را پیش می‌برید، باز هم می‌توانید با انتخاب چشمی

به نتیجه دلخواه خود برسید و یک کرم خوشمزه میوه‌ای از خاندان کدویان داشته باشید. البته دقت کنید هندوانه به دلیل داشتن بافت متفاوت در این دستور قابل استفاده نیست. پس امروز با من همراه باشید تا کنار هم طرز تهیه یک کرم ملون دلپذیر و خوشمزه را آموزش ببینیم.

## مواد لازم برای تهیه کرم ملون

ملون ..... دوپست گرم  
تخم مرغ ..... دو عدد (هم‌دمای محیط)  
پودر ژلاتین ..... دو قاشق چایخوری  
خامه قنادی ..... دوپست و پنجاه گرم  
شکر ..... شصت گرم  
شیر ..... صد گرم  
رنده پوست لیمو ..... یک قاشق چایخوری  
وانیل ..... یک‌هشتم قاشق چایخوری

## چند نکته در خصوص مواد اولیه

از عوامل موفقیت در اندازه‌گیری، عدم تبدیل واحدها و استفاده از ابزار گفته شده در دستور منبع است، پس از ترازوی آشپزخانه به جای پیمانه‌ها استفاده کنید تا بهترین و دقیق‌ترین نتیجه را بگیرید، اما اگر ترازو در دسترس ندارید برای اطلاع از نحوه صحیح استفاده از پیمانه‌های اندازه‌گیری، در اینترنت جست‌وجو راه تبدیل آنها به یکدیگر را بررسی کنید. در ضمن این نکته را بدانید که برای اندازه‌گیری مواد اولیه باید از پیمانه‌ها و قاشق‌های استاندارد شیرینی‌پزی استفاده کنید.

در این دسر به دلخواه می‌توانید از خامه شیرین شده قنادی که در لوازم قنادی فروشی‌ها به فروش می‌رسد استفاده کنید یا خامه صبحانه پاکتی صورتی

با استفاده از پودر خامه فرم بدهید. در این دستور بهتر است از شیر پرچرب استفاده کنید.

مقدار شکر برای میوه، با شیرینی متوسط در نظر گرفته شده است. از آنجایی که میزان شیرینی میوه‌ها متفاوت است، اگر میوه کم‌شیرین بود صد گرم شکر و اگر شیرین بود پنجاه گرم شکر بریزید. دقت کنید شکر در این دستور تنها نقش شیرین‌کنندگی ندارد و برای تشکیل بافت کرم به کار می‌رود، پس قابل حذف یا کم کردن بیش از ۱۰ گرم نیست.

همان‌طور که گفته شد، به جای ملون می‌توانید به همین میزان از طالبی، دستنبو، گرمک، جانا یا دیگر میوه‌های هم‌خانواده با آن استفاده کنید.



امروز تصمیم داریم کنار هم یک کرم از خانواده کدویان (ملون، گرمک، طالبی، دستنبو، جانا و...) که این روزها به وفور در دسترس هستند را یاد بگیریم و درست کنیم تا از خوردن این دسر خوشمزه و جذاب غرق لذت شویم

شروع زدن در فریزر بگذارید و زیر کاسه خامه یک کاسه پر از یخ قرار بدهید. مخلوط ملون و کرم را به خامه فرم گرفته اضافه کرده و با همزن دستی یا لیسک تا حدی هم بزنید که یکدست شود.

کرم را در قالب دلخواه بریزید و سطح آن را صاف کنید. قالب را یک شب تا صبح (هشت ساعت) در یخچال بگذارید و بعد کرم را از قالب خارج کنید. اگر جنس قالب سیلیکونی خوب نباشد ممکن است کرم به سختی از قالب خارج شود، در این صورت چهل دقیقه قالب را در فریزر بگذارید و بعد از قالب خارج کنید. بافت این کرم بسیار لطیف و اسفنجی است و طعم و عطر میوه ملون را دارد. این کرم چهار روز در یخچال و در ظرف در بسته قابلیت ماندگاری دارد. از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی‌تان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.

این کرم خلاف کرم‌هایی مانند کرم پاتیسیر، آرد و نشاسته ندارد و احتمال تکه‌ای شدن آن بیشتر است، پس یکسره بالای سرش باشید و آن را هم بزنید. وقتی کرم کمی غلیظ شد، لیسک یا قاشق چوبی را در کرم فرو کرده، یک دور هم بزنید و از کرم خارج کنید، زمانی که بدون ریختن، یک لایه از کرم روی قاشق یا لیسک بست، یعنی حاضر است.

حرارت را خاموش کنید. اکنون ژلاتین آماده شده را که کمی خنک شده است به مواد اضافه کنید و هم بزنید و در انتها وانیل را در کرم ریخته و همه را با هم مخلوط کنید. سطح کرم را با یک کیسه فریزر یا سلفون (محافظ غذا) ماساژ کنید و روی میز کار بگذارید تا به دمای محیط برسد.

وقتی کرم به دمای محیط رسید، ملون یا میوه جایگزین را در کاسه‌ای ریخته، پوست لیموترش تازه را بدون رنده کردن قسمت سفید زیر پوست رنده کرده و به ملون اضافه کنید. پوست لیمو برای تشدید طعم

آب یا در مایکروویو قرار دهید و گاهی هم بزنید تا یکدست و شفاف شود. این مخلوط را کنار بگذارید تا خنک شود.

اکنون تخم‌مرغ‌ها و شکر را در کاسه‌ای ریخته، با همزن دستی خوب بزنید تا یک درجه روشن و یکدست شود. برای این قسمت از همزن برقی استفاده نکنید.

شیر را در شیرجوش استیل یا تفلون ریخته، روی حرارت متوسط بگذارید تا گرم شود و دور آن حباب بزند. وقتی به این مرحله رسید، شیر را به مخلوط تخم‌مرغ و شکر اضافه کرده و همزمان با همزن دستی هم بزنید. با این روش مواد هم‌دمای شده و به تخم‌مرغ روی گاز شوک حرارتی وارد نمی‌شود و کرم فرم تکه‌ای پیدا نمی‌کند.

حالا کل مواد (مخلوط شیر، شکر و تخم‌مرغ) را به شیرجوش برگردانید و روی حرارت متوسط کم بگذارید و یکسره با همزن دستی آن را هم بزنید. دقت کنید

## مراحل آماده‌سازی کرم ملون

ابتدا قالب مورد نظر را انتخاب کنید. می‌توانید از قالب‌های سیلیکونی استفاده کنید تا موقع سرو بتوانید راحت‌تر دسر را از قالب خارج کنید. اگر قالب سیلیکونی ندارید، کف یک قالب (جنس قالب مهم نیست) با قطر هجده سانت را سلفون انداخته و کرم را در قالب بریزید و در پایان با کمک دسته‌های سلفون، دسر را از قالب خارج کنید یا ۶ عدد کاسه یا جام را آماده گذاشته، مواد را بین آنها تقسیم کنید و بدون برگرداندن در همان ظرف‌ها دسر را سرو کنید. ژلاتین را آماده کنید. برای این کار دو قاشق غذاخوری آب سرد را در کاسه‌ای بریزید و پودر ژلاتین را روی آن بپاشید تا به اصطلاح بشکفتد. بعد از پنج دقیقه ژلاتین آب را به خود جذب می‌کند و پفکی می‌شود (از زمان پاشیدن ژلاتین تا شکفتن، مواد را هم نزنید) بعد از پفی شدن، کاسه ژلاتین را روی بخار



# فناوری و رسانه

دهه ۳۰ میلادی بود که موضوع نگرانی از چیرگی فناوری و بمب اتمی به عنوان کشف جدید بشر از سوی دانشمندان مطرح شد؛ نگرانی که امروز با تسلط هوش مصنوعی بروز یافته است. اکتشافات علمی همواره برای بشر تکان دهنده بوده و بلند پروازی برای توسعه مرزهای دانش گاهی نگران کننده نیز بوده است. تا جایی که در تاریخ پیشرفت علم و تکنولوژی، نقطه‌های عطفی دیده می‌شود که دانشمندان خود از یافته‌هایشان واهمه داشته‌اند و به دیگران در خصوص تبعات آن هشدار داده‌اند. به دنبال این کشف بزرگ، به سرعت ترس در میان دانشمندان آلمانی شیوع پیدا کرد، دانشمندانی که از دستیابی هیترلر به این کشف بزرگ و ترسناک بیمناک بودند.

نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد

## از انفجار بمب اتمی تا هوش مصنوعی در دنیا

از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد.

از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد.

از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد.



داستان کشفیات و اختراعات تکان دهنده بشر هنوز خاتمه نیافته است، تا جایی که اخیراً مدیر ارشد اجرایی «آوپن آ. آی» استارت‌آپ سازنده چت جی پی تی در جلسه با پنل سنای آمریکا گفت: استفاده از هوش مصنوعی برای دخالت در انتخابات یکی از نگرانی‌های مهم و نیازمند قانونگذاری است

**همه دانشمندان نگرانند**  
در عین حال پیرو اتفاقات پیرامون هوش مصنوعی، هزار و ۱۰۰ نفر از نخبگان حوزه فناوری دنیا در نامه‌ای سرگشاده نگرانی خود را از قدرت گرفتن خارج از کنترل هوش مصنوعی اعلام کردند. در نامه‌ای که نخبگانی از جمله استیو ورنیک و بنیانگذار اپل، ایلان ماسک مالک تویتر، ایوان شارپ مؤسس پینترست، کریس لارسن از بنیانگذاران ریپل و ژان تالین بنیانگذار اسکایپ امضا کرده‌اند و در سایت مؤسسه Future of Life منتشر شده، آمده است: «ما از همه آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی می‌خواهیم که بلافاصله آموزش سیستم‌های هوش مصنوعی قدرتمندتر از GPT-4 را حداقل به مدت شش ماه متوقف کنند.

سیستم‌های هوش مصنوعی با هوش رقابتی انسان می‌توانند خطرات عمیقی را برای جامعه و بشریت ایجاد کنند، همانطور که تحقیقات گسترده نشان داده است و آزمایشگاه‌های برتر هوش مصنوعی نیز تأیید کرده‌اند. بیان شده هوش مصنوعی پیشرفته می‌تواند نشان دهنده یک تغییر عمیق در تاریخ حیات روی زمین باشد و باید برای آن برنامه‌ریزی و با دقت و منابع متناسب مدیریت شود. متأسفانه، این سطح از برنامه‌ریزی و مدیریت اتفاق نمی‌افتد؛ در مقابل در ماه‌های اخیر آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی در رقابتی خارج از کنترل برای توسعه و استقرار ذهن‌های دیجیتال قدرتمندتر که هیچ‌کس حتی سازندگان آنها نمی‌توانند آن را درک کنند، قفل شده‌اند.» حرص بشر برای قدرت‌گیری از مسیر دانش و فناوری مانع از آن بوده که یافته‌های خود را حتی اگر خطرناک بوده باشد کنار بگذارد؛ اما این بار داستان کمی پیچیده است و هوش مصنوعی نه یک جغرافیای خاص بلکه تمدن بشر روی کره زمین را نشانه گرفته است.

چه اندازه در ساخت بمب اتمی مصمم است اما یک چیز با قطعیت مشخص بود و آن اینکه در صورتی که هیترلر به این سلاح دست می‌یافت، برنده جنگ جهانی دوم می‌شد. نامه انیشتین و همکارانش به روزولت راه را برای شکل‌گیری یک پروژه نظامی بسیار بزرگ و مهم که بر هر مأموریت دیگری ارجحیت داشت و بسیار سری بود باز کرد. حرف‌های انیشتین و دیگر فیزیکدانان همراهش در نامه هشداردهنده به رئیس‌جمهور ایالات متحده بود که باعث شکل‌گیری پروژه منتهن شد. این تحقیقات که به رهبری یک فیزیکدان هسته‌ای برجسته به نام رابرت اوپنهاইمر آغاز شد در آزمایشگاه لوس آلاموس انجام گرفت و به تولید اولین سلاح‌های هسته‌ای کاربردی منتهی شد. این پروژه توسط ایالات متحده و با اطلاع و پشتیبانی بریتانیا و کانادا انجام شده و اولین سلاح هسته‌ای که در نتیجه این پروژه منفجر شد، بمبی بود که در جولای ۱۹۴۵ و به دنبال تسلیم شدن آلمان در یک منطقه آزمایشی در نیومکزیکو آزمایش شد. تنها چند ماه بعد از بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناگاساکی استفاده شد که تسلیم سریع امپراتوری ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم را در پی داشت. از لحاظ نظامی، پروژه منتهن یک پروژه موفقیت‌آمیز بود که در جریان آن دکتر اوپنهاইمر موفق به آزمایش و تولید اولین بمب هسته‌ای شد که در پایان دادن به جنگ جهانی دوم نقش مهمی داشت. اما انیشتین بعدها در این باره چنین نوشت: «اگر می‌دانستم آلمان‌ها در تولید بمب اتمی موفق نمی‌شدند، انگشتم را تکان نمی‌دادم [در مورد هشدار به آمریکایی‌ها کوچک‌ترین اقدامی نمی‌کردم]». اما چنان که تاریخ گواهی می‌دهد هر چند آلمانی‌ها از بمب اتمی استفاده نکردند اما بسیاری از کشورها به سمت و سوی دستیابی به آن متمایل شدند.

### تکرار هشدار از انفجار یک فناوری

داستان کشفیات و اختراعات تکان دهنده بشر هنوز خاتمه نیافته است، تا جایی که اخیراً مدیر ارشد اجرایی «آوپن آ. آی» استارت‌آپ سازنده چت جی پی تی در جلسه با پنل سنای آمریکا گفت: استفاده از هوش مصنوعی برای دخالت در انتخابات یکی از نگرانی‌های مهم و نیازمند قانونگذاری است. رویترز نقل می‌کند که سم آلتمن مدیر ارشد اجرایی شرکت دربار انتخابات و هوش مصنوعی گفته است: من در این خصوص نگران هستم و در این زمینه قوانین و دستورالعمل‌هایی مورد نیاز است.

### آخطاری که انیشتین از طرح آن پیشیمان شد

از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد.

از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد. از این روزها نگرانی‌ها از چیرگی فناوری بر بشر ادامه دارد.

یادداشت

## باز هم تیری بر اینترنت

ونوس بهنود

دبیر تحریریه

vbehnood@gmail.com

آیا در زمان برگزاری کنکور، تقلبی صورت می‌گیرد که باید اینترنت قطع شود؟ زمانی که مسئولان برگزاری کنکور از قطعی اینترنت در زمان برگزاری آزمون می‌گویند، فقط این سؤال به ذهن‌خطور می‌کند و پاسخ آن نیز مثبت است.

دهه‌شصتی‌ها خوب به خاطر دارند که وقتی بر سر جلسه کنکور حاضر شدند، گوشی هوشمندی در کار نبود و یا اینکه به حدی مأخوذ به شرم و مقید به قوانین بودند که اگر گوشی همراهی نیز داشتند، جرأت نداشتند سر جلسه به همراه داشته باشند. سرعت تکنولوژی به حدی بالا بود که به قول یکی از نویسندگان گوگل به خانه لوله‌کشی کرد و تارهای وب نیز همه را بلعید، تا جایی که کنکور برای دهه‌شصتی‌ها حتی در ۱۴۰۲ هم در دسترس است و باید عواقب قطعی اینترنت را شده در روزهای برگزاری آن متحمل شوند.

اما ادبیات مسئولان در قطع اینترنت که چند سالی است عادی شده و در نزدیکی کنکور به عنوان مهم‌ترین رقابت علمی کشور شنیده می‌شود، گویای استراتژی‌های دم‌دستی برای کنترل اصل ماجرا است. در واقع هیچ داوطلب کنکوری از برگزاری این آزمون، قواعد و مقررات و نحوه برگزاری رضایت ندارد و هیچ داوطلبی نیز تصور نمی‌کند در این رقابت عدالتی در حق او روا شده مگر اینکه رتبه نخست را کسب کرده باشد.

حتی اگر مسئولان بگویند اینترنت را برای جلوگیری از تخلفات و ایجاد عدالت آموزشی و برقراری آرامش در جلسه کنکور قطع می‌کنند، هیچ داوطلبی باور به این موضوع ندارد و داوطلبان می‌گویند این آزمون از اساس باید بازنگری شود تا بتواند عادلانه باشد، نه اینکه در مرحله برگزاری با قطعی اینترنت به رقابتی عادلانه تبدیل شود. اما استراتژی دم‌دستی برای مهار بحران که چند سالی است در مورد کنکور هم شنیده می‌شود، فشردن دکمه اینترنت است که این بار نیز در تیرماه قرار است بر سر آن فرود آید.

باید از مسئولان برگزاری پرسید، آیا نظارت و بازرسی داوطلبان به حدی ضعیف است که داوطلب می‌تواند گوشی هوشمند به جلسه انتقال دهد و یا اینکه ناظران آزمون نمی‌توانند داوطلبان را برای استفاده از گوشی همراه کنترل کنند؟ قطعی اینترنت یکی از ساده‌ترین راهکارها برای نجات از بحران به نظر می‌رسد آن هم در حالی که عملاً کارساز نبوده و بعد از کنکور همیشه اخباری از تخلفات به گوش می‌رسد.

دهه‌شصتی‌ها خوب به خاطر دارند که وقتی بر سر جلسه کنکور حاضر شدند، گوشی هوشمندی در کار نبود و یا اینکه به حدی مأخوذ به شرم و مقید به قوانین بودند که اگر گوشی همراهی نیز داشتند، جرأت نداشتند سر جلسه به همراه داشته باشند





در بانکداری دیجیتال نقطه تماس مشتری با بانک جابه‌جا می‌شود. در این شیوه از ابتدای مسیر، بانک همراه مشتری است بنابراین، هدف در اینجا دستیار مالی شدن برای مشتری است



در گفت‌وگو با «ایران جمعه» مطرح شد؛

## تحقق فراگیری مالی با دسترسی خدمات دیجیتالی بانکها

در وضعیتی که بانکداری سنتی تغییر رویه داده و به سمت دیجیتالی شدن گام برمی‌دارد، همچنان موانعی در تحقق این مهم از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. شروع تغییرات در بانکداری سنتی از بانکداری الکترونیکی آغاز شد. برخی خدمات به صورت الکترونیک ارائه می‌شد و البته دریافت و بهره‌مندی از آن به واسطه سواد و توان علمی کاربر گرفته تا دسترسی به زیرساخت‌ها با موانعی همراه بود. اما پیشرفت بانکداری به این بسنده نکرده است و با افزایش کانال‌های دیجیتالی و متمرکز کردن سیستم‌های بانکداری و توسعه محصولات دیجیتالی مثل کیف پول به سمت ایجاد تجربه متمایز برای مشتری رفت. در نسل فعلی که بانکها در مرحله تحول دیجیتالی هستند، تمرکز بر مشتریان و راهکارهای شخصی‌سازی شده، امکان تحلیل‌های پیشگویانه در سطح یک مشتری با استفاده از بیگ دیتا و هوش مصنوعی، فرارفتن از ارائه خدمات مالی به دستیار مالی بودن و اتکا به اکوسیستم‌های دیجیتالی را شامل می‌شود. بانکداری دیجیتالی، تغییر در رویکرد بانکداری سنتی با هدف تغییر سبک زندگی است. این مسیر و گذار، تغییر در تفکرات و فرایندها را به همراه دارد. در این شیوه ارائه خدمات بیشتر مشتری محور است تا محصول محور. برای تحقق این هدف، تحلیل داده‌ها، استفاده از هوش مصنوعی، همکاری و مشارکت با کسب‌وکارها همه کمک‌کننده است. فضای رقابت نیز بر پایه همکاری و مشارکت کسب‌وکارها، بانکها و در اختیار قرار دادن سرویس‌ها و داده‌هایی است که برای خلق ارزش به کار گرفته می‌شود. در اغلب موارد، بانکداری دیجیتالی با بانکداری الکترونیکی مترادف و هم‌راستا در نظر گرفته می‌شود.

### فراگیری مالی به منزله عدالت در دسترسی به امکانات است

مالک محصول تیم زیرساخت بانکداری دیجیتال داتین معتقد است ما در کشور به فراگیری مالی نیاز داریم. فراگیری مالی به معنای دسترسی آسان و عادلانه همه اقشار جامعه فارغ از میزان درآمد، جایگاه اجتماعی و محل زندگی، به تمامی خدمات مالی مانند سپرده بانکی، اعتبار، بیمه، سرمایه‌گذاری و... است؛ موضوعی که از حدود ۱۰ سال قبل مورد توجه بانک جهانی قرار گرفت و باعث شد یکی از سیاست‌های اصلی بیشتر کشورهای دنیا، مبارزه با فقر و کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه شود. به گفته ملکیان معیارهای سنجش فراگیری مالی را می‌توان به چهار بخش سپرده



بانکی، اعتبار و وام‌دهی، بیمه و سرمایه‌گذاری تقسیم کرد که ما از سال ۱۴۰۰ با هدف ارائه خدمات بهتر و با کیفیت‌تر به تمام مردم ایران و افزایش رفاه مادی آنها، استراتژی خود را توسعه «فراگیری مالی» قرار دادیم تا از این طریق، نقشی در توسعه پایدار اقتصادی کشور داشته باشیم و بتوانیم برای بهتر شدن صنعت مالی کشور، قدم‌های بزرگتر و پویاتری برداریم. داتین با توسعه محصول و پیاد به‌عنوان بانک دیجیتال و سرمایه‌گذاری در محصول بلوط به عنوان کلک دیجیتال در مسیر فراگیری مالی بین اقشار مختلف به ادامه مسیر خود می‌پردازد.

مجموعه در حال حاضر، دومین پردازش‌کننده تراکنش‌های شبکه بانکی کشور است. مالک محصول تیم زیرساخت بانکداری دیجیتال داتین همچنین در خصوص پلتفرم نئویانک داتین نیز اضافه کرد: این پلتفرم جامع متشکل از زیرساخت‌ها و سرویس‌های نوآورانه و فناوری‌های است که با هدف تسهیل و تسریع فرایندهای روزمره مالی و بانکی جامعه در بستری کاملاً دیجیتال و در راستای تغییر سبک زندگی افراد طراحی، تولید و عملیاتی شده است. از همین رو، این پلتفرم می‌تواند قابلیت‌ها و مزایای چشمگیری را برای بازگران صنعت مالی کشور بالاخص بانک‌ها فراهم کند. طراحی معماری و کسب‌وکاری این پلتفرم به نحوی انجام شده که ترکیب بسیار کارآمد و انعطاف‌پذیری از سرویس‌ها را در اختیار بانکها و مشتریان آنها می‌گذارد و به کمک آن، نیازمندی‌های موجود در صنعت مالی کشور پوشش داده شده و توسعه می‌یابد. وی افزود: وپید، نئویانکی است که بر این پلتفرم قرار دارد و داتین آن را برای مشتریان بانک پاسارگاد و به‌طور ویژه برای مشتریانی که دسترسی فیزیکی به شعب بانک پاسارگاد ندارند، در نظر گرفته است. در این مسیر، آنچه برای داتین هدف بوده، توسعه بانکداری خرد و فراگیری مالی در سراسر ایران است تا قدرت خرید افراد جامعه افزایش پیدا کند.

در حال حاضر، وپید بدون ضامن و وثیقه و تنها بر اساس اعتبارسنجی و خوش‌حسابی وام و تسهیلات ارائه می‌دهد. مخاطب ما در این بانک دیجیتال، کسانی هستند که در دهک‌های متوسط حضور و به‌گوشی تلفن همراه دسترسی دارند. ما باور داریم که هر چقدر لایه‌های پایین‌تر جامعه را در اعتبار و تسهیلات توانمندتر کنیم، شرایط اقتصادی بهتری خواهیم داشت.



بانک‌های سپه، پاسارگاد، گردشگری، قرض‌الحسنه رسالت، توسعه تعاون و رفاه کارگران از زیرساخت راهکار بانکی داتین برای امور بانکی خود استفاده می‌کنند و این مجموعه در حال حاضر، دومین پردازش‌کننده تراکنش‌های شبکه بانکی کشور است.

پس از دریافت کارت جدید از بانک به سلامت و عدم آسیب ظاهری پاکت رمز دقت کنید و بلافاصله نسبت به تغییر رمز عبور کارت اقدام کنید و در تماس‌های تلفنی، پیامکی و نیز ارتباط از طریق پست الکترونیک، از بازگو کردن مشخصات محرمانه خصوصاً کارت بانکی (رمزها، کد اعتبارسنجی و تاریخ انقضا) برای دیگران خودداری کنید. کارت رمز عبور خود را برای دریافت پول در اختیار افراد ناشناس قرار ندهید. هنگام برداشت وجه مواظب باشید فردی رمز شما را نبیند. برگ رسیدی را که از دستگاه خودپرداز دریافت می‌کنید، در همان محل رها نکنید و در صورت نیاز نداشتن آن را از بین ببرید. موجودی حساب‌های بانکی بویژه حساب‌های عابر بانک را در فاصله‌های زمانی مناسب چک کنید. از کارت بانکی خود کاملاً حفاظت کنید و اگر آن را لازم ندارید حتماً با اطلاع بانک آن را باطل کنید و آن را رها نکنید و اگر رها کردید رمز آن را به هیچ صورت فاش نکنید.

امروزه هر شهروند حداقل یک حساب بانکی داشته و از کارت‌های بانکی استفاده می‌کند. کارت‌هایی که اصولی را برای نگهداری و استفاده ایمن می‌طلبند. حتماً شما نیز با مشکلاتی مانند کارت‌های بانکی مفقوده، شکسته یا مخدوش مواجه شده‌اید. به دلیل مراجعه مکرر به کارت‌های بانکی کمک به کاهش آسیب و استفاده ایمن از آن ضروری است. در این مطلب چند اقدام مهم برای حفظ و نگهداری کارت‌های بانکی را مرور می‌کنیم. به هیچ عنوان کارت خود را در اختیار افراد غیر قرار ندهید و به منظور ابطال کردن کارت خود در زمان مفقودی، نسبت به یادداشت کردن شماره سریال ۱۶ یا ۱۹ رقمی روی کارت یا شماره حساب متصل به کارت و شماره تماس خدمات مشتریان بانک صادره‌کننده کارت و نگهداری آن اقدام کنید.

در صورت مفقودی یا سرقت کارت در اسرع وقت به شعب یا میز امداد بانک صادرکننده کارت مراجعه یا از طریق اینترنت بانک یا تلفن بانک نسبت به مسدودی و ابطال کارت به منظور پیشگیری از هر گونه سوءاستفاده احتمالی اقدام کنید. از پذیرش هرگونه درخواست افراد ناشناس به منظور استفاده از خدمات بانکی به واسطه کارت خود اجتناب کنید و هنگام استفاده از خدمات بانکی دقت کنید مشخصات و جزئیات کارت برای دیگران قابل مشاهده نباشد.

در انجام مبادلات روزمره مالی تنها موردی که باید به طرف مقابل به منظور انجام انتقال وجه (کارت به کارت) اعلام شود صرفاً شماره کارت، حساب یا شبای مربوط به خود است و از اعلام کردن سایر اطلاعات از قبیل رمز اول و دوم (اینترنتی) کارت، کد اعتبارسنجی، تاریخ انقضای کارت و... حتی به بانک خودداری کنید. از نوشتن رمز عبور بر روی پشت کارت یا نگهداری آن در مجاورت کارت اجتناب کنید.

رمز کارت خود را صرفاً در ذهن خود نگه‌داشته و از یادداشت آن در محل‌هایی (از قبیل ذخیره در تلفن همراه یا هر حافظه قابل حمل دیگر) که در دسترس افراد غیر می‌تواند قرار گیرد، اجتناب کنید. رمزهای عبور با دقت انتخاب شود و این انتخاب چندان ساده نباشد که افراد غیر بتوانند آن را حدس بزنند. برای مثال تاریخ تولد، شماره شناسنامه، ۱۳۳۴، ۲۲۲۲ و... نباشد. حتی الامکان از رمزهای عبور متفاوت برای کارت‌ها و کاربردهای مختلف استفاده شود و تأکید می‌شود در مقاطع زمانی دلخواه نسبت به تغییر رمزهای کارت خود اقدام کنید.



### سلیقه ایرانی‌ها

### در تولید محتوای اینترنتی چیست؟

ایرانی‌ها با وجود تمامی مشکلات زیرساختی از کاربران جدی شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. پایش محتواهای اینترنتی نکات قابل توجهی را عیان ساخته است. براساس گزارش دیتاک که شرکتی دانش‌بنیان و فعال در حوزه هوش مصنوعی و تحلیل کلان دیتا است، ۵۴ درصد از جمعیت کشور در شبکه‌های اجتماعی عضو هستند. ۷۵ درصد از کاربران ایرانی اینترنت از طریق گوشی همراه خود به اینترنت متصل می‌شوند و ۸۶ درصد از کاربران اینترنت در ایران به اینترنت 3G و بالاتر دسترسی دارند.

در سال ۱۴۰۱ تعداد کاربران در تلگرام بین ۵۸ تا ۶۱ میلیون نفر متغیر بوده است. در اینستاگرام نیز تعداد کاربران حول ارقامی مابین ۴۲ و ۴۶ میلیون نفر متغیر بوده و در توئیتر نیز تعداد کاربران از سه تا چهار میلیون نفر محاسبه شده است. یکی از دلایل این تغییر، فیلترینگ است. این تعداد براساس حساب‌های کاربری ایجاد شده توسط ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی محاسبه شده و ممکن است هر کاربر ایرانی در یک یا چند شبکه اجتماعی، یک یا چند حساب کاربری داشته باشد. اما این آمارها گویای کدام واقعیت است؟

### تصویر محوری در تلگرام بیش از اینستاگرام

در سال گذشته به میانگین ۲۲ پست در ثانیه، ایرانی‌ها ۶۹۰ میلیون پست را در ۵۳۰ هزار کانال فعال در تلگرام ثبت کرده‌اند. براساس یافته‌های دیتاک، یکی از بسترهای مهم برای تشخیص میزان درگیری افکار عمومی در یک موضوع خاص، بستر تلگرام است. در مقابل ۴۵۰ میلیون پست از ۶ میلیون منبع پابلیک در اینستاگرام به ثبت رسیده است که گویای ۱۴ پست در ثانیه است. کاربران ایرانی در هر ثانیه ۲۵ هزار پست را در اینستاگرام می‌بینند و یک درصد پس از مشاهده یک پست آن را لایک می‌کنند. در توئیتر نیز ۷٫۳۵ میلیارد توییت از ۹٫۱ میلیون کاربر به ثبت رسیده که گویای میانگین ۲۳۳ توییت در ثانیه است. از این میزان ۵ درصد توییت و ۹۵ درصد ریتوییت را شامل می‌شود. نکته قابل توجه این است که برخلاف تصور عمومی ۵۳ درصد محتواهای تولیدی در تلگرام تصویر است و این رقم در اینستاگرام به ۴۰ درصد می‌رسد که گویای تصویرمحورتر بودن تلگرام نسبت به اینستاگرام است. محتوای قابل توییت نیز با ۸۵٫۹ درصد شامل متن است. در تلگرام کمترین میزان قالب انتشار مطلب به لینک و ویدیو اختصاص دارد. همچنین در اینستاگرام قالب ویدیو کمترین میزان استفاده را داشته است و در توئیتر نیز گیف و ویدیو کمترین استفاده را دارد.

توییت در رتبه نخست تولید محتوای سیاسی

یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد ۶۸ درصد از تولیدات در تلگرام به سرگرمی و روزمرگی مرتبط است و کمترین محتواهای تولیدی ۲۲ درصد مربوط به سیاسی و بایک درصد مربوط به علمی و آموزشی است. اما در مقابل ۶۵ درصد از محتواهای تولیدی در توئیتر در حوزه سیاست بوده و کمترین مقادیر ۲۲ درصد به سرگرمی و روزمرگی مرتبط است. همچنین اینستاگرام ۳۲ درصد از تولیدات محتوای خود را که رتبه نخست است به هنر و رسانه اختصاص داده و کمترین میزان مالی و اقتصادی و مسائل بین‌الملل که هر کدام ۴ درصد و علمی و آموزشی به میزان یک درصد را شامل می‌شود.

### توییت در رتبه نخست تولید محتوای سیاسی

یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد ۶۸ درصد از تولیدات در تلگرام به سرگرمی و روزمرگی مرتبط است و کمترین محتواهای تولیدی ۲۲ درصد مربوط به سیاسی و بایک درصد مربوط به علمی و آموزشی است. اما در مقابل ۶۵ درصد از محتواهای تولیدی در توئیتر در حوزه سیاست بوده و کمترین مقادیر ۲۲ درصد به سرگرمی و روزمرگی مرتبط است. همچنین اینستاگرام ۳۲ درصد از تولیدات محتوای خود را که رتبه نخست است به هنر و رسانه اختصاص داده و کمترین میزان مالی و اقتصادی و مسائل بین‌الملل که هر کدام ۴ درصد و علمی و آموزشی به میزان یک درصد را شامل می‌شود.



داستان کشفیات و اختراعات تکان‌دهنده بشر هنوز خاتمه نیافته است، تا جایی که اخیراً مدیر ارشد اجرایی «اوپن.آی» استارت‌آپ سازنده چت‌جی‌پی‌تی در جلسه با پیل سنای آمریکا گفت: استفاده از هوش مصنوعی برای دخالت در نگرانی‌های مهم و نیازمند قانونگذاری است

توصیه‌هایی برای نگهداری کارت‌های بانکی



# چطور تقلبی بودن گوشی همراه را تشخیص دهیم؟



## تشخیص اصل بودن گوشی آیفون



### ۱- بررسی شماره سریال آیفون

اگر آیفون می‌خرید یک روش بسیار جالب دیگر هم برای تشخیص اصل بودن گوشی وجود دارد که می‌توانید کاملاً به آن اعتماد کنید. در این روش باید شماره سریال آیفون را داشته باشید. بدین منظور آیفون مورد نظر را روشن کنید.

وارد بخش Settings شوید و سپس گزینه General را انتخاب کنید. حالا گزینه About را انتخاب نمایید و شماره سریال دستگاه (Serial Number) آن را در گوشه‌ای بنویسید.

حالا به سایت [checkcoverage.apple.com](http://checkcoverage.apple.com) مراجعه کنید که توسط خود شرکت اپل پشتیبانی می‌شود. در فیلد اول شماره سریال آیفون را وارد کنید و در فیلد دوم هم عبارتی را که نمایش داده شده است وارد نمایید. در نهایت روی گزینه Continue کلیک نمایید.

بعد از چند ثانیه با توجه به شماره سریال آیفون، مشخصات آن نمایش داده می‌شود و اگر آیفون مورد نظر فیک یا تقلبی باشد، عبارت invalid serial number را مشاهده خواهید کرد. بنابراین بررسی شماره سریال (Serial Number) آیفون‌ها یکی از بهترین روش‌های تشخیص اصل بودن گوشی خواهد بود.



### ۲- بررسی ریفریش نبودن آیفون

اما در برخی شرایط ممکن است فروشگاه عملاً آیفون اصلی را به شما بفروشد اما آن آیفون نسخه ریفریش باشد! یعنی آیفونی باشد که بعد از مرحله اول تولید دچار مشکل فنی بوده و برای تعمیر به اپل بازگردانده شده و اپل بعد از اعمال تعمیرات مورد نیاز بار دیگر آن را روانه بازار کرده است.

آیفون‌های ریفریش با قیمت کمتری در مقایسه با آیفون‌های اصلی از سوی اپل روانه بازار می‌شوند، اما در کشور ما ممکن است فروشندگانی از این مسأله سوءاستفاده به عمل آورند و آیفون ریفریشی را به عنوان آیفون کاملاً سالم و اصلی به خریداران غالب کنند.

خوشبختانه روش خاصی برای تشخیص آیفون اصل از ریفریش هم وجود دارد که به شرح زیر است:

آیفون مورد نظر را روشن کنید. به بخش دایالر (شماره گیر) بروید و کد `#*#7890#` را شماره گیری کنید.

گزینه View را انتخاب کنید.

بخش با عنوان Reconditioned Status را بررسی

کنید. در این بخش باید گزینه No ضمیمه شده باشد. اگر گزینه Yes را در این قسمت مشاهده کردید، آیفون شما ریفریش است.

بنابراین این روش هم می‌تواند به نوعی یکی دیگر از روش‌های مؤثر تشخیص اصلی بودن گوشی آیفون محسوب شود.



### ۳- مقایسه ظاهری گوشی با نسخه اصل

گوشی‌های تقلبی یا فیک از نظر ظاهری بسیار شبیه به گوشی‌های اصلی هستند و تشخیص یک گوشی تقلبی از اصل با توجه به ظاهر، کار بسیار دشواری خواهد بود اما این کار قابل انجام است! عموماً گوشی‌های تقلبی، طرح یا کپی در مقایسه با نسخه اصلی خود تفاوت‌های ریزی را به همراه دارند.

برای مثال ممکن است دکمه هوم آنها نقش اسکنر انگشت را ایفا نکند و کمی در جایگاه خود لق باشد یا سوکت شارژ و حتی دکمه‌های فیزیکی مثل ولوم، پاور و غیره گوشی تقلبی در مقایسه با نسخه اصلی عموماً شل تر بوده یا در بخش متفاوتی تعبیه شده است.

یکی دیگر از مسائل ظاهری که می‌توانید از آن برای تشخیص اصل بودن گوشی استفاده کنید، مربوط به کیفیت مواد به کار رفته در بدنه دستگاه می‌شود. عموماً در گوشی‌های تقلبی و کپی، بدنه گوشی از پلاستیک ساخته می‌شود.

همچنین کیفیت عملکرد صفحه نمایش و تاچ گوشی هم یکی دیگر از عواملی است که می‌توانید از آن برای تشخیص اصل بودن گوشی استفاده کنید، چرا که عموماً تاچ و آل سی دی گوشی‌های تقلبی کیفیت پایینی دارد.

بنابراین برخی تفاوت‌های ظاهری هم می‌توانند برای تشخیص اصل بودن گوشی مورد استفاده قرار گیرند.



### ۴- بررسی سیستم عامل در آیفون

با بررسی سیستم عامل و منوهای آن در آیفون می‌توانید متوجه کپی بودن یا تقلبی بودن آن شوید. سیستم عاملی که در آیفون‌های تقلبی یا کپی استفاده می‌شود در واقع همان سیستم عامل اندروید است.

بنابراین اگر شما وارد منوی تنظیمات و اطلاعات آیفون شوید، در بخش سیستم عامل عبارت اندروید (Android) را مشاهده خواهید کرد.

این مسأله به وضوح نشان می‌دهد که آیفون مورد نظر جعلی یا فیک است.

همچنین در آیفون تقلبی بسیاری از گزینه‌های اصلی منوی تنظیمات مثل آی کلود و غیره یا وجود ندارند و یا نمادین بوده و با لمس آنها به بخش‌های عجیبی مثل اضافه کردن اکانت جیمیل و غیره هدایت می‌شود.

به احتمال قوی زمانی که گذر شما به بازارهای خرید و فروش گوشی همراه افتاده است با خیل عظیمی از اجناس که قیمت‌های متفاوتی دارند مواجه شده‌اید. گاهی برای یک برند بخصوص چند قیمت به شما پیشنهاد شده و گاهی در مورد اصل

به احتمال قوی زمانی که گذر شما به بازارهای خرید و فروش گوشی همراه افتاده است با خیل عظیمی از اجناس که

## تشخیص اصل بودن گوشی سامسونگ



### ۱- از مراکز، فروشگاه‌ها و سایت‌های معتبر خرید کنید

هنگام خرید گوشی موبایل به مراکز و فروشگاه‌های معتبر مراجعه کنید، علاوه بر این با توجه به رایج شدن فروشگاه‌های اینترنتی نیز فروشگاه‌هایی هستند که اصل بودن دستگاه را تضمین می‌کنند، می‌توانید برای خرید به آنها مراجعه کنید.



### ۲- کارت‌ن و بسته‌بندی دستگاه را هنگام خرید چک کنید.

بسته‌بندی اولیه کالا (کارت‌ن دستگاه) را حتماً چک کنید که باز یا مخدوش نباشد و اجازه دهید فروشنده در حضور شما بسته‌بندی دستگاه را باز کند. دقت کنید که دستگاه اصلی معمولاً دارای برچسب پلمب هولوگرام است.



### ۳- کد IMEI دستگاه را چک کنید.

از طریق شماره‌گیری شماره `*#06#` کد IMEI به دست آمده را با کدی که روی دستگاه و بسته‌بندی آن درج شده است مطابقت دهید. کد IMEI شناسه منحصر به فرد گوشی شماست و اگر گوشی گم شود یا به سرقت برود، می‌توانید از طریق این کد در سامانه «همیاب ۲۴» اعلام سرقت کنید تا گوشی سرقتی شما ردیابی شود.



### ۴- استفاده از برخی اپلیکیشن‌ها برای تست اصل بودن گوشی.

از آنجایی که دستگاه‌های فیک فقط ظاهری شبیه به گوشی‌های اصلی دارند، یکی از بهترین راه‌های تشخیص، تست سخت‌افزار به کمک برخی نرم‌افزارها مثل Cpu Z و Antutu Benchmark است. این نرم‌افزارها به صورت خودکار سخت‌افزار شما را تست می‌کنند و مطابق امتیازی که می‌دهند، قدرت دستگاه مشخص می‌شود و با تطابق آن با مرجعی معتبر به سادگی از اصل بودن دستگاه خود اطمینان حاصل کنید.



### ۵- تشخیص گوشی اصلی از تقلبی از طریق ظاهر گوشی.

از ظاهر چطور بفهمیم گوشی اصل است؟ تشخیص گوشی‌های فیک از ظاهر آن، به دلیل شباهت بسیار زیاد با مدل اصلی بسیار سخت است و بهترین گزینه داشتن یک مدل اصل و مقایسه آن است که به دلیل در دسترس نبودن آن هنگام خرید، زیاد نمی‌توان روی آن حساب کرد.

### ۵- استفاده از اپلیکیشن‌های خاص

اپلیکیشن‌های خاصی هم وجود دارند که با استفاده از آنها می‌توانید اصل بودن یا تقلبی بودن گوشی خود را بررسی کنید. یکی از این برنامه‌ها Antutu Officer نام دارد. مراحل استفاده و کار با این برنامه ساده است. کافی است آن را روی گوشی که قصد دارید کیفیتش بررسی شود نصب کنید و سپس دستگاه را به اینترنت متصل کنید. سپس گزینه Start را انتخاب نمایید و کمی منتظر بمانید تا دوربین گوشی فعال شود. حالا در کامپیوتر خود به سایت [our.antutu.com](http://our.antutu.com) بروید. مشاهده خواهید کرد که یک بارکد در کامپیوترتان نمایش داده می‌شود. دوربین گوشی را که قرار است خریداری شود در جلوی بارکد بگیرید تا آن را بخواند. نتیجه بررسی خیلی سریع برایتان نمایش داده می‌شود.

اگر گوشی اصلی باشد تصویری با عنوان Good نمایش داده می‌شود و اگر گوشی شما کپی باشد، تصویری مثل عکس زیر را خواهید دید.



### ۶- بررسی قطعات سخت‌افزاری با اپلیکیشن‌های خاص

با استفاده از اپلیکیشن‌های خاصی مثل Antutu Benchmark یا CPUZ می‌توانید مشخصات سخت‌افزاری دقیق گوشی هوشمندی را که برنامه‌های مذکور در آن نصب است مشاهده کنید. سپس به راحتی با مقایسه این مشخصات با مشخصات نسخه اصلی گوشی در سایت جی اس ام آرنا یا هر سایت دیگر می‌توانید از اصل بودن گوشی اطمینان حاصل کنید. بنابراین در این روش لازم است تا ابتدا یکی از اپلیکیشن‌های مذکور در گوشی جدیدی که می‌خواهید بخرید نصب شود. سپس اپلیکیشن را اجرا و مشخصات سخت‌افزاری گوشی را ببینید.





# ثروت آپارات

## ماجرای تولید برای دختر بچه روسی

ویدیوهای «ناستیا استیسی» که از اون به عنوان یکی از کودکان ثروتمند بلاگر یاد می‌شود به یکی از سرگرمی‌های قطعی دختر بچه‌های ایرانی تبدیل شده و آپ‌های داخلی نیز آن را تبلیغ می‌کنند.

آناستازیا رادزینسکایا که در ویدیوهای تولیدی خود را ناستیا استیسی معرفی می‌کند، دختری ۹ ساله اصالتاً روس تبار و متولد کراسنودار شهری در جنوب روسیه است که اکنون به همراه اعضای خانواده‌اش در فلوریدا در امریکا زندگی می‌کند. این دختر یوتیوبر که کانالی در سایت یوتیوب دارد در فهرست پردرآمدترین افراد جهان قرار گرفته است؛ چرا که ویدیوهای

منتشر شده توسط او بازدیدکنندگان زیادی داشته‌اند. محتوای کانال او در یوتیوب در سال ۲۰۲۰ میلادی ۳۹ میلیارد بازدید داشته و درآمد چند ده میلیون دلاری را برای او رقم زده است.

هر چند کانال وی توسط والدینش مدیریت می‌شود اما آنچه قابل توجه است، تبدیل این دختر به الگوی رفتاری دختر بچه‌ها است. ویدیوهای ناستیا که اغلب بازی‌های کودکانه و بیشتر به همراه پدر اوست، به یکی از سرگرمی‌های کودکان تبدیل شده و بدون اطلاع هر مربی و پدر و مادری به دوست و همکلاسی معرفی می‌شود.



یا الگوی کودک و نوجوانی وجود ندارد. نه انیمیشن‌ها و نه سایر تولیدات رسانه‌ای نتوانسته است، چنین الگویی را معرفی کند.

کودکی که بتواند ترند شود و میلیون‌ها فالور داشته باشد، در هیچ یک از شبکه‌های اجتماعی ایرانی نیست.

موضوعی که خلأ آموزش و پرورش کودکان را نشان می‌دهد. حتی محتوایی مانند یک عروسک یا قهرمان داستان نیز نتوانسته برای کودکان تعریف شود.

تمامی این اتفاقات موجب شده تا کودکان ما برای سرگرم شدن به سمت تولیدات آن ور آبی بروند و کودکی که به تازگی خواندن و نوشتن یاد گرفته است اولین تجربه‌های جست‌وجوی خود در اقیانوس اینترنت را با جست‌وجوی نام چنین افرادی آغاز می‌کند.

نه تنها کج‌سلیقگی مسئولان تربیتی بلکه کج‌فهمی و کج‌سلیقگی والدین نیز موجب شده تا حتی کودکان خنجه، جذاب و موفق شناخته نشوند.

اگر استعدادی وجود دارد و اگر توانمندی در پس تعاریف نادرست از تولید محتوای رسانه‌ای ویژه کودکان پنهان مانده است و کودک ایرانی امروز الگویی از فرهنگ و دیار خود ندارد، دوستان شیرین و جذاب او که می‌توانند دنیایش را شاد کرده و او را سرگرم سازند، هزاران فرستگ با او فاصله دارند.

ناستیا دلارهای خود را در ویدیوهای روی سینه‌اش می‌فشارد و لیخند می‌زند.

دلارهایی که بخشی از آن به واسطه غفلت ما از کودکانمان در دستان این دخترک جا گرفته است.

موجب شده تا سوسرشاری به جیب کودکان خارجی سرازیر شود و به عنوان مثال ناستیا به عنوان یکی از افراد ثروتمند فضای مجازی شناخته شود.

### تفاوت تولید محتوا برای کودکان در داخل و خارج از کشور

ممکن است این سؤال به وجود بیاید که چرا چنین محتوایی در داخل کشور تولید نمی‌شود؟ پاسخ به این سؤال را باید از والدین بلاگری که کودکان خود را تا مرز آزار و اذیت می‌برند، جست‌وجو کرد. اغلب محتواهایی که از کودکان در صفحات داخلی و توسط پدر و مادرهای ایرانی تولید می‌شود، منجر به تبلیغاتی می‌شود که هیچ ارتباطی به دنیای کودکان ندارد. حتی محتواهای تولیدی نیز اغلب فاقد جنبه آموزشی است و متأسفانه در برخی مواقع حتی با مصادیق کودک آزاری از جمله استفاده ابزاری از کودکان برای فروش یک کالای خاص برابری می‌کند.

انتشار عکس‌ها و ویدیوهایی که نحوه حرف زدن یا بازی کردن کودک را دستمایه تفریح و مسخره قرار داده است، در نهایت به کانال‌های پرطرفداری منجر می‌شود که والدین به دنبال تبلیغ لباس و لوازم سرگرمی و لوازم خانه و درآمدزایی هستند. این در حالی است که ویدیوهای مانند ناستیا حداقل به دلیل جنبه آموزشی و انعکاس علایق، سلیقه‌ها و نیازهای کودکان بار معنی هر چند اندکی را به دوش می‌کنند.

### فقر تولیدات، کودک خارجی را لگو کرده است

می‌توان به جرأت گفت که در ایران هیچ قهرمان

**رفقار اروپایی در بستر ایرانی**

نه تنها ناستیا بلکه شخصیت‌های دیگری مانند یوا، یاناروما، ولاد و نیکی و مکس و سوفیا نیز با ویدیوهای خود هزاران لایک و لایورا از کودکان ایرانی دریافت می‌کنند. فضای ویدیوها پراز رنگ و همراه با جاذبه‌های بصری است که برای هر کودکی می‌تواند فریبنده باشد. از طرفی اغلب کودکان به دلیل اینکه به تلفن همراه یا تبلت و لپ‌تاپ متصل به اینترنت دسترسی پیدا می‌کنند، به سادگی می‌توانند این ویدیوها را تماشا کنند و تحت تأثیر آن‌ها قرار گیرند.

سارا دختر بچه ۷ ساله می‌گوید به تنهایی می‌تواند اسم این شخصیت‌ها را در اینترنت تایپ کند و این ویدیوها را تماشا کند.

این دختر بچه به تازگی خواندن و نوشتن را فرا گرفته است و به سادگی می‌تواند لیستی از بچه‌های اروپایی با ویدیوهای جذاب را مثال بزند. روهان کودک ۱۰ ساله نیز می‌گوید هر زمان که پدر و مادرش گوشی را در اختیارش قرار می‌دهند می‌تواند به سادگی این ویدیوها را تماشا کند.

اما آیا تماشای رفتارهای بچگانه کودکان اروپایی مشکل ساز است؟ در صورتی که چند نمونه از ویدیوها را تماشا کنید در انواع اسباب بازی و امکانات بازی و تفریح این کودکان غرق می‌شوید. اغلب والدین ممکن است نتوانند این سطح از امکانات را برای کودکان خود فراهم کنند و این موضوع می‌تواند آسیب جدی را متوجه کودک سازد. از طرفی برخی رفتارها و آداب در این ویدیوها دیده می‌شود که هیچ ارتباطی به بستر فرهنگی کودک ایرانی ندارد و همین موضوع موجب می‌شود که با چنین ویدیوهایی کودکان ایران در خود کشورشان تربیت اروپایی پیدا کنند.

جالب اینجاست که نه تنها فرهنگ در کار است و نه کسی این کودکان را تشویق کرده تا چنین محتوایی تولید شود، بلکه این دنیای بی‌پایان شبکه‌های اجتماعی است که خود فرهنگ جدیدی را در بین کودکان شکل می‌دهد.

**سود سرشار روانه جیب بچه‌های آن ور آبی**

در میانه افسوس‌هایی که کودک ایرانی از چنین محتوایی لمس می‌کند و نمی‌تواند بسیاری از شرایط و رفتارهای این کودکان را در پیرامون خود ببیند و یا آن را بقبولاند، در نهایت شگفتی سایت‌های داخلی کشور پر از چنین محتواهایی است. از آپارات گرفته تا سایت‌های مختلف، محل مشاهده فیلم‌های فانتزی است که برخی چند ده هزار بازدید خورده است.

هر چند ممکن است محتواهایی از این دست توسط خود کاربران در چنین سایت‌هایی بارگذاری شود، اما در نهایت این محبوبیت و معروفیت

بسیار آسان است و با شماره‌گیری #۰۰۰\* اطلاعات باتری به شما نشان داده می‌شود که باید با اعداد درج شده در پشت باتری همخوانی داشته باشد.

روش دیگر فهمیدن اصل بودن گوشی نوع نشان دادن تاریخ در گوشی‌های نوکیاست که باید به صورت dd/mm/yyyy یا dd-mm-yyyy باشد و اگر به هر صورت دیگری بود، به اصل بودن آن شک کنید.

در آخر هم همان‌طور که در ابتدا گفته شد، بهترین روش استفاده از کد IMEI و خرید گوشی از یک فروشگاه معتبر است.

بودن گوشی همراه دچار شک و تردید شده‌اید. با هم چند راهکار برای تشخیص اصل بودن گوشی همراه را مرور می‌کنیم.

### تشخیص اصل بودن گوشی شیائومی

گوشی‌های شیائومی خط تولیدهای متفاوتی در برخی کشورها دارند که ممکن است لوازم جانبی متفاوتی ارائه دهند و تشخیص گوشی شیائومی اصل را برای شما دشوار کنند. البته این تفاوت عموماً به سری شارژر برمی‌گردد و بقیه موارد یکسان است. برای تشخیص اصل بودن گوشی شیائومی، ابتدا IMEI یا همان کد اصلی بودن گوشی را چک کنید و بعد از آن با حداکثر دقت، بسته‌بندی و لوازم جانبی آن را بررسی کنید. سپس اطلاعات سخت‌افزاری آن را چک کنید و مطمئن شوید قیمتی که می‌خرید پایین‌تر از قیمت جهانی این گوشی نباشد.

### تشخیص اصل بودن گوشی نوکیا

یکی از بهترین روش‌های تشخیص گوشی اصل از تقلبی، بررسی باتری است و با شماره‌گیری #۰۰۰\* اطلاعات باتری به شما نشان داده می‌شود که باید با اعداد درج شده در پشت باتری همخوانی داشته باشد.

روش دیگر فهمیدن اصل بودن گوشی نوع نشان دادن تاریخ در گوشی‌های نوکیاست که باید به صورت dd/mm/yyyy یا dd-mm-yyyy باشد و اگر به هر صورت دیگری بود، به اصل بودن آن شک کنید.

در آخر هم همان‌طور که در ابتدا گفته شد، بهترین روش استفاده از کد IMEI و خرید گوشی از یک فروشگاه معتبر است.

### تشخیص اصل بودن گوشی هواوی

برای بررسی اصل بودن گوشی هواوی نیز چند روش ساده وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود.

۱- بسته‌بندی دستگاه را چک کنید. کافی است یک عکس از بسته‌بندی اصلی پیدا کنید و با محصولی که قصد خرید آن را دارید، مقایسه کنید.

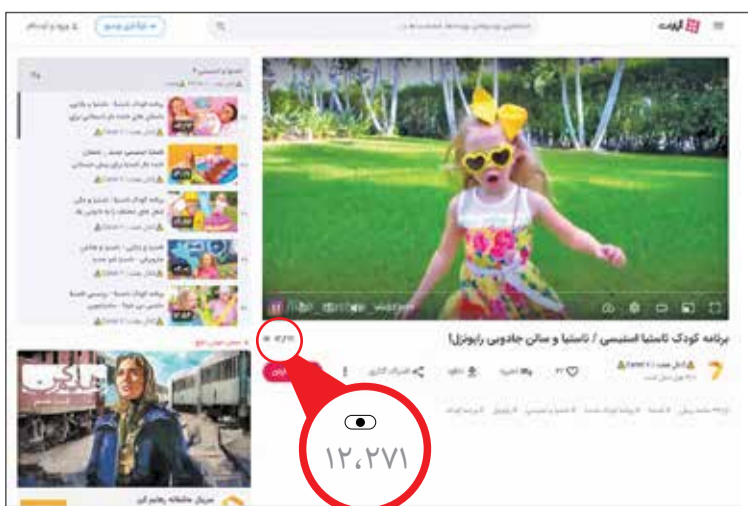
۲- در تنظیمات گوشی شماره مدل و نسخه اندروید را چک کنید.

۳- کد تشخیص اصل بودن گوشی (IMEI) را بررسی کنید.

۴- قیمت جهانی آن را چک کنید.



تمامی این اتفاقات موجب شده تا کودکان ما برای سرگرم شدن به سمت تولیدات آن ور آبی بروند و کودکی که به تازگی خواندن و نوشتن یاد گرفته است اولین تجربه‌های جست‌وجوی خود در اقیانوس اینترنت را با جست‌وجوی نام چنین افرادی آغاز می‌کند





اعتراض مقامات اسرائیل  
به خبر ویژه نامه طنز ایراندر پی انتشار خبری مبنی بر بروز بحران‌های اقتصادی،  
اجتماعی و سیاسی در اسرائیل تا ۲۰ سال آینده، مقامات  
اسرائیل ضمن اعتراض به این خبر عنوان کردند: «تا ۲۰  
سال آینده کی زنده است کی مرده؟»

## آگهی

سه فروند گنبد آهنین  
به فروش می‌رسداین گنبد برای یک خانم د کتر بوده که چند مرتبه فرود موشک‌های  
لبنان و سوریه رو تماشا کرده.

ستاد مدیریت امور همه چیز تا ۲۰ سال آینده

## فریدون شاه قاجار:

ترکمانچای یک توافق  
برد - برد استوی در این راستا افزود: هم آنها خاک ایران را بردند، هم ما از شر  
هزینه‌های اداره نخجوان راحت شدیم.

## فریدون شاه قاجار

در کنفرانس خبری بعد از امضای قرارداد غرور آفرین ترکمانچای

## ترکمانچای را خدا آورد

فریدون شاه  
قاجار:بروید به  
جهنمهر وقت می‌خواهیم  
با امپراطوری روسیه  
مذاکره کنیم، یک عده  
می‌گویند ما داریم  
می‌لرزیم؛ خب به جهنم،  
بروید به جای گرم پیدا  
کنید برای خودتان!عقاید انحرافی  
میرزا ابوالحسن  
طهرانی  
مقدم الدولهمیرزا ابوالحسن طهرانی  
مقدم الدوله به علت  
عقاید منحرف از دارالفنون  
اخراج شد. وی از پیروان  
عقاید ضاله «فقط  
انسان‌های ضعیف  
به اندازه امکانات کار  
می‌کنند» است.میرزا اکبرخان  
هاشم السلطنه: دنیای فردا، دنیای ترکمانچای است نه موشک‌هامیرزا ابوالظریف خان  
آصف الدوله در کنفرانس خبری  
عهدنامه ترکمانچای:امضای ایوان  
پاسکوویچ  
تضمین استوی در ادامه گفت هرکه بگوید در روابط بین‌الملل  
می‌توان تضمین گرفت، عوام است.

## جای نگرانی نیست

من زبان دنیا را  
بدممیرزا ابوالظریف خان با اعلام اینکه «من زبان دنیا  
را بدم» گفت: جای هیچگونه نگرانی وجود ندارد.  
وی در پاسخ به خبرنگاری که پرسید: «معنای lift و  
Suspension چه می‌شود؟» گفت: «منظورم اون دنیا  
است نه این دنیا.» وی در ادامه با فرو کردن شست خود  
در گوش و در آوردن زبانش، دنیا - نوزاد همسایه‌شان - را  
آرام کرد.میرزا ابوالظریف خان  
آصف الدوله در نطقی  
در دارالمجازی:«قققاز، ایروان و نخجوان را روس‌ها لحظه آخر وارد ترکمانچای  
کردند و معاونان من بدون اطلاع من موافقت کردند.»ترکمانچای  
دروازه فرصت‌هافریدون شاه قاجار در چهل و هشتمین جشنواره «ترکمانچای»؛  
دروازه فرصت‌ها» گفت: «آثار ترکمانچای الی یوم‌القیامة می‌ماند  
و از بین نمی‌رود» وی در ادامه افزود: «تا تاریخ تاریخ، تاریخ.»

## رونمایی از اثر «کالسه بوی نویی» کمال الملک

موضوع این اثر، هیأت ۵۰۰ نفره درباری در کنار اولین کالسه فروخته شده روسی به دربار ایران است. برخی از افراد  
حاضر در تابلو اذعان داشتند تا مدت‌ها بوی نویی کالسه از خاطرشان نرفته است.

هم‌زمان با امضای قرارداد ترکمانچای

## واردات ۹ درشکه که بوی نویی می‌دهد

گفتنی است چرخ جلوسمت شاگرد و چهارشاخ گاردان این درشکه‌ها از کار افتاده است که اهمیت چندانی ندارد؛  
مهم بوی نویی این درشکه‌هاست.در پی دستاوردهای ترکمانچای  
ایوان پاسکوویچ اعلام کرد

## ترکمانچای ۲ و ۳ در راه است!

## فریدون شاه قاجار

شهادت می‌دهم  
میرزا ابوالظریف خان،  
رسولی امین استفریدون شاه قاجار در مراسم اهدای ۱۰۰ سکه طلا به ابوالظریف  
خان، او را رسول امین دانست.

## در مراسم

رونمایی از موشک کاغذی  
با برد ۱۷ سانتیمتربرادران رایت:  
باید به اندازه  
امکانات مان  
کار کنیمبرادران رایت در مراسم رونمایی از یک موشک  
کاغذی با برد ۱۷ سانتیمتر گفتند: اینکه از ما  
توقع داشته باشید یک دستگاه غول‌پیکر  
بسازیم که در آسمان پرواز کند، یک رؤیا و  
آرزو است. ما باید متناسب با امکانات مان  
کار کنیم نه متناسب آرزوهایمان.ترکمانچای  
وارد متن  
کتاب درسی  
شدقرارداد افتخار آمیز  
ترکمانچای در متن کتاب  
درسی پایه اول تا دوازدهم  
تدریس خواهد شد. در این  
درس، مطالبی همچون  
«چگونه به اندازه امکانات  
کار کنیم ولی به اندازه  
آرزوهایمان سکه بگیریم؟»  
تدریس خواهد شد.آگهی  
استخدامکارخانه کمپوت  
سیب و گلابی  
با مدیریت جدید  
با برند ترکمانچای  
تعدادی کارگر روزمزد  
برای یافتن  
سیب و گلابی سالم  
از میان گنبدیه‌ها  
استخدام می‌کند.



## فرمول ازدواج آسان کشف شد

محمدرضا رضایی  
طنزپرداز

با سلام خدمت مخاطبین عزیز؛ امروز آقای دامادطلب، یکی از چهره‌های شاخص در حوزه تسهیل ازدواج جوانان، میهمان برنامه هستند و به گفته خودشان قراره فرمول قطعی و نهایی ازدواج آسان رو به ما معرفی کنن.

+ آقای دامادطلب می‌شه برامون بگیذد فرمول نهایی ازدواج آسان چیه؟

- من هم سلام عرض می‌کنم خدمت شما و مخاطبینتون. فرمول قطعی ازدواج آسان اعتماد به جوانان و کاهش سطح توقعات است.

+ بسیار عالی، فقط اگه ممکنه بیشتر توضیح بدید.

- بله من چون می‌دونستم این فرمول ممکنه برای شما و مخاطبینتون کمی سنگین باشه، یک مثال ملموس آماده کردم.

+ چه عالی! می‌شنویم.

- مثال موفق و عینی این فرمول خود خود من هستم.

+ بسیار جالبه، یعنی ازدواج خودتون رو می‌فرمایید؟

- نه ازدواج من که اتفاقاً خیلی سخت برگزار شد، آخرش هم مجبور شدیم از دست خونواده‌ها مون فرار کنیم.

+ چه عجیب! خب؟

- بله، منظور من ازدواج دخترم است که بسیار ساده و با کمترین سطح توقع انجام شد.

+ چطوری؟

- خب داماد من همکلاسی دخترم بود و وقتی اومد به خواستگاری دخترم هیچی نداشت. یعنی حتی یک آپارتمان ۲۰۰ متری میله و یک خودروی کراس‌اور چینی هم تو بساطش نبود. سربازی هم نرفته بود، شغلش هم که شاگردی تو مغازه باباش بود.

+ به نظرم همچین هم دستش خالی نبوده، بالاخره پدرش پشتیبانش بوده.

- نه دیگه اینایی که من گفتم، حداقل چیزیه که یک جوون باید داشته باشه. بالاخره ازدواج آسان هم بایددها و نیایددها

خودش رو داره.

+ بله می‌فرمودید.

- درستیه؛ با این شرایط من دست رد به سینه این جوون نزدم و شرط گذاشتم که حداقل اول سربازیشو بره. اتفاقاً چون آشنا داشتم خودم صحبت کردم که یه جای خوبی خدمت کنه.

+ چه عالی! کجا خدمت کرد؟

- مرز چکچکور؛ همین دم در پاکستان.

+ اونجا که محل تردد اشرااره، مطمئناً اون آشناتون باهاتون دشمنی نداشته؟

- من خودم گفتم بفرستش چکچکور که مرد بشه و بعداً زیر بار مشکلات زندگی کمر خم نکنه. در هر صورت متأسفانه این پسر توفیق شهادت نصیبش نشد و خدمتش رو تموم کرد.

+ چه عالی؛ اون موقع دیگه با ازدواج این دو قناری عاشق موافقت کردید؟

- خیر! فرستادمش بره با یک جهیزیه کامل اما ساده برگرد.

+ جهیزیه مگه با خونواده دختر نیست؟

- تو خونواده ما نه! همه‌ش با پسره که مرد بشه و زیر بار مشکلات کمر خم نکنه.

+ خب بعدش چی شد؟

- هیچی دیگه، پسره بعد از دو سال با جهیزیه کامل برگشت.

+ خب این دفعه بهش دختر دادید؟

- نه دیگه! تو این مدت دختر من کارشناسی ارشدش رو گرفته بود، واسه همین به پسره گفتم باید بره phd بگیره، ولی تو یه رشته ساده و غیرتجملی.

+ دیگه رشته تحصیلی که تجملی و غیرتجملی نداره.

- چرا داره، شما نمی‌دونی. به هر حال این پسره لامصب... یعنی چیزه، این پسره سخت کوش، phd هم گرفت.

+ و این دفعه بهش دختر دادید؟

- آره این دفعه دیگه دیدم هیچ رقمه زیر بار مشکلات کمر خم نمی‌کنه. سن دخترم هم بالا رفته بود، واسه همین با ازدواج بسیار آسان‌شون موافقت کردم و به‌جای اینکه عروسی رو روی کشتی تفریحی توی ایتالیا بگیریم، روی کشتی تفریحی توی کیش گرفتیم.

+ دیگه به نظرم اینقدر ساده و آسان هم خوب نیست‌ها!

- نه مخالفم؛ ما نباید از این جوون‌ها توقع بی‌جا داشته باشیم. هدف خوشبختی‌شونه. برای همین به‌عنوان آخرین تضمین خوشبختی کم‌ترین میزان مهریه رو تعیین کردیم.

+ چقدر؟

- شاید باورن‌تون نشه، ولی فقط ۹۹۹ سکه ناقابل.

+ تا کمرشون زیر بار مشکلات خم نشه؟

- نه اتفاقاً این دفعه یه رقمی گفتیم که اگه پسره خواست پررو بازی دربیاره، مهریه رو بزاریم اجرا که کمرش خم بشه. ولی مهم اینه که الان دخترم خوشبخته و داماد عزیزم از گل نازک‌تر بهش نمی‌گه.

+ چرا آتش رو نداره بدبخت!

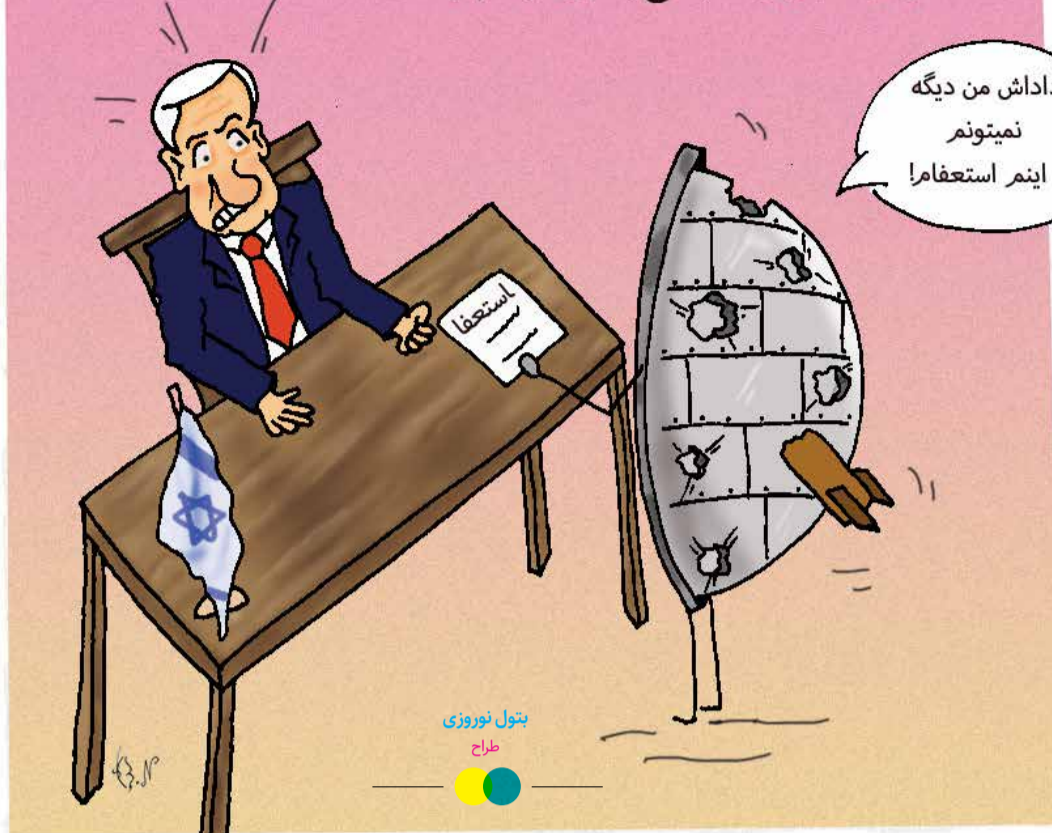
- بله؟

+ هیچی، پرسیدم الان داماد بدبخت‌تون خوبه؟ از زندگی راضیه؟

- خدا رو شکر، یه نفسی میاد و میره.

+ بله خیلی ممنون از شما و دامادتون؛ مخاطبین عزیز، دیدید که چقدر توقعات بی‌جا در ازدواج زشته و انسان رو به چه هیولاهایی تبدیل می‌کنه. امیدواریم از این برنامه و میهمان کم‌توقع‌مون درس گرفته باشید. خدا نگهدار.

## سردار حاجی زاده: (فتاح) قابل انهدام نیست.



بتول نوروزی  
طراح

## خواب‌ناز

فرشته پناهی

شاعر

خانها قدر قوطی کبریت،  
در فشار است مغزمن تیلیت  
توی رؤیا شده ولی بعضاً  
داخل پنت‌هاوس می‌خوابم

خوش‌نشینم به قول بعضی‌ها  
زده زیر دلم خوشی‌ها!  
قویبیا دارم از اجاره‌ها،  
روز و شب با هراس می‌خوابم

صاحب‌خانه را که می‌بینم،  
مضطرب، بی‌قرار و غمگینم  
بد رقم تشنه‌حال مورفیم  
با غم اسکناس می‌خوابم

از شما دوستان که مخفی نیست  
چون حقوقم به قدر مخفی نیست  
بعد پرداخت اجاره‌ها،  
کلهم آس و پاس می‌خوابم

سر هر برج می‌شوم پنهان  
می‌کنم استتار صدچندان  
تا نیند مرا و نشناسد،  
لاجرم ناشناس می‌خوابم

یک دعا می‌کنم بگو آمین،  
نبرد خواب‌ناز مسئولین؟!  
حل شود معضلات مسکن اگر،  
بنده هم با سپاس می‌خوابم

زیگزاگ و مجاله و سروته،  
کج و کوله و قناس می‌خوابم  
تا که پایم به حلق کس نرود،  
اینچنین بی‌کلاس می‌خوابم

پایم از پنجره است آویزان،  
جا نداریم قدر یک میهمان  
تا شود جای بچه‌هایم باز،  
گاه توی تراس می‌خوابم

چاره‌ای نیست درد جا‌تنگی،  
لایه‌لای اثاث می‌خوابم  
بغل پنجره سه کنج اتاق،  
با توالت مماس می‌خوابم

پاسی از شب می‌آیم از سر کار،  
تازه باید شوم سوپرآستار  
بچه‌ها روی دوش بنده سوار،  
گاه با التماس می‌خوابم

می‌شوم بس که خسته و داغان،  
در تنم نیست قدر ارزن جان  
لقمه‌ام ناچوبیده توی دهان،  
خسته و با لباس می‌خوابم

## استاد

زهرا فرقانی

شاعر

آمد سر کلاس، شدیداً شاد  
خندید و گفت که: «این د نیم آو گاد»

آنگاه با تواضع مخصوصش  
خود را ستود در همه‌ی ابعاد

از سختی فشار ایمیلی گفت  
تا آن همه شجاعت و استعداد

گفت از نگاه وندی و موگرینی  
آنگاه یاد خاطره‌ای افتاد

با خنده رو نمود به شاگردان  
یک پرسش ظریف نمود ایراد:

«از دولت گذشته، بفرمایید  
مانده کدام خاطره‌اش در یاد؟»

خندید باز و گفت که: «لیدی‌ز فرست  
اول «ترانه»، بعد جناب «راد»

نیشش هنوز باز... که دختر گفت:  
«تاریخ انقضای شما استاااا!»

## بازی ازدواج و یک جان اضافی

بهزاد توفیق‌فر  
طنزپرداز

در این قسمت، خلاصه «گیم پلی» ازدواج برای جوان ایرانی را تقدیم می‌کنیم. البته بیشتر برای دامادهای آینده. نکته مهم اینکه همان‌طور که در دو کلمه «گیم» و «پلی» مشاهده می‌شود، این نوشته درباره یک «بازی» است و یهو جو نگیرداتان. دانلود کنید و هروقت خواستید بازی کنید. یک جان اضافی هم هدیه ما به شما البته بعد از خواندن این «گیم پلی».

(۱) فکر ازدواج را با یکی از بزرگترهای خود در میان بگذارید، ترجیحاً پدرتان نباشد. چرا؟ همینطوری برای سلامتی خودتان!

(۲) سعی کنید جاخالی بدهید. درهرصورت پول خرید چینی‌های مادر را شما باید بدهید و بهتر است سالم با شید.

(۳) اگر نتوانستید جاخالی بدهید، به مرحله ۹ بروید.

(۴) آمار همه انواع وام و کمک‌های بلاعوضی را که می‌گویند می‌دهند، بگیرید. اگر بیمه تأمین اجتماعی هستید، ۵ میلیون تومان هدیه ازدواج می‌دهد. بفرما!

(۵) پول دسته‌گل و شیرینی تولد اولین فرزندتان درآمد. به تنها فامیل کارمند رسمی که دارید زنگ بزنید و حالش را بپرسید. اسمش مهم نیست. اسم بچه‌هایش هم مهم نیست. همین‌طور رگباری حال خودش و «بچه‌ها» را بپرسید و یکی درمیان بگویید مشتاق دیدار.

(۶) اگر بتوانید خواب پدرش را دیده باشید با لباس سپید در یک باغ بزرگ، خیلی خوب می‌شود. حتماً یادآوری کنید آن مرحوم خیلی دوست داشت ازدواج شما را ببیند. بعد از این تلفن ممکن است همان فامیل را در کوچه خودتان از دور ببینید که با پدرش به سمت شما می‌آید.

(۷) تلاش کنید با متانت و آرامش به سگ‌های ولگرد توضیح دهید که این زمین خالی را برای برگزاری مراسم عقد و ازدواج می‌خواهید و قرار نیست شبها آنجا بخوابید.

اگر قبول نکردند، به مرحله ۹ بروید.

(۸) در اینترنت همه روستاهای دورافتاده را که امکان اجاره یک اتاق در آنها را دارید پیدا کنید. اگر نتیجه

Your search did not match any documents

را مبر کنید. اگر پدرتان سر رسید، سعی کنید دستش را بوسید. اگر نشد، به مرحله بعد بروید.

(۹) گیم اور. در این مرحله شما واقعاً شریف‌فهم می‌شوید که هیچی نیستید، عه! یعنی هیچی ندارید که ازدواج کنید. پس از پرستار بخوابید قبل از تعویض پانسمان شما، گوش‌تان را از کشوی میز کنار تخت بدهد تا بتوانید آن‌جان اضافه که قولش را داده بودیم، استفاده کنید.

برای استفاده از جان اضافی، کلمه Ezdevaj eAsan را در صفحه اول بازی وارد کنید.



## دیالوگ حدسی

سلامی: دستت درد نکنه حاجی عجب چیزی ساختی، حالا به نظرت اول کجارو باهاش شخم بزنیم؟  
حاجی زاده: حاجی هوشمنده خودش میدونه اول باید برای فلسطینی‌ها زمین شخم بزنه.

عباس داوری

سرلشکر سلامی: حاجی به آقای ظریف چی بگیم؟  
سردار حاجی زاده: بگیم اندازه توانایی هامون آرزو کردیم شد این!

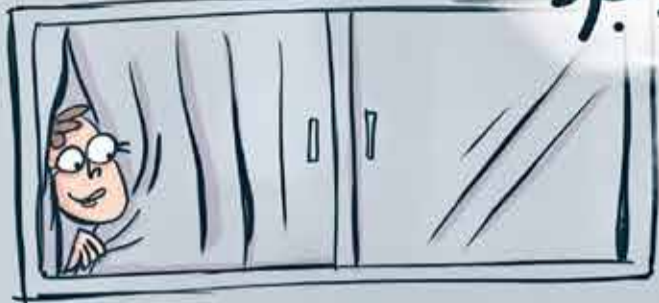
جواد قره محمدی

حاجی زاده: حاجی بیا اینور فتاحش بیفته  
سلامی: به روحانی زنگ بزن بگو ما با ساخته‌های خودمون عکسی می‌گیریم شما با خریدتون ما باهم فرق داریم!

عباس داوری



# بیلستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد البته زیر فشار قرض هم داماد مُرد



ضمن خوش آمدگویی  
برای ورود به ساختمان جهت  
برگزاری مراسم خواستگاری  
کارت ماین و فیس گردش  
حساب خود را در جعبه پستی  
در بگذارید.  
باتشکر پدر عروس



کارت بازی



مرکب تحصیلی







عزیزا حسی شد؟ ما که آدم نیستیم  
نیاز نداریم مالین لباس سویی بخریم.

آروم باش بیسر.  
ماهر اوز قیمت هارو  
می بینم که این شکلی  
لریم. تو مراقب خودت  
باش.



مدل VIP. درسته ۴ برابر  
تفاوت قیمت داره ولی جدیدترین  
تیم سال رو براتون گذاشتیم  
تا ابد براتون یادگاری می‌مونن.



هن یک خانه ۴ متری

خانوم این لباس که دست  
گذاشتن هریر اصله. جواهر  
دوزی با سنگ های تمام خارجی  
که تازه دیروز وارد کشور شده.  
فقط یکی از لباس پامتی موزده.  
باشن آوردن ...



حاج آما صبر کنه  
بیمه کار آما داماد امروز تووم  
می سسه. تا سهره بیسه قضیه  
منتفیه.

علی زارع  
سید محمدجواد طاهری  
نازنین اسماعیل زاده  
سید محمدصادق پورمرشد  
فاطمه سادات رضوی علوی  
ایده

زهرا فرقانی  
تیترا

نازنین اسماعیل زاده  
طراح



به آدوماد بگین  
کنکی رو که نقاش  
دادین بیاد تحویل بگین  
ازدر تو میاد.

زنگ زدیم بنا بیاد دیوار  
تالار رو خراب کنه که  
بیاد داخل ...





# زنان

## صعود طلایی ورزش زنان بعد از انقلاب

فاطمه مرادی خبرنگار

زنان ایرانی در دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی در چهار رشته دوومیدانی، کاراته، بسکتبال و والیبال نقش آفرینی کردند و پس از آن به دلیل تحولات صورت گرفته و جنگ تحمیلی از میادین ورزشی دورافتادند. اما ورزش زنان در دهه ۷۰ با تلاش‌های صورت گرفته به شکل گسترده‌ای از سر گرفته شد و با اضافه شدن چند رشته ورزشی و آغاز ورزش‌های گروهی فعالیت و درخشش بانوان به اوج خود رسید. نکته چشمگیر، حضور زنان ورزشکار ایرانی در میادین بین‌المللی است که در مقایسه با قبل از انقلاب جهش پررنگی را شاهد هستیم. قبل از انقلاب ۹ مری و ۷ داور زن در کشور فعالیت داشتند و در مجموع ۷ رشته در بخش بانوان فعال بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان ورزشکار ایران در بیش از ۴۰ رشته ورزشی فعالیت و حضور دارند. علاوه بر این بیش از ده‌ها هزار مری و داور زن در کشور فعالیت دارند و باشگاه‌های ورزشی بسیاری نیز برای فعالیت در اختیار بانوان است. اکنون نه تنها سرمایه‌گذاری در ورزش زنان بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته بلکه شاهد کسب کرسی‌های آسیایی و جهانی و ریاست فدراسیون‌ها توسط زنان هستیم. ایران اسلامی با معرفی مری به کشورهای مختلف، قضاوت داوران زن بین‌المللی، کرسی‌های جهانی و... چهره توانمندی از زنان به نمایش گذاشته است. فهرست زیر اسامی تعدادی از ورزشکاران زن ایرانی از اقصی نقاط میهن است که توانسته‌اند در عرصه‌های بین‌المللی افتخار آفرین باشند.

**ایران اسلامی حالا بعد از انقلاب با معرفی مری به کشورهای خارجی، قضاوت داوران زن بین‌المللی، کرسی‌های جهانی و... چهره زیبایی را از زنان به نمایش گذاشته است**



در آتن بین ۴۱ نفر بیست‌وهشتم شد که تا آن مقطع، بهترین عنوان تیراندازهای زن و مرد ایرانی در تاریخ المپیک بود.

- **ساره جوانمردی**، ۱۳۶۳، وی اولین بانوی مدال‌آور تیرانداز ایرانی در مسابقات پارالمپیک است. ساره ۱۵ طلا، ۵ نقره، ۲ برنز را در پارالمپیک، قهرمانی جهان، جام جهانی و بازی‌های پارآسیایی به‌دست آورده است.

- **گلنوش سبقت‌اللهی**، ۱۳۶۹، ورزشکار رشته تیراندازی تانچه و عضو تیم ملی تیراندازی است. وی نخستین بانوی اصفهانی بود که موفق به کسب سهمیه المپیک شد. او ۲ طلای جام جهانی و بازی‌های همبستگی اسلامی را دارد. یک نقره و ۴ برنز نیز به دست آورده است.
- **منیژه کاظمی**، ۱۳۵۳، به‌عنوان تنها زن ایرانی در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۰ سیدنی استرالیا در تانچه بادی ۱۰ متر شرکت کرد.
- **نسیم حسن‌پور**، ۱۳۶۳، در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۴ در تانچه بادی ۱۰ متر شرکت کرد. نسیم

### تیراندازی با تانچه



- **زهرا قنبری**، ۱۳۷۰، بازیکن فوتبال ایران است که در فصل ۹۸-۹۷ با ۵۱ گل زده خانم‌گل فوتبال ایران شد. او به عنوان نخستین لژیونر فوتبال بانوان ایران شناخته می‌شود.
- **سارا قسی**، ۱۳۶۶، رکورددار بیشترین گل‌زده در لیگ بانوان ایران است. او تاکنون (اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶) ۳۵ بار (یا بیشتر) برای تیم ملی در میادین مختلف بازی کرده و موفق به ۲۳ بار (یا بیشتر) گلزنی برای تیم ملی ایران شده است.
- **شقایق نوریزاده**، ۱۳۷۸، این بانوی فوتبالیست، ورزش حرفه‌ای خود را در نونهالی

### فوتبال

با شرکت در تست‌های استعدادیابی فوتبال استان فارس شروع کرد. از سال ۱۳۹۰ تاکنون در تمامی رده‌های تیم ملی فوتبال بانوان حضور داشته است و در مسابقات آسیایی و تورنمنت‌های بین‌المللی و اروپایی متعددی سابقه بازی دارد.

- **مریم ایراندوست**، ۱۳۵۷، بازیکن سابق تیم ملی فوتبال زنان ایران و مری حال حاضر تیم سپاهان اصفهان است. او تا به حال به عنوان مدرس بین‌المللی فوتبال در چندین کشور به تدریس فوتبال پرداخته است.

- **الهه احمدی**، ۱۳۶۱، تنها زن تیرانداز ایرانی است که بیشترین مدال در عرصه جهانی را به دست آورده و بهترین نتیجه را در تاریخ این رشته ورزشی در المپیک برای ایران به دست آورده است. الهه یک طلا، ۷ نقره و ۴ برنز در بازی‌های آسیایی و همبستگی اسلامی به‌دست آورده است.



### تیراندازی با تفنگ بادی

**لیدا فریمان**، ۱۳۵۱، نخستین زن تاریخ ورزش ایران بود که پرچمداری

کاروان ایران در المپیک را عهده‌دار شده بود. وی با سه ساعت خواب در رقابت‌های تیراندازی المپیک شرکت کرد و در مرحله مقدماتی حذف شد و بین ۴۹ نفر در رده چهل‌وششم قرار گرفت.

- **مه‌لقا جام‌بزرگ**، ۱۳۷۰، او اولین ورزشکار زن ایرانی است که سهمیه المپیک لندن را گرفت و توانست در ماده تفنگ بادی از فاصله ۱۰ متر، ایران را صاحب سهمیه کند. مه‌لقا یک طلا، ۲ نقره و ۵ برنز در کارنامه حرفه‌ای خود دارد.
- **نجمه خدمتی**، ۱۳۷۵، او با کسب نشان طلای تیراندازی تفنگ بادی ۱۰ متر بانوان در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ در اینچئون کره جنوبی نخستین طلاآور ایران در این بازی‌ها لقب گرفت. نجمه ۵ طلا، ۳ نقره و ۷ مدال برنز را در جام جهانی، یونیورسیاد، بازی‌های همبستگی اسلامی و آسیایی از آن خود کرده است.
- **نرجس امامقلی‌نژاد**، ۱۳۶۲، قهرمان تیراندازی با تفنگ بادی است که در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ کره جنوبی توانست به ۲ مدال نقره تیمی و انفرادی دست یابد. او در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ چین مدال نقره تیمی کسب کرد و اولین طلای آسیایی را در مسابقات قهرمانی آسیا در کویت به دست آورد.

### ووشو

- **الهه منصوریان**، ۱۳۷۰، وی موفق به کسب ۶ طلا، ۳ نقره و ۲ برنز ووشوی زنان شده است.
- **حمیده برخوردار**، ۱۳۷۵، او در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ۲۰۱۳ اندونزی در بخش تالو در دو سبک



تای‌چی جیان و تای‌چی چوان صاحب مدال برنز شد.

- **خدیدجه آزادپور**، ۱۳۶۷، ووشوکار ایرانی که مدال طلای قهرمانی جهان و بازی‌های آسیایی را کسب کرده است. وی در قهرمانی جهان ۲۰۰۹ تورنتو اولین زن ایرانی قهرمان جهان ووشو و در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگ‌ژو اولین زن ایرانی شد که در تاریخ بازی‌های آسیایی به مدال طلای انفرادی دست یافت.
- **نقیسه پورگنجی**، ۱۳۷۵، ۲ مدال برنز مسابقات ووشوی جوانان آسیا ۲۰۱۱ چین، ۲ نقره مسابقات ووشوی جوانان آسیا ۲۰۱۳ فیلیپین و مدال برنز بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ۲۰۱۳ اندونزی در بخش تالو سبک چانگ چوان را در کارنامه دارد.
- **هانیه رجیبی**، ۱۳۷۴، ووشوکار زن ایرانی که یک طلا، ۴ نقره و ۷ برنز را در قهرمانی جهان، جام جهانی تالو و رقابت‌های آسیایی به دست آورده است.

- **فروغ عباسی**، ۱۳۷۲، اولین بانوی پرچمدار المپیک زمستانی در رشته اسکی آلپاین است. او ۵ طلا، ۷ نقره و ۱۲ برنز در مسابقات بین‌المللی، قهرمانی آسیا و مسابقات لیگ و کشوری به‌دست آورده است.
- **مرجان کلهر**، ۱۳۶۷، اسکی‌باز زن ایرانی رشته آلپاین و اولین اسکی‌باز زن المپیک زمستانی است.



### اسکی آلپاین

- **آرین آرتونینان**، ۱۳۶۵، بازیکن بسکتبال ارمنی‌تبار اهل ایران است. در سال ۱۳۹۱ به همراه تیم دانشگاه آزاد قهرمان یازدهمین دوره لیگ برتر بسکتبال ایران شد.
- **تینا ادنا عیسانیان**، ۱۳۵۱، عضو و کاپیتان تیم ملی بسکتبال زنان ایران است که بهترین ریباندر غرب آسیا در سال ۲۰۱۹، مقام‌های اول، دوم و سوم المپیک ارمنه جهان در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ و عنوان بهترین بازیکن در المپیک ۲۰۱۶ ارمنستان را به دست آورده است. او با تیم ایران در سال ۲۰۱۷ در سه نقره غرب آسیا قهرمان شد.
- **نارینه آرتاشیان**، وی عضو تیم ملی بسکتبال زنان ایران است و در سال ۱۳۹۱ به همراه تیم دانشگاه

آزاد قهرمان یازدهمین دوره لیگ برتر بسکتبال ایران شد.

- **واننا موسی‌خانیان**، بازیکن بسکتبال ارمنی‌تبار اهل ایران است. وی در سال ۱۳۹۱ به همراه تیم دانشگاه آزاد قهرمان یازدهمین دوره لیگ برتر بسکتبال ایران شد.
- **وانه خوجومیان**، نامعلوم، بازیکن بسکتبال ارمنی‌تبار اهل ایران است وی در سال ۱۳۹۳ به همراه آزارات قهرمان سیزدهمین دوره و به همراه تیم دانشگاه آزاد قهرمان یازدهمین دوره در سال ۱۳۹۱ و هفدهمین دوره لیگ برتر در سال ۱۳۹۷ شد.

### بسکتبال



- **ورا نراقی**، ۱۳۶۷، وی در اولین دوره مسابقات قهرمانی موتورکراس بانوان در سال ۱۳۸۸ مقام اول را به دست آورد و نخستین قهرمان زن موتور کراس ایران لقب گرفت. به عنوان تنها زن موتورسوار در تاریخ ایران به مسابقات آمریکا هم راه پیدا کرد. نورا پس از دریافت گواهینامه بین‌المللی مربیگری موتور کراس از آمریکا هم‌اکنون در شهران، پارک کوهسار و پیست آزادی مشغول تمرین دادن به بانوان است.



### موتور کراس

- **زینب ساسانیان**، ۱۳۷۷، وی دارنده مدال نقره و برنز دوچرخه‌سواری کشوری بود و در سال ۲۰۱۷ به همراه تیم ملی دوچرخه‌سواری در مسابقات آسیایی شرکت کرد.
- **فرانک پرتوآذر**، ۱۳۶۷، او یکی از اعضای تیم ملی دوچرخه‌سواری ایران در رقابت‌های قهرمانی آسیای سال ۲۰۱۷ بود که مدال برنز ماده رلی را کسب کرد. پرتوآذر هم‌اکنون نفر اول آسیا و نفر هشتادوهفتم جهان در رشته کراس-کانتری در رنکنینگ UCI است.



### دوچرخه‌سواری

- **ثریا آقایی**، ۱۳۷۴، ورزشکار رشته بدمینتون است. او اولین بانوی بدمینتون ایران است که موفق به کسب سهمیه المپیک شده و در المپیک ۲۰۲۰ توکیو شرکت کرد.



### بدمینتون



### هاکی

- **مارال راسخی**، ۱۳۶۵، در سال ۲۰۱۶ موفق به کسب مدال برنز تیمی در رقابت‌های آسیایی هاکی در چین شد. در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ برای تیم اسکیت هنگ‌کنگ در جام آزاد باشگاه‌های جهان بازی کرد و موفق به کسب یک مدال طلای تیمی شد.



### تنیس روی میز

- **ندا شهسواری**، ۱۳۶۵، بازیکن تنیس روی میز است که دو دوره سابقه حضور در المپیک را دارد. او اولین زن ایرانی است که در رشته تنیس روی میز در المپیک لندن حضور پیدا کرده است.

### شنا

- **شیرین گرامی**، ۱۳۵۸، نخستین زن ورزشکار ایرانی در رشته سه‌گانه است که پس از به دست آوردن مجوز حضور در مسابقات بین‌المللی اتحادیه بین‌المللی ورزش سه‌گانه، در سال ۱۳۹۲ در مسابقات جهانی لندن (۲۰۱۳) شرکت کرد. او همچنین برای نخستین بار به عنوان یک بانوی ایرانی با حجاب اسلامی کامل در مسابقات (سه‌گانه استقامتی شنا، دوچرخه‌سواری و دو) در هاوایی آمریکا شرکت کرد.



### اسکی صحرانوردی

- **فرزانه رضاسلطانی**، ۱۳۶۴، یکی از اعضای تیم ملی اسکی صحرانوردی ایران در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۴ روسیه بوده است.





**زهرا دهقان انبوی**، ۱۳۶۶، او به عنوان نماینده ایران در رقابت‌های تیراندازی المپیک لندن حضور داشت و یک مدال نقره قهرمانی آسیا کسب کرده است.

**زهرا نعمتی**، ۱۳۶۴، نخستین زن در تاریخ ورزش ایران است که موفق به کسب مدال طلا در سه پارالمپیک پیاپی لندن ۲۰۱۲، ریو ۲۰۱۶ و توکیو ۲۰۲۰ در تیراندازی با کمان شده است. اکنون او یکی از پر افتخارترین ورزشکاران دارای معلولیت ایران است که ۳ طلا، یک نقره و یک برنز به دست آورده است.

**ملیکا عبدالکریمی**، ۱۳۷۳، تیرانداز و برنده مدال طلای مسابقات کشوری تیراندازی با کمان در ده‌های نوجوانان و جوانان است. او در مسابقات جهانی چین نیز با امتیاز ۶۳۲ موفق به شکستن رکورد رشته ریکرو شد.



**تیراندازی با کمان**

بزرگ آسیا در تایلند به مدال طلای ماده ۴۰۰ متر دست یافت. او ۴ طلا، یک نقره و ۲ برنز را به گردن آورده است. طوسی در رقابت‌های کشورهای اسلامی ۲۰۱۳ اندونزی توانست در مسابقات ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر صاحب دو مدال طلا شود و رکورد ایران در این رشته را نیز ارتقا دهد.

**فرزانه فصیحی**، ۱۳۷۱، رکورددار دوی ۶۰ متر زنان ایران است و به «دختر باد» مشهور است. فرزانه یک طلا، ۲ نقره و یک برنز را در مسابقات همبستگی اسلامی داخل سالن آسیا کسب کرده است.

**پریرسا بهزادی**، او نخستین دختر اعزامی ایران به مسابقات برون‌مرزی آسیایی و قهرمانی آسیا است. از سال ۷۷ تا ۸۴ عضو تیم ملی دوومیدانی ایران بوده و حدود ۹ سال نفر اول دوومیدانی ایران در ماده پرتاب وزنه بوده است.

**سپیده توکل نیک**، ۱۳۶۷، ورزشکار دوومیدانی و رکورددار رشته‌های هفت‌گانه، پنج‌گانه و پرش ارتفاع ایران است. او یک طلا، ۲ نقره و یک برنز را به نمایندگی از ایران کسب کرده است.

**مریم طوسی**، ۱۳۶۶، وی در رقابت‌های جایزه

**دوومیدانی**

**تکواندو**

سارا در بازی‌های آسیایی گوانگژو، نشان برنز را به دست آورد.

**سوسن حاجی‌پرو**، ۱۳۶۹، در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگژو و بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون موفق به کسب نشان برنز تکواندو شد. او با کسب مدال طلای وزن سوم مسابقات گزینشی المپیک در تایلند، جواز حضور در رقابت‌های المپیک لندن را نیز کسب کرد.

**کیمیا علیزاده زوزی**، ۱۳۷۷، او در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ برنده مدال برنز شد و نخستین، جوان‌ترین و تنها زن ایرانی است که در تاریخ ورزش ایران در بازی‌های المپیک، برنده مدال شده است. او ۳ طلا، یک نقره و ۳ برنز را به نمایندگی از ایران به گردن آورده است.

**ناهید کیانی**، ۱۳۷۷، تکواندوکار ایرانی است که تا به حال ۵ طلا، یک نقره و ۴ برنز در یافت کرده است. او در مسابقات قهرمانی تکواندو جهان ۲۰۲۳، اولین نشان طلای جهانی در تاریخ تکواندوی زنان جمهوری اسلامی را به گردن آورده است.

**اکرم خدابنده**، ۱۳۷۰، کاپیتان تیم ملی تکواندوی زنان ایران بود. خدابنده مفتخر به دریافت ۳ طلا، ۳ نقره و یک برنز شده است.

**بهاره قادریان**، ۱۳۷۱، از افتخارات وی می‌توان به مدال برنز پومسه انفرادی در مسابقات جهانی تکواندو ۲۰۱۰، مدال طلای پومسه تیمی در مسابقات جهانی تکواندو ۲۰۱۲ کلمبیا و مدال طلای پومسه تیمی در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ۲۰۱۳ اندونزی اشاره کرد.

**راحله آسمانی**، ۱۳۶۸، تکواندوکار زن ایرانی-بلژیکی است؛ او ۲ طلا، ۲ نقره و برنز را به نمایندگی از ایران دریافت کرده است.

**سارا خوش‌جمال فکری**، ۱۳۶۷، نخستین تکواندوکار زن ایرانی بود که در المپیک تابستانی پکن مسابقه داد. پیش از المپیک مجله تایم وی را یکی از ۱۰۰ ورزشکار تماشایی المپیک معرفی کرد.



**پرتاب وزنه**

**لیلا رجبی**، ۱۳۶۱، تاتیانا ایلیوشچانکای متولد کشور بلاروس است که در رشته ورزشی پرتاب وزنه فعالیت دارد. تاتیانا پس از دریافت تابعیت ایرانی و گرایش به دین اسلام، با نام لیلا رجبی در پوشش زندگی می‌کرد. او ۳ طلا، ۲ نقره و ۳ برنز را برای ایران کسب کرده است و از زمان حضورش در ایران رکورد پرتاب وزنه ایران را بهبود داده است.

**قایقرانی**

**آرزو حکیمی مقدم**، ۱۳۷۴، ۱۷ سال سن جوان‌ترین ورزشکار ایرانی در مسابقات المپیک ۲۰۱۲ لندن و نخستین بانوی قایقران ایرانی (در رشته کایاک) در المپیک بود. او برنز اینچئون ۲۰۱۴ و یک طلا، یک نقره و ۲ برنز قهرمانی کانوئینگ آسیا را در کارنامه خود دارد.

**آرزو معتمدی**، ۱۳۶۸، نخستین دختر قایقرانی است که در سال ۲۰۱۱ توانست سهمیه المپیک لندن را به دست آورد.

**حمیرا برزگر**، ۱۳۷۰، قایقران روئینگ است که توانست در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ به میزبانی کره جنوبی در اینچئون به جایگاه سوم و نشان برنز بازی‌ها



**سارا شیربیگی**، ۱۳۷۰، او با زدن ۹ گل به عنوان خانم گل مسابقات قهرمانی فوتسال زنان آسیا در سال ۲۰۱۸ دست یافت. همچنین به عنوان یکی از ۱۰ نامزد نهایی کسب عنوان برترین فوتسالیست زن جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی انتخاب شد.

**فرشته کریمی**، ۱۳۶۷، او جزو ۱۰ بازیکن برتر فوتسال زنان جهان در سال ۲۰۱۳، به انتخاب سایت فوتسال پلنت است. وی در مسابقات قهرمانی ملت‌های آسیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ به عنوان بهترین بازیکن رقابت‌ها انتخاب شده است.

**نیلوفر اردلان**، ۱۳۶۴، بازیکن فوتبال و فوتسال است که تجربه بازی و کاپیتانی در تیم ملی فوتبال و فوتسال زنان ایران را دارد. در سال ۱۳۹۶ تصمیم گرفت از دنیای فوتبال و دنیای فوتسال به عنوان بازیکن خداحافظی کند و رسماً وارد عرصه مربیگری شد.



دست باید. او یک مدال برنز هم در گوانگ‌ژو ۲۰۱۰ به گردن آورده است.

**سولماز عباسی آزاد**، ۱۳۶۲، قایقران روئینگ و مربی تیم ملی ایران است که توانست مدال برنز بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو را نصیب خود کند. او یک نقره و دو برنز دیگر نیز دارد.

**فرحناز امیرشقاقتی**، عضو تیم ملی قایقرانی زنان ایران در دوره‌های هفتم الی نهم مسابقات قهرمانی آسیا بود. ۲ مدال طلا، ۲ نقره و ۳ برنز را در مسابقات آسیایی در کارنامه خود دارد.

**مهسا جاور**، قایقران روئینگ است که تنها سهمیه قایقرانی روئینگ ایران در المپیک ریو را کسب کرد و ۲ نقره و یک برنز را به دست آورده است.

**نازنین ملایی**، ۱۳۷۰، قایقران روئینگ است که توانسته ۳ مدال طلا، ۳ نقره و ۳ برنز را به نمایندگی از ایران از آن خود کند.

هدیه کاظمی، ۱۳۷۳، نخستین مدال آور تاریخ قایقرانی آب‌های آرام بانوان ایران در آسیا در ماده کایاک ۵۰۰ متر بود که در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۳ در ازبکستان مدال نقره را کسب کرد.

**هما حسینی**، ۱۳۶۷، قایقران ایرانی است که پرچمدار کاروان ورزشی ایران در المپیک پکن بود.

**شطرنج**



سپتامبر ۲۰۱۱ به ریپینگ ۲۲۵۲ دست یافت که او را در رده سوم زنان ایرانی قرار داد.

**غزل حکیمی فرد**، ۱۳۷۳، دارای عنوان استادبزرگ زنان شطرنج است. در آخرین رنکینگ جهانی در ماه مه ۲۰۲۰، با ریپینگ ۲۲۶۵ در رده پنجاه و چهارم شطرنج‌بازان ایران قرار داشت.

**میترا حجازی‌پور**، ۱۳۷۱، شطرنج‌باز ایرانی است که درجه استادبزرگ زنان را در سال ۲۰۱۵ به دست آورده است. وی در سال ۱۳۹۱ قهرمان شطرنج زنان ایران شد. او موفق به کسب یک نقره در بازی‌های آسیایی شده است

**آتوسا پورکاشیان**، ۱۳۶۷، شطرنج‌بازی است که درجه استادبزرگ زنان را در اختیار دارد و فاتح شش دوره مسابقات قهرمانی شطرنج زنان ایران شده است. او دو مدال برنز بازی‌های آسیایی را کسب کرده است.

**سارا سادات خادم‌الشریعه**، ۱۳۷۵، استاد بین‌المللی و نخستین شطرنج‌باز زن ایرانی است که علاوه بر کسب درجه استادبزرگ زنان در سن ۱۸ سالگی، در هشتاد و چهارمین کنگره شطرنج جهان توانست عنوان استاد بین‌المللی شطرنج را به دست آورد؛ عنوانی که پیش از آن، تنها توسط شطرنج‌بازان مرد ایران کسب شده بود.

**شادی پریدر**، ۱۳۶۵، نخستین شطرنج‌باز ایرانی است که درجه استادبزرگ زنان را (در سال ۲۰۰۴) به دست آورده و در حال حاضر به عنوان نایب‌رئیس «فدراسیون شطرنج بانوان» مشغول به فعالیت است. او ۴ بار قهرمان شطرنج زنان ایران شده و ۲ برنز و یک نقره بازی‌های آسیایی را در کارنامه دارد.

**شاپسته قادرپور**، ۱۳۶۳، شطرنج‌باز ایرانی با درجه استاد بین‌المللی زنان است. در

**کوهنوردی**

**لیلا اسفندیاری کجوری‌راد**، ۱۳۴۹، کوهنورد ایرانی بود. وی در کوه گاشربروم ۲ سقوط کرد و جان خود را از دست داد. او صعود و پیمايش به ده‌ها قله و یخچال و غار را در کارنامه خود دارد.



**حمیده عباسعلی**، ۱۳۶۸، عضو و کاپیتان تیم ملی کاراته جمهوری اسلامی ایران است. او موفق به دریافت ۲۱ مدال طلا، ۸ نقره و ۱۳ برنز شده است.

**سمانه خوش‌قدم**، ۱۳۶۲، کاراته‌کار و مربی که ۲ طلا، یک نقره و ۲ برنز به نمایندگی از ایران کسب کرده است.

**ملیکا احدی**، ۱۳۷۷، وی ۷ مدال طلا در تورنمنت بین‌المللی، مدال برنز مسابقات نوجوانان قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۲، مدال نقره همان مسابقات در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و مدال برنز امید مسابقات قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۵ را در کارنامه خود دارد و در سال ۲۰۱۹ قهرمان جهان شد.



**یاسمین سعادت**، اولین تنیسوری است که با حجاب اسلامی در رقابت‌های بین‌المللی برای تیم ملی ایران به میدان رفت.

**ارغوان رضایی**، ۱۳۶۵، مشهور به ملکه تنیس ایران است. او با تیم ملی ایران در بازی‌های اسلامی بانوان ۲۰۰۵ و ۲۰۰۵ مدال طلا را کسب کرده است.



**فرناز اسماعیل‌زاده**، ۱۳۶۷، قهرمان آسیا و دارنده رکورد سنگ‌نوردی سرعت زنان ایران با ثبت زمان ۹ ثانیه است. اسماعیل‌زاده ۲ طلا، ۴ نقره و ۴ برنز را در مسابقات قهرمانی آسیا و سنگ‌نوردی‌های کانادا و مسترکاپ کسب کرده است.

**الناز کابی**، ۱۳۶۸، سنگ‌نوردی است که موفق به دریافت ۳ برنز و یک نقره در قهرمانی‌های جهان و آسیا شده است.



**سنگ‌نوردی**

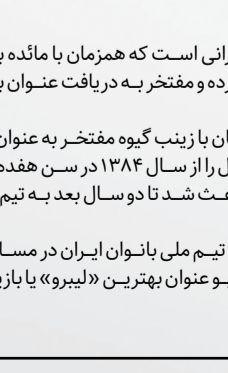
**زهرا وطن‌خواه**، ۱۳۵۶، دومین بانوی راننده مسابقات رالی است. وی در سال ۸۲ به عنوان تنها زن حاضر در مسابقات کارتینگ به مقام چهارم و در مسابقات رالی به قهرمانی دست یافت. او در سال ۲۰۰۸، به عنوان اولین بانوی تاریخ اتومبیلرانی ایران به همراه افسانه احمدی (به عنوان نقشه‌خوان) راهی مسابقات جهانی رالی WRC شد و توانست در کلاس ۸۷ مقام چهارم را کسب کند. او توانسته ۵ بار مقام اول و یک بار مقام دومی مسابقات سرعت در کلاس GT-۱۴۰۰ را به دست آورد.



**زینب گیوه**، ۱۳۶۲، او اولین زن ایرانی است که همزمان با مانده برهانی عنوان لژیونر والیبال زنان را دریافت کرده و مفتخر به دریافت عنوان بازیکن اخلاق ایران در سال ۱۳۹۲ شده است.

**مانده برهانی**، ۱۳۶۷، وی همزمان با زینب گیوه مفتخر به عنوان اولین لژیونر تاریخ والیبال زنان است. او والیبال را از سال ۱۳۸۴ در سن هفده‌سالگی آغاز کرد اما استعداد و توانایی‌اش باعث شد تا دو سال بعد به تیم ملی والیبال دعوت شود.

**نگار کیانی**، ۱۳۷۱، او به همراه تیم ملی بانوان ایران در مسابقات والیبال مقدماتی قهرمانی جهان در مالدیو عنوان بهترین «لیبرو» یا بازیکن آزاد این مسابقات را کسب کرد.



**اتومبیلرانی**



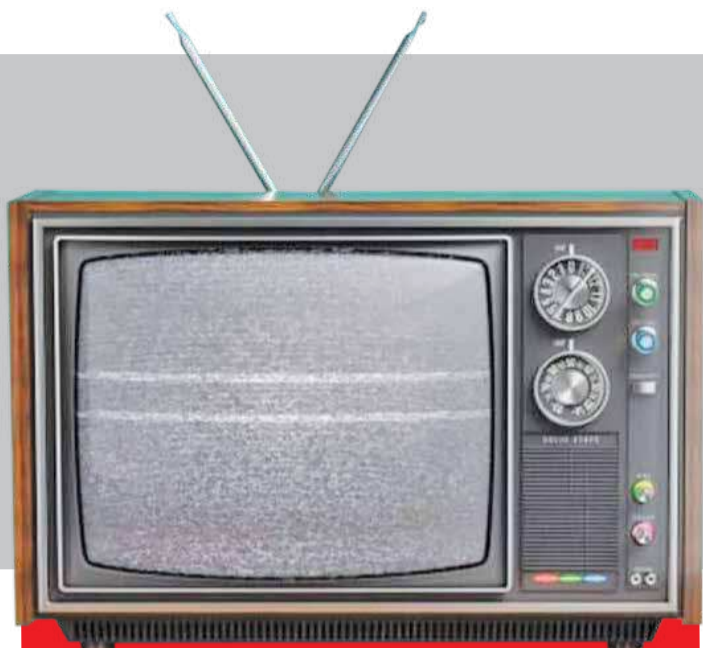
**اتومبیلرانی**



# فرهنگ

## رسد صدای پاپ به قواره رسانه ملی:

# پروژه فاخر کجایی؟! دقیقا کجایی!؟



اگر به راستی همه حرف‌ها و حدیث‌ها سر یک مشت پول است، دستمزدهای چند صد میلیونی و چند ده میلیاردی سلبریتی‌هایی که اجرای برنامه‌ای را قبول کرده‌اند، چطور توجیه‌پذیر است؟ مثلاً چهره‌ای نام آشنا که اعتبارش را از صدا و سیما گرفته، تا چندی قبل برای اجرای برنامه‌های هفتگی، گفته بود باید ۳۰ میلیارد تومان به حسابش واریز کنند تا دلش آرام باشد و اجرایش را تمام و کمال انجام دهد.

وی در بخشی دیگر از اظهاراتش گفته «بارها هم اعلام کردم که اگر بنا باشد در سال، یک سریال الف ویژه تولید کنیم و به عبارتی هفته‌ای یک قسمت سریال الف ویژه روی آنتن داشته باشیم، لازمه آن این است که منابع لازم برای چنین تولیداتی به صورت جداگانه به صدا و سیما اختصاص یابد. اگرچه مجلس در لایحه بودجه کمک‌هایی لحاظ کرده است منتهی آن چیزی که ما نیاز داریم برای یک جهش در عرصه تولید مجموعه‌های نمایشی، بودجه‌ای بیشتر از این کمک‌ها را می‌طلبد.»

رئیس صدا و سیما با تأکید به نبود بودجه کافی برای ساخت سریال‌های فاخر، انگار آب پاکی را روی دست آن درصد از مخاطبان وفادار خود که باقی مانده‌اند، ریخته است که تا پول نیاید از ما انتظاری جز چند سریال و برنامه‌های ترکیبی و مسابقات با ترکیبی از مجریان ثابت و نه چندان جذاب نداشته باشید.

اما بیا بیاید سری به ردیف بودجه‌های مجلس و به صورت خاص، بودجه مصوب مجلس برای ۱۴۰۲ صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بزنیم، ببینیم در این وانفصالی رسانه‌ای، اوضاع مالی رسانه ملی چگونه است.

منابع موقتی می‌گویند، لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ با سقف کلی ۵۲۶۱ هزار میلیارد تومان در دولت سیزدهم بسته شده که نسبت به سال جاری حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. بررسی جداول بودجه هم نشان می‌دهد این افزایش در بودجه صدا و سیما در سال ۱۴۰۲ بیش از ۴۲ درصد نسبت به سال گذشته بوده است.

در قسمت ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، سهم هر دستگاه سیاستگذار از بودجه ۱۴۰۲ به تفکیک سازمان‌های زیرمجموعه آن مشخص شده است. در این میان برای سازمان صدا و سیما به‌عنوان یک دستگاه سیاستگذار که زیرمجموعه‌ای برای آن معرفی نشده، بیش از ۷۹۳۸۰۲۰۴۰۰۰۰ میلیارد تومان (مبلغ ۷۹۳۸۰۲۰۴ میلیارد تومان) در نظر گرفته شده است.

اما سهم سریال‌های فاخر از این مبلغ چقدر بوده؟ آمار رسمی می‌گوید: بابت کمک به تولید آثار فاخر سیما و صدا و تقویت ساختار فنی و زیربنایی مبلغ یک هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ تعیین شده بود که در لایحه جدید بودجه رقمی برای آن ذکر نشده است. حال این ذکر نکردن رقم و عدم اختصاص بودجه تخصصی، تهدید است یا فرصت؟ آیا صدا و سیما که محل درآمد‌های پیدا و پنهان بسیاری دارد، لنگ تخصیص بودجه اختصاصی است؟

**بودجه اختصاصی برای دعوت از سلبریتی‌ها به برنامه‌های تلویزیونی**

اگر به راستی همه حرف‌ها و حدیث‌ها سر یک مشت پول است، دستمزدهای چند صد

سمیه دهقان زاده

روزنامه‌نگار



رئیس سازمان صدا و سیما اخیراً در اظهاراتی گفته: «در حال حاضر فیلمنامه‌های بسیار با کیفیت و فاخر داریم، اما منابع مالی مان برای ساخت آنها کفایت نمی‌کند» این بی‌پولی قابل درک است، اما زمانی که از واقعیت پشت پرده دستمزدهای میلیاردی مجری‌های بنام و هدیه‌های چند ده میلیونی میهمان‌های سیما خبر می‌آید، پارادوکسی به قواره رسانه ملی ایجاد شده و سرگردانی مخاطب خاص و عام، همراه سرگردانی بودجه‌ها دنباله‌دار می‌شود. «این کشتی عن قریب به گل نشسته»، تکه کلام معروف آقای کاووسی تحریریه شهر قشنگ در سریال «بدون شرح» بود که هر بار «فتحعلی اویسی» با هیجان و تاب دادن هرچه بیشتر صدا و دست‌هایش در هوا، ادایش می‌کرد و خنده‌ای از ته دل را میهمان خانه هر ایرانی. اما آن روزها و آن طنزها انگار در دنیای امروز، رنگ واقعیت به خود گرفته و به نظر می‌رسد صدا و سیما دلیر دهه هفتاد و هشتاد، به رسانه‌ای نجس تبدیل شده که بالا و پایین کردن بیست کانال تلویزیونی‌اش چنگی به دل نمی‌زند. در این بین، می‌ماند سریال‌های درست و درمان و بلند بالا که سال‌ها مخاطب را در فراز و فرود داستان‌هایش به دنبال خود می‌کشد، سریال‌هایی که فاخر یا الف ویژه صدایشان می‌کنند. این سریال‌ها، آن دسته از آثاری است که دکوربندی‌هایی عظیم دارند و معمولاً در شهرک‌های سینمایی تولید می‌شوند، اما می‌توان آنها را از حیث کیفیت ساخت و بازنمایی مضامین در حد استانداردهای جهانی دانست که در عرصه‌های بین‌المللی مطرح می‌شوند و تعداد کثیری مخاطب دارند.



در کارهای جاری صدا و سیما در پیش تولید و تولید مشکلی (به لحاظ مالی) وجود ندارد، اما پول ساخت سریال‌ها و آثار فاخر که به میان می‌آید یک دفعه کفگیر صدا و سیما به ته دیگ می‌خورد و داستان بودجه فیلم‌های فاخر که از سال‌های قبل کلید خورده، ادامه دار می‌شود و دومینوار در ردیف بودجه‌ای دولت‌های مختلف به حیات خود ادامه می‌دهد

سریال‌های «هزار دستان»، «سربداران»، «بوعلی سینا»، «امام علی»، «در چشم باد»، «یوسف پیامبر»، «مختارنامه»، «روزگار قریب»، «مدار صفر درجه»، «معمای شاه» و «کلاه پهلوی»، سریال‌های فاخری هستند که از یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۹۴، با بودجه‌های ۹۰ میلیون تومانی تا ۵۶ میلیارد تومانی ساخته شده‌اند و برگ برنده سیما در همه این سال‌ها بوده‌اند، اما سیما نتوانسته در نمونه‌های به روزتر خود در سریال‌های «نفوذ»، «ایل‌دا»، «جشن سربرون»، «دادستان» و «طلا» موفقیت‌های این فاخرهای قبلی را تکرار کند.



**فیلمنامه‌های درخور برای ساختن پیدا نمی‌شود؟**

حال، سؤال پیش می‌آید، آیا سوره‌های عالی برای آثار فاخر ته کشیده‌اند یا کارگردانان کاردرست، دست از کار شسته‌اند یا همه چیز ختم به پول و بودجه و اولویت‌بندی می‌شود؟ در همین راستا، اخیراً جناب «جلیلی» رئیس سازمان صدا و سیما گفته‌اند: در حال حاضر فیلمنامه‌های بسیار با کیفیت و فاخر داریم مثلاً فیلمنامه «پوریای ولی» آقای جعفری جوزانی جزو آثار فاخر است و فیلمنامه‌های دیگری هم داریم اما امکان تولید کارهای ارزشمند فاخر نداریم به دلیل اینکه منابع مالی ما برای ساخت این آثار کفایت نمی‌کند.

دقیقه‌ای» راه بیندازد. آن وقت معادله عکس اتفاق می‌افتد و سلبریتی که تشنه دیده شدن است و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هم آن طور که باید این عطش را از او رفع نمی‌کند، با اشتیاق بیشتر در برنامه‌ها حضور می‌یابد و با خرج کمتری از جیب مردم و خرج بیشتری از جیب خود و فن و هنر، برنامه‌ای در شأن مخاطب فهیم و نجیب سیما ساخته و ارائه می‌شود؛ راهی که مدت‌هاست در مسیرش سیما به بی‌راهه زده، اما امید است که بازگردد و راه درست را تا رسیدن به این مهم، طی کند.

**سهم سریال‌های فاخر از بودجه صدا و سیما**

رئیس صدا و سیما در بخشی دیگر از اظهاراتش توضیح داده: به نظر می‌رسد حدود ۴۰ فیلمنامه فاخر داریم که آماده تولید و کلید زدن است که همچون آقایان درویش، لطیفی، جعفری جوزانی و... از جمله کارگردانانی هستند که با آنها صحبت کرده‌ام. من با بسیاری دیگر از کارگردانان نام آشنا صحبت کردم و همه آمادگی فعالیت در مجموعه‌های فاخر دارند اما منوط به این است که ما بتوانیم منابع مالی پایدار تعریف کنیم. با این حال همان طور که مهدی تقویان رئیس مرکز سیما فیلم گفته است در کارهای جاری که در پیش تولید و تولید داریم مشکلی (به لحاظ مالی) وجود ندارد.

اگر به این سخنان، خوب دقیق شوید، بخش امیدوارکننده‌ای دارد، اینکه در کارهای جاری صدا و سیما در پیش تولید و تولید داریم مشکلی (به لحاظ مالی) وجود ندارد، اما پول ساخت سریال‌ها و آثار فاخر که به میان می‌آید یک دفعه کفگیر صدا و سیما به ته دیگ می‌خورد و داستان بودجه‌های فیلم‌های فاخر که از سال‌های قبل کلید خورده، ادامه دار می‌شود و دومینوار در ردیف بودجه‌ای دولت‌های مختلف به حیات خود ادامه می‌دهد. حال باید صبر کرد و دید آن ۴۰ فیلمنامه آثار فاخر و آن کارگردانان بنام که رئیس صدا و سیما گفته‌اند شروع به کارشان منوط به منابع مالی پایدار است، سرانجامش به کجا می‌رسد و آیا مدیریت و اولویت‌بندی در خرج بودجه‌ها در آثار ماندگار و برنامه‌های تاریخ انقضا دار لحاظ می‌شود یا همچنان «این کشتی عن قریب به گل نشسته» را بشتونیم و دم نزنیم.





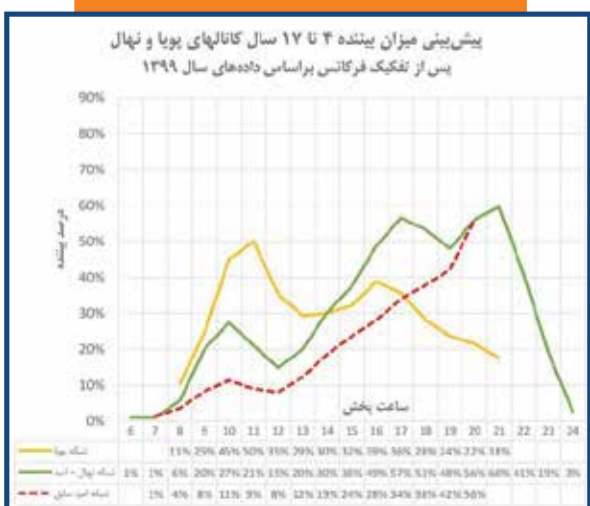
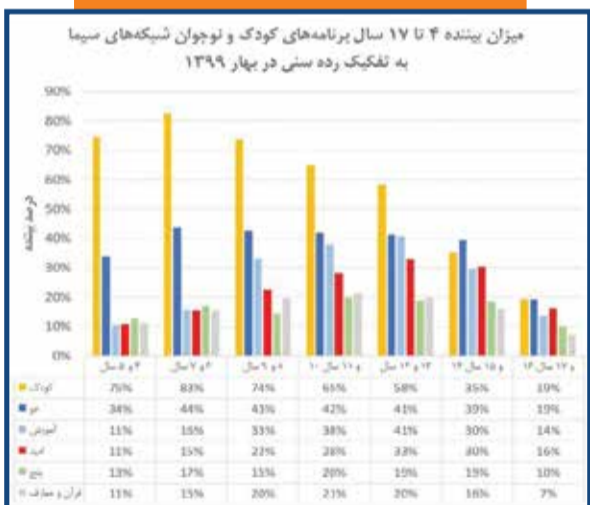
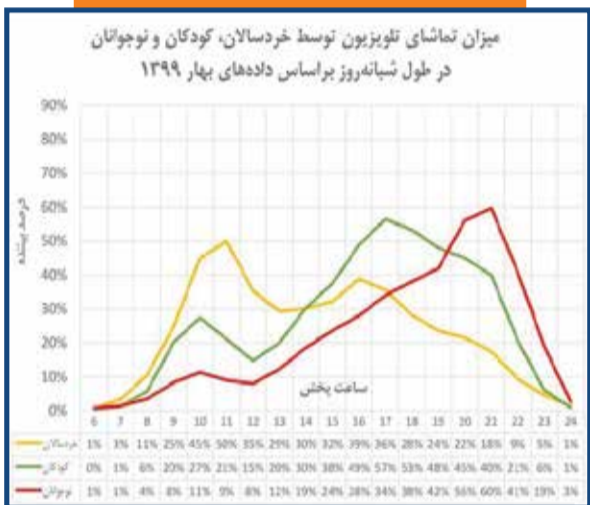
در شهریور ۱۳۹۹ با افسوس فراوان، پیشنهاد تعطیلی شبکه امید را به صداوسیما ارائه دادم. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد نوجوانان بالای ۱۵ سال شبکه‌های بزرگسال را تماشا می‌کنند و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال هم ترجیح می‌دهند کانال نهال شبکه کودک را تماشا کنند.

## بعضی زمزمه‌ها و حاشیه‌ها از تعطیلی شبکه امید حکایت دارند

# امید در آستانه ناامیدی؟!

مریم اسدزاده  
نویسنده

نظرسنجی‌ها نشان می‌داد نوجوانان بالای ۱۵ سال شبکه‌های بزرگسال را تماشا می‌کنند و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال هم ترجیح می‌دهند کانال نهال شبکه کودک را تماشا کنند.



پیمان جبلی اولین نفری بود که از سازمان صداوسیما به خیرسازی‌ها درباره ادغام شبکه کودک و اکانش نشان داد و این خبر را رد کرد و گفت: به شایعات و شائبه‌ها نباید توجهی کرد. بعد از این اظهارات چندی بعد دوباره خبری آمد که «حذف شبکه کودک منتفی است اما منحل شدن شبکه امید، شبکه تخصصی نوجوانان به عنوان گزینه اول در دستور کار مدیران صداوسیما قرار گرفته است. بر این اساس، شبکه کودک (نهال و پویا) به کار خود ادامه خواهد داد و امید جای خود را به مرکز تخصصی تولید آثار نوجوانان می‌دهد.»

بعد از انتشار اخباری مبنی بر تصمیم مدیران جهت تعطیلی شبکه امید، جمعی از مادران دغدغه‌مند با راه‌اندازی پویش و ارسال نامه به رئیس سازمان صداوسیما، خواستار جلوگیری از تعطیلی شبکه امید شدند. متن نامه را در زیر می‌خوانید: جناب آقای دکتر پیمان جبلی ریاست محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با سلام و احترام همان‌طور که مستحضرید نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی است که هویت‌طلبی و استقلال‌خواهی دو مشخصه اصلی آن به شمار می‌آید. اکنون در وضعیتی به سر می‌بریم که انواع و اقسام رسانه‌های غربی و در سال‌های اخیر شرقی، به دنبال استفاده حداکثری از این نیاز بر حق نوجوانان کشور و جذب آنان هستند. در چنین شرایطی وجود یک «نهال» رسانه‌ای با کاربری و هدف‌گذاری مختص نوجوان که علاوه بر تولید و توزیع محصول رسانه‌ای محلی برای الگوگیری و شرکت در رویدادهای مختلف و انجام پویش‌های متنوع دوره نوجوانی است، ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به اخبار منتشر شده مبنی بر تصمیم تعطیلی شبکه امید در سازمان صداوسیما، ما جمعی از خانواده‌های دارای نوجوان، فعالان رسانه‌ای و حوزه نوجوانان از شما درخواست داریم در این تصمیم تجدیدنظر کرده و نوجوانان این کشور را از داشتن یک نهاد امن با کار ویژه خاص نوجوان محروم نفرمایید. حال باید منتظر بود و دید آیا شبکه امید به سرنوشت شبکه شما و بازار دچار می‌شود یا با توجه به درخواست مادران راه افتادن پویش تغییر در تصمیم مدیران ایجاد خواهد شد. هر چند این اتفاق در همه جای دنیا عادی است و حتی برای شبکه NET که تحت اداره و نظر بنیاد فورد، به آموزش برای بزرگسالان شروع به کار کرد، با وجود داشتن مخاطب و فقط برای اینکه آموزش باید عمومی و در شبکه ملی باشد این سرنوشت برایش رقم خورد و در نهایت هم با ادغام در شبکه PBS به کار خود پایان داد و از این نمونه‌ها در تلویزیون‌های دنیا بسیار است. البته شاید تمام این اتفاقات به خاطر عدم انتخاب صحیح مدیران در انتصاب سرپرست برای این شبکه بوده است و با عجله‌ای که در تغییر روح‌الله رجیبی و قرار دادن محمد صادق باطنی بر مسند سرپرستی این شبکه، ایجاد کردند، باعث شکل نگرفتن آنچه مطلوب تلویزیون ملی در برنامه‌سازی برای نوجوانان است، شده باشد و در این باره هم مدیران باید بیشتر تأمل کنند!



چندی پیش اخبار متفاوتی درباره انحلال یا ادامه به کار شبکه امید شنیده شد؛ حتی سخن از ادغام این شبکه با شبکه کودک هم به میان آمد. اتفاقی که سال‌ها قبل رقم خورده بود. آن زمان این دو شبکه در واقع روی یک کانال و با مدیریت یک نفر تولید و پخش می‌شدند. در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ محمد سرشار به مدیریت شبکه کودک و نوجوان منتصب شد و با این انتصاب رسماً کار شبکه کودک و نوجوان آغاز شد. نزدیک به یکسال بعد، یعنی در فروردین ۱۳۹۵ علی اصغرپور محمدی از مدیران وقت سازمان صدا و سیما از راه‌اندازی کانال امید در آینده نزدیک خبر داد. در ۲ بهمن ۱۳۹۵ یعنی کمتر از یک سال بعد، این کانال به صورت یک شبکه مستقل و با مدیریت مهدی سالم به کارش ادامه داد. حالا دیگر نوجوانان شبکه‌ای مجزا با زمان پخش ۶ صبح تا ۲۴ شب بودند و زمان برنامه‌هایشان را با کودکان و خردسالان تقسیم نمی‌کردند. اما آیا تلویزیون آمادگی پر کردن آنتن برای این گروه سنی در این بازه زمانی طولانی را داشت؟! در ابتدا از برنامه‌هایی که برای شبکه کودک آماده شده بود، استفاده شد و حتی برخی برنامه‌ها که مناسب رده سنی نوجوانان بود در این شبکه باز پخش شد. اما به نظر می‌رسید که روش قبل مفیدتر بود و پیر کردن آنتن با پخش برنامه‌های تکراری باعث افت مخاطب این شبکه شد و حتی برنامه‌های مفید آن هم در میان این حجم از برنامه‌های تکراری از دید مخاطبان مغفول ماندند. با این حال مدیریت تلویزیون به این شبکه نوبت، فرصت داد تا بتواند خود را به استانداردهای تلویزیون برساند.

### ادغام شبکه‌ها، پایانی اجباری برای دوران تکثر شبکه‌ها

تکثر شبکه‌های تلویزیونی که پس از اجرای سیستم پخش دیجیتال در دوران سید عزت‌الله ضرغامی، برای رقابت با ماهواره و جذب مخاطب بیشتر طراحی شده بود، جز به مهجورتر شدن رسانه ملی منجر نشد و شبکه‌هایی که ضرغامی ایجاد کرد، در دوران ریاست محمد سرفراز بسته و در شبکه دیگری ادغام شدند. یکی از مصادیق این اتفاق شبکه «شما» است که تعطیل و در شبکه آموزش ادغام شد اما با حمایت مالی در دوره بعدی ریاست صداوسیما با مدیریت عبدالعلی علی‌عسکری مجدداً این شبکه در ۲۹ شهریور ۱۳۹۵ افتتاح شد و البته در تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۱ برای دومین بار به دلیل کمبود شدید مخاطب به فعالیتش پایان داده شد و این تعطیلی از بهترین تصمیمات مدیران وقت سازمان بود. با توجه به تعدد شبکه‌های مشابه و کیفیت پایین محصولات این شبکه‌ها که تابع منطق تکثر و پخش شدن انرژی و نظارت مدیران ارشد بر کار آنها است، به نظر می‌رسد تصمیم برای حذف یا ادغام برخی شبکه‌ها به چابکی و مدیریت بهتر برنامه‌سازی در سازمان می‌انجامد و این اتفاق مبارکی است.

### محمد سرشار، اولین مدیر شبکه کودک و نوجوان

محمد سرشار، اولین مدیر شبکه کودک و نوجوان هم در صفحه شخصی خود در اینستاگرام در این مورد توضیحاتی داده است. البته پیش از آن هم در مطلبی با عنوان «پیشنهاد تحول اساسی در آرایش شبکه‌های تلویزیون ملی»، پیشنهادهای درخور توجهی داده بود که ما در این مجال فقط به باز نشر مطلب مؤخر اشاره می‌کنیم. سرشار در صفحه خود نوشت: «چند روز پیش از سازمان صداوسیما تماس گرفتند و در خصوص تعطیلی شبکه امید نظرم را پرسیدند. این سؤال ذهن مرا به یکم شهریور ۱۳۹۵ پرتاب کرد. روزی که با ذوق و شوق فراوان، پخش آزمایشی شبکه امید آغاز شد. اما چهار سال بعد، در شهریور ۱۳۹۹ با افسوس فراوان، پیشنهاد تعطیلی شبکه امید را به صداوسیما ارائه دادم. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد نوجوانان بالای ۱۵ سال شبکه‌های بزرگسال را تماشا می‌کنند و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال هم ترجیح می‌دهند کانال نهال شبکه کودک را تماشا کنند. سرشار در بخش دیگری از یادداشت خود آورده است: «پیشنهاد من شامل چند اقدام بود که اکنون نیز قابل اجراست: ۱. شبکه امید تعطیل شود و مخاطب آن بین شبکه سه و کانال نهال تقسیم شود. ۲. کانال نهال در یک فرکانس مجزا و از ۶ صبح

### واکنش پیمان جبلی به خبر تعطیلی امید

رئیس صداوسیما در پاسخ به پرسشی مبنی بر ادغام شبکه کودک و شبکه امید نیز توضیح داده بود: هیچ ساختار و سازگاری برای ما اصل و اصالت ندارد. آنچه برای ما اهمیت دارد دو حوزه تحولی در محتوا و رویکرد است. اگر متناسب با تحول رویکرد و محتوا نیاز به تغییر ساختار و سازگاری باشد حتماً این اتفاق می‌افتد. همان‌گونه که دیدیم ما در معاونت سیما سه ساختار سیمرخ، فیلمنامه و برنامه‌های کوتاه را طراحی کردیم و در جای دیگر دو شبکه را کم کردیم؛ یعنی برای رسیدن به آن هدف و تحولی که داریم هر ساختار و سازگاری که نیاز باشد تغییر می‌کند یا کم و زیاد می‌شود.

تکثر شبکه‌های تلویزیونی که پس از اجرای سیستم پخش دیجیتال در دوران سید عزت‌الله ضرغامی، برای رقابت با ماهواره و جذب مخاطب بیشتر طراحی شده بود، جز به مهجورتر شدن رسانه ملی منجر نشد و شبکه‌هایی که ضرغامی ایجاد کرد، در دوران ریاست محمد سرفراز بسته و در شبکه دیگری ادغام شدند



# جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی

## سی ساله شد

بهناز شریفی  
روزنامه‌نگار

### میزبانی جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی از تمامی رشته‌های دانشگاهی

در حال حاضر بخش اصلی جشنواره پذیرای آثار دانشجویان در همه رشته‌های دانشگاهی است و در بخش ویژه نیز آثار مرتبط با اولویت‌های علمی و فرهنگی کشور پذیرفته و ارزیابی می‌شوند؛ ضمن اینکه هر سال یکی از استادان دانشگاه فعال در زمینه نشر، کتاب و تألیف و ترجمه به عنوان «استاد خادم کتاب» معرفی و تجلیل می‌شود. دانشجویان تمامی رشته‌ها و مقاطع تحصیلی دانشگاهی و طلاب سطوح مختلف می‌توانند آثار خود را به تعداد نامحدود و براساس شرایط اعلام شده در فراخوان، در شش گروه اصلی شامل «فنی و مهندسی»، «علوم پایه»، «علوم انسانی»، «کشاورزی و منابع طبیعی»، «علوم پزشکی و دامپزشکی»، «هنر و معماری» و دو بخش «ویژه» و «بین‌الملل» به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی که عنوان پرمخاطب‌ترین برنامه‌های معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی در سال‌های اخیر را یدک می‌کشد، توجه به مباحث کاربردی در حوزه علم و تحقیق را سرلوحه خود قرار داده تا ضمن حمایت از دانشجویان، نقش کوچکی در ترویج فرهنگ تألیف و مطالعه و حل معضلات کشور داشته باشد.

### رشد صعودی آثار در جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی

حامد علی اکبرزاده رئیس انتشارات جهاد دانشگاهی می‌گوید: دغدغه جهاد دانشگاهی این است که دانشجویان نخبه در حوزه نشر معرفی و مورد تقدیر واقع شوند؛ وقتی به آثار فاخر توجه نشود فرصت را به کسانی می‌دهند که حرف یا اثر فاخر ندارند. جهاد دانشگاهی در ویژه برنامه‌های فرهنگی در حوزه نشر و وظیفه خود را برای معرفی آثار فاخر انجام داده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد آثار دانشجویی شرکت‌کننده در این رویداد هرساله با افزایش نسبی همراه بوده است؛ به طوری که در بیست و نهمین دوره ۶۱۲ اثر توسط دبیرخانه دریافت شده است که از میان آنها ۶ اثر برگزیده و ۱۱۳ اثر قردادانی شده است. تعداد آثار راه یافته به بیست و هشتمین دوره جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی نیز ۶۰۲ اثر بوده است که پس از دوری در چهار مرحله، ۴ اثر انتخاب شده‌اند. در دوره بیست و هفتم نیز ۴۶۵ اثر دریافت شده است که از میان آنها ۵ اثر برگزیده و معرفی شده است. همچنین در بیست و ششمین دوره از میان ۵۱۸ اثر ارسالی به جشنواره ۱۷ اثر در ۶ گروه و یک بخش ویژه برگزیده و ۱۴ اثر هم شایسته تقدیر شناخته شدند و در دوره بیست و پنجم ۶۳۱ اثر به دبیرخانه ارسال شد که طی چهار مرحله داوری شدند و در نهایت ۹ اثر برگزیده و ۱۸ اثر شایسته تقدیر شناخته شدند.

### علوم انسانی و علوم پزشکی در صدر موضوعی کتاب‌های ارسالی

به گفته حامد علی اکبرزاده دبیر جشنواره، در بیست و نهمین دوره جشنواره بیشترین تعداد شرکت‌کننده

جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی که هرساله از سوی سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود، در حالی وارد ۳۰ سالگی شده است که می‌توان از آن به عنوان قدیمی‌ترین رویداد حوزه کتاب یاد کرد. این جشنواره که به گفته بانیان و دست‌اندرکاران آن با هدف تقویت روحیه کار علمی و خودباوری دانشجویان پایه‌گذاری شده است، با محوریت حمایت از دانشجویان اهل فکر، اندیشه و قلم برپا شده است تا فرصتی برای معرفی و گردهمایی دانشجویان فراهم آورد. جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی همچنین با معرفی و تجلیل از ناشران فعال در زمینه آثار دانشجویی و تقویت روحیه پژوهش در میان دانشگاهیان، به یک رویداد معتبر علمی و فرهنگی در سطح دانشگاه‌ها تبدیل شده است و بسیاری از برگزیدگان آن امروزه از استادان و پژوهشگران برجسته کشور محسوب می‌شوند. ایجاد نشاط علمی در فضای دانشگاهی کشور، شناسایی و حمایت از دانشجویان نوقلم و صاحب‌اندیشه از دیگر اهداف بنیانگذاران جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی است که به منظور شناسایی و معرفی دانشجویان مؤلف و مترجم از سال ۱۳۷۳ آغاز به کار کرده و تاکنون به صورت مستمر برگزار شده است.

از مجموع آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره، گروه علوم انسانی و اجتماعی با احتساب موضوعات بخش ویژه با ۴۹ درصد آثار رسیده رتبه اول را از نظر حجم آثار کسب کرده است. در گروه علوم انسانی به دلیل وسعت رشته‌ها ۳۰۷ اثر و پس از آن گروه علوم پزشکی با ۱۰۷ اثر در بالاترین رده قرار گرفته است. همچنین در بیست و هشتمین دوره جشنواره بیشترین تعداد آثار دریافت شده در بخش اصلی مربوط به گروه‌های علوم پزشکی و علوم انسانی و در بخش ویژه مربوط به شاخه‌های تاریخ شفاهی و علوم انسانی - اسلامی است. بیشترین اثر کتاب سال دانشجویی در بیست و هشتمین دوره نیز با ۲۱۹ عنوان در حوزه علوم انسانی و کمترین تعداد با ۱۱۲ اثر در حوزه کشاورزی بود. در دوره بیست و پنجم کتب علوم انسانی با ۳۱۳ عنوان کتاب بیشترین آثار ارسالی را به خود اختصاص داده است و کتاب‌های حوزه علوم پزشکی و دامپزشکی با ۱۵۶ عنوان کتاب‌های حوزه هنر و معماری با ۴۹ عنوان کتاب در رده‌های بعدی قرار دارند. سهم بالای دانشگاه‌های دولتی در رقابت دانشجویان مؤلف و مترجم در بیست و نهمین دوره جشنواره ۷۴ درصد آثار مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، ۲۱ درصد مربوط به دانشگاه‌های آزاد و ۵ درصد مربوط به سایر دانشگاه‌ها بوده است که ۶۰ درصد دانشجویان مؤلف از مقطع دکتری، ۲۶ درصد از مقطع کارشناسی ارشد و ۱۴ درصد از مقطع کارشناسی هستند؛ در دوره بیست و هفتم ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه دولتی بودند و در بیست و ششمین دوره جشنواره، ۸۷ درصد آثار مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، ۱۰ درصد مربوط به دانشجویان دانشگاه آزاد و ۳ درصد متعلق به دانشجویان سایر مراکز آموزش عالی بوده است.

همچنین در این دوره مقطع تحصیلی دانشجویان مؤلف به ترتیب ۶۴ درصد دکتری، ۲۵ درصد کارشناسی ارشد و ۱۱ درصد کارشناسی بود. حضور چشمگیر شرکت‌کنندگان مرد در ادوار مختلف جشنواره بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد ۷۴ درصد از شرکت‌کنندگان در جشنواره بیست و پنجم مرد و ۲۶ درصد از شرکت‌کنندگان زن بودند. همچنین ۷۵ درصد مؤلفان در بیست و ششمین دوره جشنواره از دانشجویان

مرد و ۲۵ درصد از خانم‌ها بوده‌اند. در بیست و هشتمین دوره از جشنواره کتاب سال دانشجویی، بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان را مردان تشکیل می‌دادند. در دوره بیست و هشتم ۵۲ درصد آثار رسیده به مردان و ۴۸ درصد آثار رسیده به زنان تعلق داشت و در دوره بیست و نهم ۷۶ درصد آثار متعلق به مردان و ۲۴ درصد آثار به زنان تعلق داشته است. معرفی خادمان کتاب؛ وجه تمایز جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی در هر دوره از این جشنواره از مقام علمی یک شخصیت فرهنگی و علمی به عنوان خادم کتاب تجلیل و قدردانی می‌شود که در دوره بیست و نهم از شخصیت علمی و فرهنگی حضرت آیت‌الله علامه جوادی آملی و مهدی محقق با عنوان استاد خادم کتاب، احمد رضا دهپور با عنوان استاد راهنمای برتر و سیده خدیجه صمدی سنگتراشانی به عنوان مروج کتاب و کتابخوانی تجلیل شد. جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی در دوره بیست و هشتم با قدردانی از نوش آفرین انصاری به عنوان استاد خادم کتاب و عبدالقادر بلوچ به عنوان مروج کتاب به پایان رسید.

در بیست و هشتمین دوره، جایزه ویژه مروج کتابخوانی به عبدالحکیم بهار تقدیم شد و منصوره اتحادیه استاد دانشگاه تهران و مدیرمسئول نشر تاریخ ایران به عنوان «استاد خادم کتاب» معرفی شد.

همچنین در دوره بیست و ششم از حجت‌الاسلام والسلمین سیدمصطفی محقق داماد به عنوان استاد خادم کتاب تجلیل شد و در بیست و پنجمین جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی نیز از رضا داوری اردکانی به عنوان استاد خادم کتاب و حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل آذری به عنوان فعال حوزه کتاب و کتابخوانی قدردانی شد.

### سخن آخر

جشنواره کتاب سال دانشجویی هر ساله همزمان با ایام هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و با هدف ایجاد نشاط علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور، جلب همکاری و حمایت ناشران حوزه دانشگاهی، چاپ آثار دانشجویی، تقویت بنیه علمی دانشجویان با ارائه آثار مکتوب و حمایت از دانشجویان نوقلم برای تولید اندیشه‌های جدید برگزار می‌شود. نظر به اینکه دانشجویان و پژوهشگران سازندگان جامعه و پدیدآورندگان

جریان‌های فکری و فرهنگی هستند و نتایج تحقیقات آنها دگرگون‌کننده علم و فرهنگ را می‌سازد، شناسایی و معرفی این نخبگان هدف اصلی جشنواره کتاب سال دانشجویی عنوان شده است. جشنواره کتاب سال دانشجویی با همت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۷۳ پی‌ریزی شد و هم‌اکنون اجرای این فعالیت توسط سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی انجام می‌شود و در حال حاضر سی‌امین دوره آن در حال برگزاری است.

### نحوه شرکت در سی‌امین دوره جشنواره کتاب سال دانشجویی

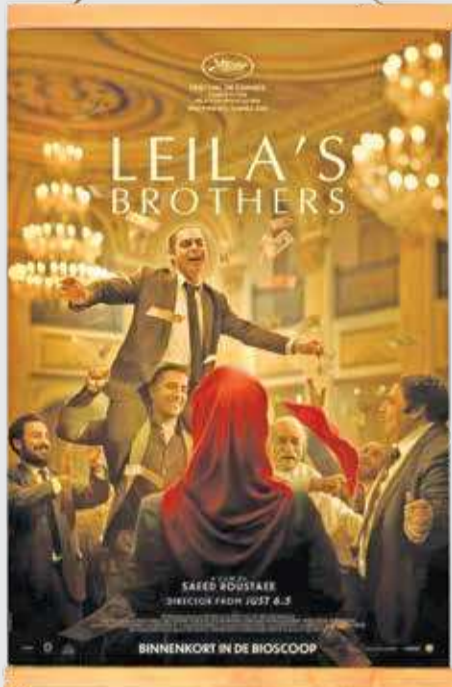
دانشجویان مؤلف و مترجم برای شرکت در سی‌امین دوره جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی تا بیستم خردادماه ۱۴۰۲ فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی ارسال کنند؛ علاقه‌مندان باید پس از ثبت نام از طریق سامانه اینترنتی به آدرس [www.isba.ir](http://www.isba.ir) دو نسخه از اصل اثر را به همراه فرم ثبت نام اینترنتی به آدرس پستی دبیرخانه جشنواره در تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای زاندارمری، پلاک ۷۲، صندوق پستی: ۱۱۶۳۰-۱۳۱۴۵ سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی ارسال کرده و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۶۹۵۲۷۲۷ تماس بگیرند.

هرساله طی مراسمی که به طور معمول در ایام هفته کتاب برپا می‌شود، از برترین آثار نگارش یافته قدردانی خواهد شد.

### کتاب سال دانشجویی







# ایمان و امید

## حلقه مفقوده سینمای ایران



سینماگران در حالی خود را صدای مردم معرفی می کنند که همواره نسبت به موضوعات اجتماعی و مشکلاتی که در مملکت وجود دارد و مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند، بی توجه هستند. فیلم هایی که محتوایش هیچ ربط با مردم ندارد و به دور از هر اثرگذاری مثبتی در رفع ناهنجاری های فرهنگی و اجتماعی تنها بذری اعتمادی و ناامیدی را در جامعه می پاشند

حالت درد و رنج خود دانست که به دلیل سبک زندگی ای که داشته وارد فضایی از حیات خود شده است که جز روان پریشان درمان خودسرانه کارساز نیست. دکتری که از سر تعهدی که دارد باید شنوای درد بیمار باشد. اما مردم به عنوان مخاطب سینما بر مبنای کدام تعهد موظف اند که پای تلخ کامی های فیلمسازانی بنشینند که نه درد مردم بلکه از بیماری روان خود پرده برمی دارند و مردمی که از سر تفریح بلیت می خرند بعد از دیدن فیلم با روحیه خموده و ناامید و سرگردان از درب سینما بیرون می آیند. حال جامعه نه یک بیمار بلکه به تعداد مخاطبان آن فیلم ناامیدان افسرده حالی دارد که رمق زندگی در او مرده است و نای نفس کشیدن هم ندارد اگر نفسی مانده باشد.

### نمایش قهرمان های معاصر و تاریخی آرامش بخش و امید آفرین است

موضوعی که ناصر شفیعی مسئول جشنواره مردمی عمار در گفت و گو با دیار آفتاب بر آن تأکید می کند: «نگاهی به اماکن تاریخی، داشته های ادبی در حوزه های حماسی و آیینی، همچنین توجه به قهرمانان معاصر و حتی تاریخی و وجود مؤلفه های آرامش بخش و اطمینان دهنده و امید آفرین دینی، نشان از ظرفیت های گسترده موجود در کشور برای ساخت یک اثر سینمایی دارد اما متأسفانه اهالی سینما به هیچ یک از این موارد توجهی ندارند و تلاش می کنند تا همه چیز محدود در زندگی پیرامونی شان باشد.»

سینمایی که نتواند در راستای امیدبخشی به جامعه و ترسیم آینده ای روشن و از طرف دیگر ارائه ارزش هایی آرامش بخش و اطمینان دهنده فعالیت کند، دقیقاً چه نوع هدفی را دنبال می کند و جز ایجاد سرمایه های کلان برای عده ای خاص چه سوددهی دیگری برای جامعه دارد.

سینمایی که محدود به چهارچوب های عده ای خاص است و به تعبیری دنیای محدود خود را می سازد و به دنیای آرمانی یک ملت کاری ندارند؛ سینمایی که می تواند به عنوان یک نیرو محرکه اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی و فرهنگی نقش ایفا کند و در حوزه های تربیتی کودکان و نوجوانان، پرداخت به دستاوردها، پرداخت به داشته های فرهنگی و تاریخی وارد شود؛ این مسأله ای است که در سینمای حال حاضر دیده نمی شود.

اولین مضمون این عرصه شیوه نامه نظارتی بر سینماست. ارگان های نظارتی که در تدوین اساسنامه های خود نسبت به حق معنوی بینندگان و تماشاگران خود بی توجه هستند و همواره از حقوق سینما در مقابل مردم کم سخت گفته شده است. امری که نیازمند تصویب قوانینی در این زمینه است.

این قوانین که به موجب آن ساخت فیلم هایی با محتواهای مخربی هم چون یأس و ناامیدی از دایره تولید خارج شوند و برای ساخت فیلم هایی با محتوای امید آفرین امتیازات ویژه ای قائل شود. کاری که امروز در سینمای هالیوود در حال رخ دادن است.

اگر از میان فیلم های هالیوودی مضامین و محتوای آنها را زیرو رو کنیم، فیلمی با مضمون سیاه نمایی از جامعه آمریکایی پیدا نمی کنیم، هر چند که نسخه سیاه نمایی تنها برای کشورهای جهان سوم نوشته می شود و براساس قواعد از پیش تعیین شده در جشنواره های خارجی فیلم هایی از کشورهای جهان سوم مورد پذیرش است که بهترین تصویر از ناامیدی و سیاه نمایی را از جامعه خود ارائه دهند. نسخه ای به صورت مستقیم «ایمان و امید» را نشانه گرفته است.

### اهتمام به سوق دادن جامعه به پرتگاه ناامیدی

مروری بر محتوای غالب فیلم های سینمایی نشان می دهد که این بخش مهم فرهنگی نه تنها در امید آفرینی اجتماعی کارآمد نبوده بلکه تمام اهتمام خود را بر ترویج مفاهیمی به کار بسته است که جامعه را به پرتگاه ناامیدی سوق می دهد. براساس دیدگاه متفکرین سینمایی، هنر هفتم در بعد غالب خود همواره اصالت خود را بر سیاه نمایی و ناامیدی در جامعه دینی، سوپرکتویسم، عدم توجه به احساسات فطری مخاطب، انتخاب سوزهای روشن فکری، جشنواره پسند بودن، نگاه کارکردی به دین، بیان درد بدون راهکار، عدم توجه به مذهب و نسبی گرایی امید آفرینی در جامعه استوار کرده است.

### قاب بستن از مشکلات مردم بدون نگاه مصلحانه

بیان ناامیدی و سیاه نمایی در عرصه سینمایی تنها این نیست که مسائل و مشکلات گفته نشود بلکه اگر از مشکلات مردم قابی بسته می شود باید نگاهش مصلحانه باشد یعنی بتواند که برای رفع آن راهکار ارائه کرد یعنی هدف باید بیان حقایقی باشد که بتواند در آینده راهگشایی بیابد. این در حالی است که مخاطب بعد از دیدن این سیاهی ها تلاش برای از بین بردن آن و پیشرفت و آبادی وطن حسی دریافت نمی کند؟ پاسخ روشن است؛ فیلمساز مرز بین واقعیت و سیاه نمایی را درک نکرده و به هیچ وجه در آثارش طرح مسأله وجود ندارد. طرح مسأله یعنی معلومات و مجهولات، داشته ها و نداشته ها و... را در کنار هم نشان دادند.

برخی کارشناسان فرهنگی از جمله وحید جلیلی معتقدند هنری مردمی است که داشته های مردم را به رخ بکشد و در کنار آن آسیب ها را نیز نمایش بگذارد. در واقع نمایش آسیب ها به قصد حل شدن آن با نگاهی امیدوارانه و خلاقانه و در عین حال کارشناسی شده می تواند مفید واقع شود.

سینماگران در حالی خود را صدای مردم معرفی می کنند که همواره نسبت به موضوعات اجتماعی و مشکلاتی که در مملکت وجود دارد و مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند، بی توجه هستند. فیلم هایی که محتوایش هیچ ربط با مردم ندارد و به دور از هر اثرگذاری مثبتی در رفع ناهنجاری های فرهنگی و اجتماعی تنها بذری اعتمادی و ناامیدی را در جامعه می پاشند.

در این شرایط است که امیددهی به جامعه اصلی ترین نیاز مردم است اما آنچه دیده می شود سینمای خالی از امید، خالی از آرمان و خالی از مبانی و ارزش های یک ملت است و دقیقاً مشخص نیست که این سینما برای کدام ملت فیلم می سازد و در کل، فلسفه وجودی این سینما چیست؟

فیلمی که نه با مشکلات مردم مرتبط است نه اثرگذاری مثبتی در جامعه دارد مشخص نیست طی این سال ها مدیران فرهنگی و فیلمسازان با چه هدفی بر این دست از فیلم ها اصرار داشته اند. بی توجهی چهارچوب ساله سینما بر اثرگذاری مخرب این رویکرد بر محتوا سبب شده تا رهبر انقلاب در کنار سایر علل عوامل اثرگذار، صراحتاً اعلام کند هرکس در جامعه ناامیدی را ترویج کند هم داستان با دشمنان این سرزمین است. بنابراین درخوش بینانه ترین حالت هدف فیلمساز را می توان بیان

### هائیه شجاعی زند

نویسنده



هنگامی عنوان عدم توجه به «ایمان و امید» طی فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اهتمام ویژه ارکان وزارت ارشاد به میان آمد که پدیده هولناک سیاه نمایی و ناامیدی طی پروژه های فرهنگی به خصوص در حوزه فیلم های سینما به مرور زمان پررنگ تر شد و به عنوان جنگ نرم فرهنگی در مقابله با مهم ترین نرم افزار نهضت امام یعنی «ایمان و ایمان» اساس محتوای آثار سینمایی گردید. محتوایی که اگر خط و ربطش را پیدا کنید نه در جامعه ایران بلکه از مسیر ماهواره و فضاهای سایبری در کشور جریان سازی می کنند. جریان های فیلمسازان ایرانی، آینده درخشان خود را در همصدایی با این جریان دیده اند و مسئولانی که برای این هنرنمایی ها جوایز کنار می گذارند تا انگیزه ساز نسل بعدی انقلاب باشند که اگر می خواهید در این عرصه موفق شوید ادامه دهنده همان جریانی باشید که آشخورش از خارج از مرزها می آید و تمام تمرکزش روی مقابله با دو عنصر اساسی جامعه یعنی نابودی «ایمان و امید» است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی به دنبال این انحرافات معنایی و محتوایی در جامعه، در سخنرانی خود به مناسبت، سالگرد امام راحل بر دو عنصر اصلی نرم افزاری نهضت امام تأکید کردند: «ایمان و امید» دو موضوعی که با حوزه مأموریتی وزارت فرهنگ نسبت مستقیم دارد. نسبتی که در عملکرد این وزارتخانه، نمود کم رنگی دارد تا آنجا که رهبر انقلاب در مهم ترین سخنرانی سالانه خود در میان جمع انبوهی از مردم و مسئولین، این مهم را با تأکید متذکر شدند. موضوعی که در روند تحولی انقلاب از بدو شکل گیری که نه از دورانی که مردم مجاهد و انقلابی با تأسی از رهبر خود با ایمانی راسخ و امید به پیروزی کمر همت بستند و تا امروز پای سخت ترین دشمنان این نظام ایستادند همواره از مهم ترین عناصر راهبردی بوده است و به واسطه همین اثرگذاری ها همواره مورد آماج و حمله دشمنان ایران و اسلام قرار گرفته است. گویی دشمن خیلی جلوتر از مسئولان فرهنگی ایران به اهمیت این دو اصل را پی برده است چرا که هرکجا که ضربه خورده اند از ایمان و امید ملت ایران بوده است.

سخن گفتن از امید و امید آفرینی درباره آینده بر این پیش فرض استوار نیست که تمام مشکلات جامعه ناشی از یک «احساس منفی» است؛ بلکه منظور دگرگون کردن حقایق است تا از این مسیر اراده ملت سست شود. مقام معظم رهبری در تشریح معنا و مفهوم ناامیدی در کشور می فرمایند: هدفشان خاموش کردن امیدهاست، می خواهند شعله امید را در دل جوانان ما خاموش کنند، جوان را مأیوس کنند. یأس یعنی بن بست؛ وقتی که جوان از پیشرفت مأیوس شد، از آینده مأیوس شد، احساس بن بست می کند؛ از کسی که احساس بن بست می کند، نمی شود توقع داشت درست کار کند. می خواهند اختلاف افکنی کنند، می خواهند در کشور دوقطبی ایجاد کنند؛ می خواهند نرم افزار واقعی قدرت ملی کشور را از دست ملت بگیرند، بی اثر کنند؛ این نرم افزار عبارت است از ایمان مردم، ارزش های دینی مردم، ارزش های ملی مردم، اعتقادات مردم، وقتی این کارها را انجام دادند، دنبال این هستند که در کشور بی ثباتی به وجود بیاید، ناامنی به وجود بیاید، اگر بتوانند جنگ داخلی ایجاد کنند؛ که البته سرشان به سنگ خورده است و خواهد خورد.»

تذکراتی که رهبر انقلاب با توجه به شرایط حاکم به خصوص در بخش فرهنگی جامعه مدام بر آن تأکید داشته اند اما سینما همچنان راه خود را می رود.



# فداگران

## نقالی از اصیل ترین هنرهای نمایشی ایرانی است

کامبیز فروغی

خبرنگار

شمالی، بنیاد شهید و امور ایثارگران استان و شرکت پتروشیمی خراسان در ۲۸ اردیبهشت ماه در مجتمع فرهنگی، هنری گلشن، سالن تماشاخانه شمس بجنورد برگزار شد.

در این جشنواره دانش آموزان با لباس شبیه پرده خوانان و نقالان در حالی که یک مطراق به دست بودند به نقالی شهید محمدعلی صفا (شکارچی تانک)، سردار عبوض خان (حماسه فیروزه)، سردار شهید رجب محمدزاده (شهید وحدت)، سردار شهید ایرج رستمی (جان‌نشین شهید چمران)، شهید محمدابراهیم باقری (شهید فاجعه منا)، شهید فیروز حمیدی زاده (شهید مدافع حرم)، تحفه گل (حماسه فیروزه)، شهید علی ره‌آموز (شهید ترور) و شهید مصطفی کریمی (شهید ترکمن) پرداختند.

آثار منتخب نقالی و پرده خوانی توسط این دانش آموزان در جمع کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به این هنر اجرا شد که این اجراها در مرحله نهایی توسط سه نفر از داوران استان، عباس کریمی، محمد یحیی آبادی و انسیه حاجی زاده داوری شدند.

حالا و هوای این جشنواره بسیار متفاوت بود و سالن برگزاری مراسم چنان شلوغ بود که بیشترین علاقه‌مندان سرپا اجراهای نقالی و پرده خوانی را دنبال کردند.

نقالی یک نوع هنر نمایشی و دراماتیک و از اصیل ترین هنرهای نمایشی ایرانی است که در فرهنگ ما ریشه دارد و قدیمی ترین شکل بازگو کردن قصه‌ها و داستان‌های اکثر حماسی یا مذهبی است.

نقالی علاوه بر نقش آفرینی در حفظ و ماندگاری ادبیات پارسی و افسانه‌های ایرانی می‌تواند زمینه‌ساز اعتلای فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی باشد.

پاییز سال گذشته بود که فراخوان نخستین جشنواره «نقالان سوره» با هدف بسط و گسترش سیره شهدا در راستای اصل تولید محوری و شناسایی استعدادها و هنرهای نمایشی نوجوانان و دانش آموزان، جهت حمایت مادی و معنوی از آثار نمایشی فاخر به همت حوزه هنری خراسان شمالی اعلام شد.

با اتمام مهلت فراخوان نخستین جشنواره نقالان سوره ۲۶۶ اثر به این جشنواره توسط دانش آموزان استان ارسال شد که ۶۳ اثر به بخش داوری راه پیدا کرد و ۲۰ اثر استانی در مرحله اول برگزیده شد تا در مرحله نهایی داوری شوند.

این جشنواره به همت حوزه هنری خراسان شمالی و با همکاری اداره کل آموزش و پرورش، کانون فرهنگی و هنری مساجد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان



### اجرای ۹ مجلس پرده خوانی

در بخش سوم و آخر اجراهای نخستین جشنواره استانی نقالان سوره امیرعلی روحانی از شهرستان فاروج، سیده مریم رسولی از شهرستان راز و جرجلان و مهشید غلامانی به ترتیب اتفاقات پیش آمده برای شهید محمدعلی صفا، شهید ره‌آموز (شهید ترور) و شهید فیروز حمیدی زاده (شهید مدافع حرم) را روایت کردند.

استقبال مردم از این مراسم بسیار خوب بود به شکلی که دوستداران هنر از هر سنی به همراه کودکان شان پای تماشای این پرده خوانی‌ها نشستند.

اکرم صدیقی کلاته رئیس حوزه هنری استان خراسان شمالی در خصوص این جشنواره گفت: ایده این اقدام از اواخر سال ۱۴۰۰ ایجاد شد و با برگزاری جلسات کارشناسی دقیق، به این سبک اجرای جشنواره رسیدیم و فرخوان آن آذر ماه با همکاری دبیرخانه حوزه هنری استان و اداره کل آموزش و پرورش، اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران و پتروشیمی خراسان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی و با محوریت نقل زندگی شهدای شاخص استان و دو نفر از قهرمانان ملی مبارزه با استعمار کلید خورد.

صدیقی با اشاره به اینکه این جشنواره صرفاً یک رقابت نیست و نقالان سوره یک جریان هدفمند برای بسط و گسترش مفاهیم ارزشمند ایثار و شهادت و زمینه ساز آگاهی نوجوانان به وطن، دین غیرتمندی است، افزود: حوزه هنری استان در نظر دارد علاوه بر تدوین فیلم این اجراها در VOD پرمخاطب، ۲۰ نفر برگزیده این جشنواره نیز در تیرماه سال جاری در باشگاه نقالان سوره به عنوان سفیران نقال در شهر و روستای خود باشند و به افراد علاقه‌مند به این هنر آموزش دهند. در صورت تأمین اعتبار در آبان ماه سال جاری فراخوان دومین جشنواره نقالی صادر خواهد شد و تلاش می‌کنیم با رایزنی‌های صورت گرفته با حوزه هنری کودک و نوجوان این جشنواره در سطح ملی نیز برگزار شود.

در اختتامیه جشنواره ۹ مجلس هنری منتخب به پرده خوانی موضوعات مطرح شده پرداختند. در بخش اول علیرضا امانی از شهرستان بجنورد با اجرای پرده خوانی شهید رجبعلی محمدزاده به روی صحنه رفت و با نشان دادن تصاویر روی پرده، زندگی این شهید را روایت کرد.

همچنین در این مراسم زهرا برات زاده از شهرستان بجنورد به عنوان پرده خوان شهید ایرج رستمی در این برنامه ایفای نقش کرد.

اجرای آخرین نمایش در بخش اول نقالی تحفه گل و حماسه مردم فیروزه بود که نقال این اجرا فاطمه رضانی از شهرستان بجنورد با رخصت گرفتن از بزرگان و پیشکسوتان به نقالی این نمایش پرداخت.

اما در این میان یکی از جذاب ترین لحظه‌های جشنواره حضور دختری از روستای گرکوه از شهرستان فاروج بود، با اینکه جزو نفرات انتخاب شده برای اجرای امروز نبود اما با لباس‌های محلی به جشنواره آمده بود و شوق و اشتیاق برای اجرا در صحنه رقابت را داشت که با هماهنگی دبیرخانه به او و یک نفر دیگر زمان داده شد تا هنر خود را به نمایش بگذارند.

براساس این گزارش بخش دوم اجراهای نخستین جشنواره استانی نقالان سوره ادامه پیدا کرد و نقال سیدمهدی حسینی از شهرستان فاروج با اجرایی زیبا داستان زندگی این شهید را تا لحظه شهادتش روایت کرد.

همچنین متینا حسینی یکی دیگر از دانش آموزان فاروجی نیز در حالی که یک مطراق به دست دارد یک تنه توانایی‌های خود را در تجسم بخشیدن به حال و هوای داستان و قهرمان حماسه فیروزه (سردار عبوض خان) به خوبی به کار گرفت.

محسن رشیدی به عنوان آخرین نقال بخش دوم اجراها، با نقل جذاب و دوست‌داشتنی به اجرای پرده خوانی شهید محمد ابراهیم باقری (شهید منا) پرداخت.

### امید است جشنواره نقالان سوره تداوم داشته باشد

رشته نمایش برگزار شد؛ ضمن اینکه تمامی شرکت کنندگان در این کارگاه حضور داشتند. وی در ادامه بیان کرد: در نخستین جشنواره نقالان سوره اجراها با حضور ۹ نفر از دانش آموزان برتر ايسر و دختری از مقاطع ابتدایی و متوسطه داوری شد.

وی ضمن تقدیر و تشکر از همت و تلاش بی‌بدیل مدیریت حوزه هنری استان افزود: امیدواریم این جشنواره در سال‌های آینده تداوم بیشتری داشته باشد.

مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی نیز در خصوص فرایند کار این جشنواره گفت: جشنواره دانش آموزی نقالان سوره از اواخر پاییز با همکاری دبیرخانه حوزه هنری استان و اداره کل آموزش و پرورش آغاز و با محوریت نقل زندگی شهدای شاخص استان و دونفر از قهرمانان ملی مبارزه با استعمار برگزار شد.

ابوالقاسم اکبری اظهار داشت: جهت تقویت و آمادگی بیشتر شرکت کنندگان کارگاه‌های آموزشی زیر نظر حوزه هنری و هنرمندان شاخص

### نقالی خوانی نوجوانان موجب رشد ارزش‌های دینی می‌شود

دکتر محمدرضا حسین نژاد استاندار خراسان شمالی نیز در ادامه ضمن تقدیر از حوزه هنری استان برای برگزاری چنین جشنواره‌ای، در راستای حمایت از نقالان جوان و نوجوان قول مساعد داد و نقالی توسط نوجوانان را موجب حفظ، تقویت و رشد ارزش‌ها و معیارهای دینی جامعه دانست. وی با اشاره به اینکه حوزه هنری بنیانگذار حرکتی نو در زمینه پرده خوانی بود، اظهار داشت: باید بتوانیم با روایت سیره شهدا در راستای حفظ ارزش‌های دینی و اسلامی و مواردی که باعث افتخار جمهوری اسلامی ایران است، تلاش کنیم.

### عظمت و بزرگی کار شهدا غیرقابل توصیف است

این شکوه و بزرگی را به رشته تحریر درآورد. وی با بیان اینکه اکنون دنیا دنیای تسخیر فکرها و اندیشه‌هاست، افزود: انتقال زندگی سرداران و بزرگان و فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس در قالب نقالی و پرده خوانی موجب می‌شود فرزندان ما با این ارزش‌ها رشد و زندگی کنند.

در آیین اختتامیه نخستین جشنواره نقالان سوره ابتدا از مرشد حسین مداح نیا پیشکسوت و آخرین

مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان شمالی نیز برگزار کرد. این مراسم در اجتماع شهدا را به جامعه معرفی کنیم که این کار بسیار بزرگ و ارزشمندی بود که توسط حوزه هنری استان صورت گرفت.

محمدزاده اظهار داشت: عظمت و بزرگی کار شهدا، جانبازان و ایثارگران غیرقابل توصیف است و نمی‌توان

